انقلاب پیروز است!

● نگاهی به سومین سال انقلاب که گذشت و وظایفی که در سال چهارم در برابر انقلاب قرار دارد درصفحه۲

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۶، دوره سوم، دوشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۰، برابر با ۲۰ ربیع الاخر ۱۴۰۲ و ۱۵ فوریه ۱۹۸۲، بها ۳ ریال

امام خمینی:

خدمت به خلق بکنید، برای اینهائی که اولیاء ما هستند، این پایین شهریها، واین پابرهنه‌ها

* این مردمند که آمدند ما را آوردند بیرون از همهٔ اینها، و اگر ما تا آخر عمرمان به اینها خدمت بکنیم، نمی توانیم ازعهده خدمت اینها برآئیم.

امام خمینی، رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، در دیدار با رئیس جمهوری، رئیس ونمایندگان مجلس شورای اسلامی، چندتن از وزراء وگروهی از اقشارمردم وپرسنل ارتش (۱۹ بهمن ۶۰) سخنان مهمی ایراد کردند.

امام خمینی گفتند:

"اساس ادامه یک پیروزی و ادامهٔ یک انقلاب در یک امری است که به نظرمی آید در راس امور واقع است وآن اینکه دولت، مجلس وکسانی که در ارتش هستند وسپاه وهمهٔ اینها ازطبقه متوسط ومادون متوسط باشد.

اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشورما از طرف غیر واقع شده است،

بقیه درصفحه۴

تامین آزادیهای سیاسی، برای نیروهای هوادار انقلاب به مصلحت انقلاب است

مسئله آزادیهای سیاسی، از جمله مسائلی است که از ابتدای انقلاب تا به حال موجد دشواریها، تشنجات و ناآرامیهای بسیارشده وعدم حل صحیح و قانونی آن، تاحال زیانهای حدی برای انقلاب ببار آورده است.

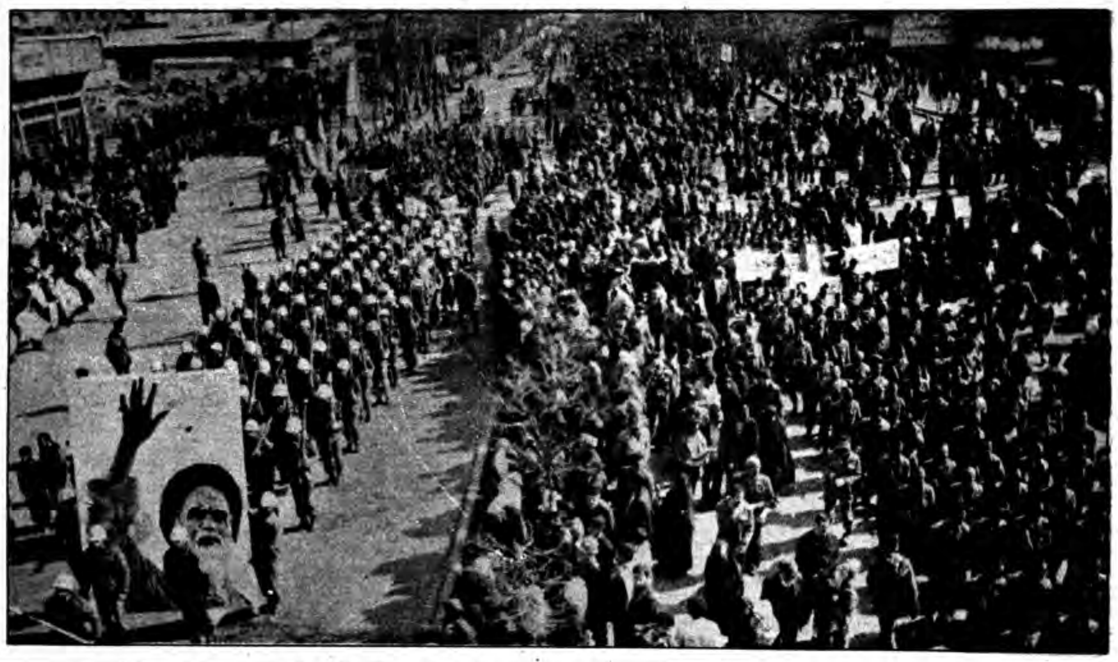
موضعگیری رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و پیروان صدیق خط امام درقبال مسئله آزادیهای سیاسی، موضعگیری روشنی است. امام خمینی وپیروان راستین خط امام همواره برضرورت تامین آزادیهای سیاسی برای همه هواداران انقلاب، صرفنظر از

بقیه درصفحه۷

خروش مردم درسومین سالگرد پیروزی انقلاب:

مرگ برآمریکا، دشمن خونخوارما...

درصفحه۳



* پیام امام خمینی رهبرانقلاب و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران: امریکا وسرسپردگانش باید بخودآیند وازتوطئه ها دست بردارند، که ایران دیگرجای تاخت وتازآنان نیست.

* قطعنامه مراسم سومین سال روز پیروزی انقلاب: "از مجلس محترم شورای اسلامی میخواهیم تا بمنظورمبارزه باتروریسم و رفع محرومیت های بجای‌مانده ازرژیم طاغوتی هرچه سریع تر لوایح وطرح‌هائی را جهت رفع مشکلات اقتصادی مستضعفین واقشارمحروم جامعه به تصویب رسانده وماخواستار به اجرا درآمدن سریع برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت ودرازمدت اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی ایران می باشیم.

رژهٔ مسلح خلق درسالروز پیروزی انقلاب

مسئولیتی به عظمت تاریخ!

درصفحه۱۴

دادستان کل انقلاب اسلامی

وآزادیهای سیاسی

امسال سال قانون است امام خمینی

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی وبه‌ویژه مسئولین قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبرانقلاب را اجرا کنند. کوشش همه‌جانبه ای برای استقرار قانون درجامعه آغاز شده‌است، که بخشی ازآن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران ونظریات رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران ومسئولان درجه‌اول کشور دربارهٔ آزادی‌های سیاسی است.

مابرای آنکه، به‌سهم خود، دراین زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانده‌باشیم، نظریات وقوانین موجوددربارهٔ آزادی‌های سیاسی بترتیب منتشر می‌کنیم.

درشماره‌های پیش نظریات امام خمینی رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، شهید مطهری، حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس‌شورای‌اسلامی. وآقای میرحسین‌موسوی نخست‌وزیر را منتشر کردیم. دراین شماره به‌انتشارنظریات حجت‌الاسلام موسوی‌تبریزی دادستان‌کل‌انقلاب‌اسلامی می‌پردازیم:

"دربارهٔ‌گروه‌های غیرمحارب، ببینید. یک‌وقت‌افرادی‌درجامعهٔ ما هستند حتی مکتب مارا قبول‌ندارند، ولی قانون‌اساسی می‌گوید و از اول هم امام‌اعلام‌کرده ونظام جمهوری‌اسلامی‌هم بر این پایه‌گذاری شده، که آزادی‌های فردی وگروهی، تاحدی‌که توطئه‌نباشد، تامین‌خواهد شد ومامی‌دانیم‌که‌حزب‌توده‌واکثریت یا گروه‌های دیگر. الان گروه‌هائی‌بنام‌اسلام در ایران‌هستند ومی‌دانیم‌که‌اسلامی صرف نیستند وحتی بانظام‌خیلی موافق نیستند، مانند جنبش مسلمانان‌مبارز، مانندنهضت‌آزادی، حاما وامثال‌اینها اینهااگر محاربه‌نکنند، نظام‌ما می‌گویدکه‌آزادند ومی‌توانند فعالیت های سیاسی‌داشته‌باشند، حتی‌میتوانند برای‌خودشان روزنامه‌داشته‌باشند. برای خودشان‌تبلیغات‌کنند... در رابطه باحزب‌توده واکثریت هم الان اینطور است. آنها اعلام‌کردند ما با نظام‌جمهوری‌اسلامی الان‌محاربه نداریم و با توجه به‌اساس پذیرفتن نظام‌جمهوری‌اسلامی مافعالیت‌های سیاسی‌هم می‌کنیم. تااین‌اندازه هم ما با آنهابرخوردمی‌کنیم. اکثریت الان‌دارداسلحه‌هایش راتحویل می‌دهد وکارهای سیاسی هم‌انجام‌می‌دهند..." (پاسدار انقلاب. شماره آبان ۱۳۶۰)

"زن اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست" (امام خمینی)

نگذارید زنان درجامعه سرکوب وعقب رانده شوند

خانم مریم بهروزی نمایندهٔ زن مردم تهران درجلسه۱۳ بهمن ۶۰ مجلس شورای‌اسلامی، بعنوان سخنران‌پیش از دستور، درتشریح‌موقعیت‌کنونی زنان حقایق لرزاننده‌ای رابر زبان‌آورد. در

بقیه درصفحه۷

رئیس مجلس شورای اسلامی خرابکاری «ستون پنجم دشمن»را درسیاست خارجی ایران محکوم کرد

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی‌و نمایندهٔ امام‌خمینی در شورای‌عالی دفاع، پس از جلسه روز شنبه۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۰ شورایعالی‌دفاع، طی یک مصاحبه، از توطئه‌ای‌ضدانقلابی، که‌ازجمله‌درجشن سومین سالگرد انقلاب توسط "ستون پنجم‌دشمن" وبه‌منظور "خرابکاری‌در سیاست خارجی" جمهوری اسلامی ایران، به‌اجرا درآمد، یاد کردوآن‌را به شدت محکوم نمود. نمایندهٔ امام خمینی در شورای‌عالی‌دفاع گفت:

"یکی‌دیگر از موضوعات‌دستور‌مان، کارهای‌خلافکاری‌بودکه‌این‌روزها از طریق ستون پنجم دیده می‌شوددر داخل‌کشور. به‌نظر می‌رسد دشمن‌ها افتاده‌اند به سخیف‌ترین کارهای موذیانه، که‌یک‌نوع خرابکاری‌بکنند در

بقیه درصفحه۱۶

به نظام پیمانکاری باید پایان داد

نظام پیمانکاری یکی از ابزارهای عمده رژیم گذشته در چپاول ثروتهای میهن‌ما به‌شمارمی‌رفته است. طرحهای عمرانی، باشکل‌آبادسازی‌وپیشرفت و ماهیت‌نواستعماری، درخدمت‌هدفهای استراتژیک، نظامی واقتصادی امپریالیسم وایادی‌داخلیش ــ کلان سرمایه‌داران‌وبزرگ‌مالکان ــ بوده‌است بهمین دلیل هم بیشترین طرح های عمرانی درمثلثی ازخرمشهر ــ تهران ــ چاه‌بهار، که از نظر منابع نفت و پایگاه‌های‌نظامی‌وثروت‌های طبیعی دارای اهمیت‌فراوان‌است، اجرامیشده، است.

شرکتهای پیمانکاری داخلی و خارجی‌اجراکنندهٔ‌اینگونه‌طرحها بوده‌اند. برطبق آمارهای‌منتشره‌ازسوی مرکز آمار ایران، سرمایه گذاری‌ثابت ناخالص دولت درساختمان، طی پنج ساله ۵۶ــ ۱۳۵۲، برابر با ۲۱۴۹/۱ میلیارد ریال بوده‌است. که‌بااحتساب قیمت ماشین آلات مربوطه، کل‌مبلغ مزبور برابربا ۲۹۵۳/۷ میلیارد ریال می‌گردد. واگر درنظرگیریم که‌در همین دوره‌پنجساله درآمد دولت‌از فروش نفت رقمی‌نزدیک به ۷۰۰۰ میلیارد ریال‌بوده‌است، روشن‌می‌شودکه‌نزدیک به ۴۲٪ ازمجموع درآمدنفت‌درجریان اجرای‌طرحهای‌نظامی (بمنظوراجرای نقش ژاندارم امپریالیسم درمنطقه) و یاطرح‌های عمرانی (در جهت فراهم آوردن زمینه‌مناسب‌برای‌چپاول‌منابع طبیعی‌استثمار نیروی‌انسانی وفروش بنجلهای کشورهای‌امپریالیستی در بازاروبرانجام وابسته‌کردن‌اقتصاد کشور) در اختیار شرکتهای‌مقاطعه‌کاری قرارمی‌گرفت‌ومبالغ هنگفتی از آن به

بقیه درصفحه۹

انقلاب پیروز است!

نگاهی به سومین سال انقلاب که گذشت و وظایفی که در سال چهارم در برابر انقلاب قرار دارد

* سومین سال انقلاب هم دشوار و بغرنج وهم رهگشا بسوی پیروزی نهائی وافتخارآفرین بود.

* توطئه مسخ انقلاب توسط باند بنی صدر وتوطئه تروریسم سیاسی توسط سلطنت طلبان وساواکی‌ها ورهبری خائن "مجاهدین" شکست خورد، ولی توطئه تروریسم اقتصادی ادامه دارد وآمریکا در کار تدارک توطئه برای سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی ایران است.

* یکی ازهدف‌های تروریسم سیاسی، وادارکردن حاکمیت به سلب آزادی ازاحزاب وسازمان‌ها ی سیاسی مدافع انقلاب است که، به گفته درست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی: "دامی است که ما نباید درآن بیفتیم.

* "دشمن اصلی برای ما امریکاست و هرکس که با او همدست و همکار باشد." رئیس جمهور خامنه‌ای

* "امریکائی‌ها تمایل دارند این جنگ ادامه پیداکند، هم به دلیل تضعیف دوکشوراسلامی وهم بدلیل مسائل اقتصادی وسیاسی و هم به دلیل راحت گذاشتن اسرائیل وهم به دلیل فروش تسلیحات وهم بدلیل باج گرفتن ازعراق– چون ایران که باج نمیدهد– باج دادن عراق به بعضی ازکشورهای منطقه که درخدمت آمریکا هستند." حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی

* باتکیه بر توده‌های دهها میلیونی مردم انقلابی وفداکار، با بسیج آنها، بااتحادنیروهای انقلابی، قطع نظر از عقیده و مسلک و مذهب، به رهبری امام خمینی، میتوان انقلاب رابه پیروزی قطعی ونهائی رساند.

انقلاب اسلامی ایران، یعنی انقلاب بزرگ و شکوهمندی که، زیر پرچم اسلام وبرهبری امام خمینی، با محتوای ضداستبدادی، ضدامپریالیستی وضد ستمگری‌های اجتماعی–اقتصادی، برای دستیابی به استقلال همه‌جانبه، برقراری آزادیها و حقوق مردمی، بازسازی ساختار اقتصادی کشور به سود زحمتکشان ومستضعفان وتامین عدالت اجتماعی، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، با قیام یکپارچه خلق وبانثاربیدریغ خون، به پیروزی رسید، سومین سال عمر پر–تلاش وایثارگرانه خودراپشت سرگذاشت.

دراین سومین سال، انقلاب در راهی بسیار دشوار وناهموار، طی مبارزه‌ای بسیار سخت، که با دشمنان خارجی وداخلی بسرکردگی آمریکا، در تمام جبهات سیاسی، اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی و روانی جریان یافت، در برخی از جبهات نبرد انقلابی به پیروزی‌های چشمگیری نائل آمد و در برخی ازجبهات مواضع مساعدی برای ادامه نبرد تاپیروزی بدست آورد. در مجموع، سومین سال انقلاب هم دشوار وبغرنج وهم رهگشا بسوی پیروزی نهائی وافتخارآفرین بود.

دراین سال سوم انقلاب، به دنبال مهارشدن تهاجم نظامی صدام، که نیمه دوم سال قبل آغاز شد، و درنتیجه توطئه نوبتی آمریکا برای شکستن قهرآمیز انقلاب مانند توطئه‌های قبلی –تهاجم مستقیم نظامی (طبس) وکودتای نوژه– با شکست روبرو شد، مجددا آمریکا، بااستفاده ازبنی صدر، امید بیشتری به مسخ انقلاب اسلامی ایران بست وتلاش بیشتری در "خط" مسخ انقلاب اسلامی ایران کرد. جبهه وسیعی ازتمام "جاده صاف‌کن‌های ضدانقلاب" ونیروهای ضدانقلابی –لیبرال‌ها، سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها رهبری خائن "مجاهدین"، چپروهای بازیخورده، چپ‌نماهای بازی–دهنده، کلان سرمایه‌داران وبزرگ–مالکان، انگل‌های اجتماعی واوباش– زیرپرچم بنی صدر عملا تشکیل شد و "سپهسالار!" با این لشگر جرار وارد میدان شد، تاتمام قدرت حاکمه‌راتصرف کند وانقلاب را ازمحتوای خود تهی سازد وکشور رامجددا زیر سلطه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا درآورد و، اگر نشد، آتش جنگ داخلی را برافروزد وسپس به‌کمک آمریکا انقلاب رادر آن بسوزاند، بدینسان، خطر بزرگی انقلاب رادرمعرض تهدیدقرار داد. درایت وقاطعیت امام خمینی و پیروی فداکارنه توده‌های میلیونی از رهنمودهای امام وخط امام باعث شد که‌این توطئه بزرگ آمریکائی نیزمانند توطئه‌های قبلی "شیطان بزرگ" دچار شکست گردد. نتیجه نبرد آن شدکه "خط امام" بر قدرت حاکمه مسلط شود.

بیچاره خر آرزوی دم کرد
نایافته دم دوگوش گم کرد

بدنبال شکست توطئه‌ٔ امریکائی بنی صدر، آمریکا لشکری را که برای جنگ‌افروزی آماده‌کرده‌بود، مرخص نکرد، برعکس، آنرا بصورت تروریسم سیاسی وارد میدان کرد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای مورد سوءقصد قرار گرفت، دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و سپس دفتر نخست‌وزیری –هر دو به هنگام تشکیل جلسه– بدست عوامل نفوذی ضدانقلابی منفجر شدند. آیت‌الله بهشتی‌ها، محمد منتظری‌ها، رجائی‌ها، باهنرهاو بدنبال آن‌ها قدوسی‌ها، مدنی‌ها، هاشمی‌نژادها، دستغیب‌ها و ده‌ها نفر دیگر از رجال برجسته خط امام بدست عوامل نفوذی آمریکا، تروریست‌های مزدور سلطنت‌طلب وساواکی ومجاهدین بازیخورده، به شهادت رسیدند. آمریکا می‌پنداشت که‌با این موج ترور، بادست‌چین‌کردن و ازمیان برداشتن شخصیت‌های پیروخط امام، حاکمیت انقلابی رامیتواند چنان تضعیف کند که خط آمریکائی لیبرالی دوباره جان بگیرد–این نقشه نقش برآب بود–ونیزمی‌پنداشت که با تروریسم میتواند چنان ناامنی درکشور به‌وجود آورد، که انقلاب قابل شکستن شود– در اینجا هم شکست خورد.

ولی آمریکا با تروریسم هدف دیگری را نیز تعقیب میکرد، که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس درمصاحبه تلویزیونی پنجشنبه ۱۵ بهمن ۶۰، بدان اشاره‌کرد وبجاست بر روی آن مکث کنیم: هدف آمریکا ضمنا این بود که حاکمیت راوادار به واکنشی درجهت سلب آزادیهای سیاسی کند، فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع انقلاب را ممنوع کند و بدین وسیله ازیک سوبین نیروهای مدافع انقلاب اختلاف بیاندازد واین نیروهارا در مجموع تضعیف کندوازسوئی دیگر چهرهٔ دیکتاتورمآبانه‌ای از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بسازد و بدین وسیله امیدی که مردم ایران در مورد آزادیهای سیاسی دردل داشته‌ودارند ویکی ازهدف‌های عمده انقلاب بوده و هست، بر باد رفته بنمایاند.

باید اذعان کرد که شیطان بزرگ تاحدودی به این هدف نزدیک شد، ولی این، بگفته درست رئیس مجلس، "دامی است که ما نباید در آن بیفتیم". موانع موجود بر سرراه احزاب وسازمان‌های سیاسی "غیرمحارب" وبطریق اولی موانعی که بر سر راه فعالیت احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب به وجود آمده است، باید برداشته‌شود. این اقدامی است که ضرورت آن در قانون اساسی تصریح‌شده، اقدامی است به سود تقویت اتحاد نیروهای انقلابی، قطع نظر ازتفاوت‌های عقیدتی، مسلکی، مذهبی وسیاسی آنها، اقدامی است به‌سود انقلاب، به‌سود جبهه انقلاب بر ضدجبههٔ ضدانقلاب.

دراینجا نکته دیگری نیزگفتنی است. برخی ازنیروهای راستین انقلابی، ضمن تائید وتاکید بر لزوم آزادی فعالیت سیاسی احزاب وسازمان‌های "غیرمحارب" ومدافع انقلاب، عقیده دارند و یا درمعرض این عقیده قرار گرفته‌اندکه، تا تروریسم سیاسی باقی است، مشکل بتوان ونمیتوان قانون اساسی را در موردآزادی احزاب و سازمانهای سیاسی اجراکرد. این عقیده ازدرون دچار تناقض وبنابراین نادرست است. قطع نظر ازاینکه اصولا قانون اساسی را درهیچ مورد، از جمله دراین مورد، نباید تعطیل کرد و یابه حال تعلیق درآورد، تناقض درونی عقیده مذکور معلوم است: اگر درست است که تروریسم سیاسی دامی برای منع آزادی فعالیت احزاب وسازمان‌های سیاسی "غیرمحارب" گسترده، تامادر آن بیفتیم، پس موکول کردن آزادی احزاب وسازمان‌های سیاسی مدافع انقلاب به پایان یافتن تروریسم، افتادن درهمان دام، تازمانی است که خود دام‌گستر دیگر وجود خارجی نداشته باشد، یعنی ما تا زمانی که دام‌گستر باقی است، در این دام قرارخواهیم گرفت. واین البته نقض غرض است. از سوی دیگر، آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع انقلاب، خود عامل مهمی است برای مبارزه باتروریسم و ریشه‌کن کردن آن، وبنابراین عقیم کردن این عامل–ناگفته پیداست– درجهت تقویت مبارزه باتروریسم وتسریع در ریشه‌کن کردن آن نیست. بدینسان مسئله آزادی فعالیت احزاب وسازمانهای سیاسی مدافع انقلاب را، ازهرسوبنگریم به‌وضوح مشاهده میکنیم که اجرای قانون اساسی دراین مورد امری ضرور ومبرم است.

در سومین سال انقلاب، در عرصه سیاست خارجی نیزسدی که خط آمریکائی لیبرال‌ها بر سر راه شناخت کشورهای دوست خارجی به‌مدت دو سال ایجادکرده‌بودند، تا بدین وسیله بتوانند راه "بهبود" مناسبات با آمریکا، واگر نشد، راه بازگرداندن آمریکا را از "پنجره" کشورهای امپریالیستی اروپای غربی وژاپن بگشایند، شکسته شد. نه‌فقط آمریکا به عنوان دشمن اصلی، دشمن غدار، دشمن توطئه‌گر، دشمن همیشگی، بیش ازپیش شناخته شد، بلکه بهتر ازگذشته معلوم شد که آمریکا تنها نیست، همه دولت‌های امپریالیستی، همه متحدین آمریکا، همه دولت‌های دست نشانده امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، دشمنان انقلاب ایرانند. رئیس جمهور خامنه‌ای بدرستی گفت:

"دشمن اصلی برای ما امریکا است وهرکس که بااوهمدست وهمکار باشد." (از پیام ۲۵ آبان ۱۳۶۰)

ازسوی دیگر گام‌هائی در راه شناخت بیشتر وبهتر دوستان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وبرقراری مناسبات دوستانه با آنان نیز برداشته شد. مذاکرات ثمربخش با کشورهای عربی "جبههٔ پایداری" انجام گرفت، هیئت هائی به‌برخی کشورهای سوسیالیستی مسافرت کردند، توجه بیشتری به جبهه جهانی ضدامپریالیستی معطوف گردید ودرمورد اتحاد شوروی–کشور بزرگ همسایه شمالی ما و نیرومندترین کشور جبهه ضدامپریالیستی، حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران لااقل به‌این نتیجه رسیدکه، به گفتهٔ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی "شورویها مانند غربیها برای ما مزاحمت ایجاد نمیکنند"، (کیهان ۲۷ دیماه ۶۰) که‌خود نشان میدهد آن "سوءظنی" که‌براثر سلطهٔ ۵۰ ساله تبلیغاتی–سیاسی امپریالیسم درکشور مانسبت به‌اتحاد شوروی به‌وجود آمده وآمریکا سعی داشت وهنوز هم سعی دارد از آن برای ایجاد تیرگی ویا لااقل جلوگیری ازبرقراری مناسبات حسنه بین کشورما با اتحاد شوروی بوجود آورد تا، به‌گفته برژینسکی، به‌حمایت اتحاد شوروی از "رژیم خمینی" پایان دهد، میرود که از بین برود. میتوان امیدوار بود که به‌کمک واقعیات وبا چیره‌شدن واقع بینی برپیشداوری‌ها وناباوری‌ها درآینده‌ای نه‌چندان دور، آن "سوءظن" به‌حسن ظن بدل‌گردد، تاحمایت اتحاد شوروی از انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه و مردمی ایران، درعمل تحقق ثمربخش‌تری یابد.

بطور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درسومین سال انقلاب فعالتر شد. با تعداد زیادی ازکشورهای خارجی تماس گرفته شد. شعار "نه‌شرقی نه‌غربی" به‌مفهوم واقعی خود، که‌همان استقلال است و جز استقلال نمیتواند باشد، نزدیکتر شد. معلوم شد که‌میتوان و باید از موضع حفظ استقلال سیاسی وبرای کسب استقلال در همه ابعاد آن، با دیگر کشورها– فقط به شرط اینکه دشمن انقلاب ما نباشند– تماس گرفت و مناسباتی در سطوح مختلف و در عرصه‌های مختلف برقرارکرد. مهندس موسوی نخست‌وزیر گفت که محور اساسی سیاست خارجی ما مبارزه با امریکا است و رئیس جمهور خامنه‌ای افزود:

"سیاست خارجی خود را برسه اصل قرار داده‌ایم: همکاری صمیمانه و بیدریغ با دوستان، روابط سالم و معمولی با بی‌طرف‌ها وبرخورد قاطع و شجاعانه با دشمنان و متجاوزان." (از پیام رادیو – تلویزیونی ۱۷ دیماه ۶۰)

نمونه‌های مثبتی را در راه انجام این سیاست، بصورت برقراری وگسترش روابط حسنه با جمهوری دمکراتیک خلق کره، برخی موافقت‌ها با برخی ازدیگر کشورهای سوسیالیستی، تماس‌ها ومذاکراتی با اتحاد شوروی، تماس با دولت هندوستان، حمایت از سوریه درمسئله جولان، نطق وزیرخارجه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعزام کارشناس نفتی به‌لیبی، اعلام پذیرش هیئت نمایندگی سازمان ملل متحد برای بررسی وحل مسئله افغان‌ها درایران و غیره ارائه‌داد.

البته گفتنی است که، سنگ‌اندازی دشمنان دانای انقلاب بر سر راه سیاست خارجی دوست‌یاب ودشمن شکن جمهوری اسلامی ایران پایان نیافته است. این سنگ‌اندازی ادامه دارد و ادامه‌خواهد داشت. متاسفانه دوستان نادان نیز با افکندن "کلوخ" ناخواسته، به‌این سنگ‌اندازی کمک میکنند. ولی مهم آنستکه سیاست خارجی در راه درست امیدبخشی گام نهاده است. باید باسنگ‌اندازی دشمنان مبارزه‌کرد دوستان نادان را از "کلوخ" افکنی برحذر داشت، از "جوسازی" تبلیغاتی که، آنان دانسته واینان ندانسته، به وسیله سخنرانی وفیلم وشعار و غیره برای "منسی" کردن دشمنان و برای دشمن‌سازی ازدوستان بعمل می‌آورند، جلوگیری‌کرد، زیر بار شانتاژ نرفت، راه سیاست خارجی را از مواضع استقلال هموار ساخت، تاسیاست خارجی بتواند متحرکتر، فعالتر، شجاعتر، مبتکرتر و ثمربخش‌تر عمل کند زیرااین عمل، به گفته نخست‌وزیر، "احتیاج" انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

درسومین سال انقلاب، درعرصهٔ فوق‌العاده مهم اقتصادی، در کنار کوشش‌های مثبت دولت در جهت توزیع عادلانه برخی کالاها، توجه بیشتر به لزوم رهائی تولید داخلی، به‌ویژه تولید صنعتی، از رکود، توجه بیشتر به امورکشاورزی و روستائیان زحمتکش و غیره، باید متاسفانه گفت که در این سال تروریسم اقتصادی به‌فعالیت مخرب و ویرانگر خود، بشدت ادامه داد:

قیمت‌ها بصورت سرسام‌آوری بالارفت. ارزش پول تنزل فاحش‌کرد، موجرین فشار خو درا بر مستاجرین افزودند، فئودال‌ها وزمین‌داران بزرگ به‌ستمگری خود وغارت دسترنج توده‌های میلیونی زحمتکشان روستا ادامه دادند، بزرگ‌سرمایه‌داران "بازار" اسب طمع بی مرز خود را چهارنعل تاختند، در یک‌کلام، علیرغم توجهی که حاکمیت انقلابی به مستضعفان معطوف داشت، مستکبران غنی‌تر ومستضعفان فقیرتر شدند.

معلوم است که‌تروریسم اقتصادی یکی ازحربه‌های بسیارموثری است که امریکا، برای شکستن انقلاب ایران، به عملکرد آن امید بسته‌است. این حربه‌ای ضربتی نیست، مانند تروریسم سیاسی سروصدا ندارد، ولی حربه‌ای است فرساینده، که‌موریانه‌وارپایه‌های انقلاب راآرام آرام میجودو میخورد. خطر آن روزمره دیده‌نمیشود، ولی خطر آتی آن فوق‌العاده جدی است.

خوشبختانه مقامات مسئول حاکمیت، به‌پیروی از رهنمودهای امام خمینی به لزوم توجه به‌مستضعفین، یعنی به وضع زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی کشور وبه ضرورت اقدامات قاطع برای ریشه‌کن‌کردن تروریسم اقتصادی، به‌ضرورت اقدام به دولتی کردن بازرگانی خارجی، به‌ضرورت اقدام به‌اصلاحات ارضی (بویژه‌اجرای بندهای "ج" و "د" لایحه آن)، به مسائل حاد دیگری ازقبیل لزوم مهارافزایش قیمتها، کمک‌فوری به‌مستاجرین وغیره توجه‌دارند

بقیه در صفحه ۱۱

خروش مردم در سومین سالگرد پیروزی انقلاب

(از صفحه ۱)

مرگ بر آمریکا دشمن خونخوار ما...

خروش مرگ برآمریکا، در مراسم سومین سالگرد انقلاب فضای ایران را به لرزه انداخت و توده‌های خلق با رژه از روی پرچم امریکا و به‌آتش‌کشیدن آن ننگ ونفرت خودرا نثار دشمن اصلی کردند وبرای برکندن سلطه آن زیر رهبری **امام‌خمینی** میثاق بستند.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دوپیام، که‌به‌مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب فرستادند اعلام‌کردندکه ایران دیگر جای تاخت و تاز امریکا ودست‌نشاندگانش نیست امام‌خمینی همچنین خواستار تهیه لیست زندانیان برای آزادی در اسرع وقت ممکن شدند.

مراسم ۲۲ بهمن، درحالیکه توده های وسیع خلق با شعار "مرگ برامریکا" به‌میدان آزادی می‌رسیدند، آغاز شد. درهمان‌حال که از جایگاه پیاپی شعار داده‌میشد:

ـ مرگ برامریکا دشمن اصلی ما
ـ مرگ بر امریکای خونخوار

ومردم با خروش‌ومشت‌های گره‌کرده این شعارها را تکرارمی کردند. پرسنل انقلابی نیروهای مسلح از روی پرچم امریکا رژه رفتند،

هنگامی‌که پرسنل‌نیرو های نظامی، پاسداران قهرمان و کمیته‌ها با مارش‌نظامی از روی پرچم آمریکا رژه میرفتند، لحظه‌ای‌شعار "مرگ‌برآمریکا" قطع نمیشد. درهمین‌حال مردم دسته دسته، درحالیکه مترسکهای عموسام را به آتش‌میکشیدندوجادرجا پرچم امریکا را پایمال می‌کردند، به‌میدان آزادی‌می‌رسیدند. کاروان‌های شادی انقلاب، که درآنها ماهیت امریکا افشاشده‌بود، همراه‌مردم به‌میدان انقلاب می‌رسید. صفوف‌مردم، درحالیکه ازروی‌شعارهای "مرگ‌برآمریکا"، که برسینه خیابان نوشته‌شده‌بود، می‌گذشتند، خود را به



میدان‌آزادی‌می‌رساندند، که اکنون حجت‌الاسلام سیداحمدخمینی، پیام رهبرانقلاب را قرائت می‌کرد.

امام‌خمینی در پیام خود ابتدا به‌کسانی که تصورمی‌کردند "جمهوری اسلامی پس‌ازچندماه‌سرنگون خواهد شد وامریکا باعوامل داخلی خود بر اریکه قدرت‌خواهد نشست"، اشاره نمودند وبطلان‌تصور این "کوردلان" رایادآوری‌کردند. **امام‌خمینی** متذکر شدند:

"همین‌انگیزه بودکه‌گروهک‌های داخلی‌وعوامل‌جهانخواران خارجی مثل صدام را به‌مقابله‌بااسلام‌وجمهوری اسلامی‌برانگیخت تاخود وهوادارا ن بازیخورده خود وارتش بی‌اطلاع‌خود رابه‌دامی‌مبتلا کنند، که راه‌مفری جز تسلیم و تباهی‌نداشته‌باشندوازصدام بی‌خبرتر و وابسته‌تر، حسین اردنی است."

رهبرانقلاب خطاب به حسین اردنی توصیه‌کردندکه "گول‌وعده‌های شیطان‌بزرگ را نخورد"

امام‌خمینی آنگاه در پیام خود درمورد اهم مسائلی که انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران با آن درگیر هستند، رهنمودهائی دادند. رهبر انقلاب از جمله بر "اجرای عدالت اسلامی در تمامی‌دستگاه‌های قضایی واجرائی درسرتاسرکشور" تاکیدکردند وخواستار "رسیدگی‌سریع به‌پرونده‌های زندانیان وخصوصاً آنان که جرمشان مادون‌جرم گروهک ها ی مفسدین وملحدین اغتشاش‌گر است و رسیدگی به‌پرونده‌های‌کسانی که به عللی تعویق افتاده‌است" شدند.

رهبرانقلاب متذکر شدند:
"رسیدگی به‌دادگاه‌های قضایی و دادستانی‌ها از الویت خاص برخوردار است وامیدوارم کیفیت برخورد ادارات ودستگاه‌های اجرائی با مردم بگونه‌ای باشد که احتیاج‌به رسیدگی نداشته‌باشد."

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران‌برتبلیغات ونقش‌آن‌درشناسائی سرشت‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران تاکیدکردند واز فقدان "تبلیغات صحیح" سخن‌گفتند. **امام‌خمینی** از عدم انجام "عمل‌مثبت" توسط سفارتخانه‌ها و وزارت ارشاد، "قطع‌نظر ازتلاشهای اخیرش" یادکردندو یادآورشدند:

"کشورمامورد‌هجوم رسانه های گروهی ودستگاه‌های دروغ‌پراکنی‌واقع شده‌است. لازم‌است دولت به مقدار قدرت وتوانائی این‌نقیصه را رفع‌کند وبرای رساندن صدای مظلومان به جهان‌درتوسعه‌شبکه‌رادیویی جدیت نماید. تا ملت‌ها هرچند مختصر از آنچه‌بر‌ما گذشته است ومی‌گذرد، مطلع شوند."

امام‌خمینی آنگاه‌ازمردم‌انقلابی ایران‌خواستند تا از خود "صبر وبردباری نشان‌دهند وبه تبلیغات غرض‌آلود دشمنان انقلاب و اسلام که با تمام‌وجود کوشش‌می‌کنند تا مردم رااز انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌نگران‌ودلسرد کنند، گوش‌فراندهندوبایدبدانند که اکثرکسانی که علیه انقلاب سم پاشی می‌کنند، از طبقاتی‌هستند که جلو استفاده‌های نامشروع آنان گرفته‌شده است و یا از عیاشی‌ها وهرزه‌دری‌ها بازمانده‌اند. والاطبقه‌محروم که‌اکثریت قاطع راتشکیل‌میدهند، وفاداربه‌اسلام وجمهوری‌اسلامی‌هستند."

امام‌خمینی همچنین بر تمایل تمامی‌مسئولان‌جمهوری‌اسلامی ایران به‌صلحجویی وزندگی مسالمت‌آمیز با تمام‌دولتها وقدرت‌ها" تاکیدکردندو ازتمایل اسلام راستین وانقلابی در مبارزه با اسرائیل و طرد "نژادپرستی و زبان سالاری" سخن راندند.

رهبر انقلاب با اشاره‌به صدمات وتلفاتی که مردم‌انقلابی ایران در سال‌گذشته ازدست تروریست‌هاوعمال ضدانقلاب متحمل‌شده‌وگروه‌بزرگی از شخصیت‌های‌انقلابی خودرا از دست داده‌اند، شکست‌نقشه‌ضدانقلابیون‌در "تضعیف‌روحیه" و "شکست جمهوری اسلامی" را یادآور شدند.

رهبرانقلاب در پیام خود از مردم‌انقلابی ایران‌سپاسگزاری کردند وازآنان خواستند که از " شایعه‌سازان مخالف مصالح‌عمومی انقلاب پیروی ننموده وبا آنان به‌مقابله برخیزند."

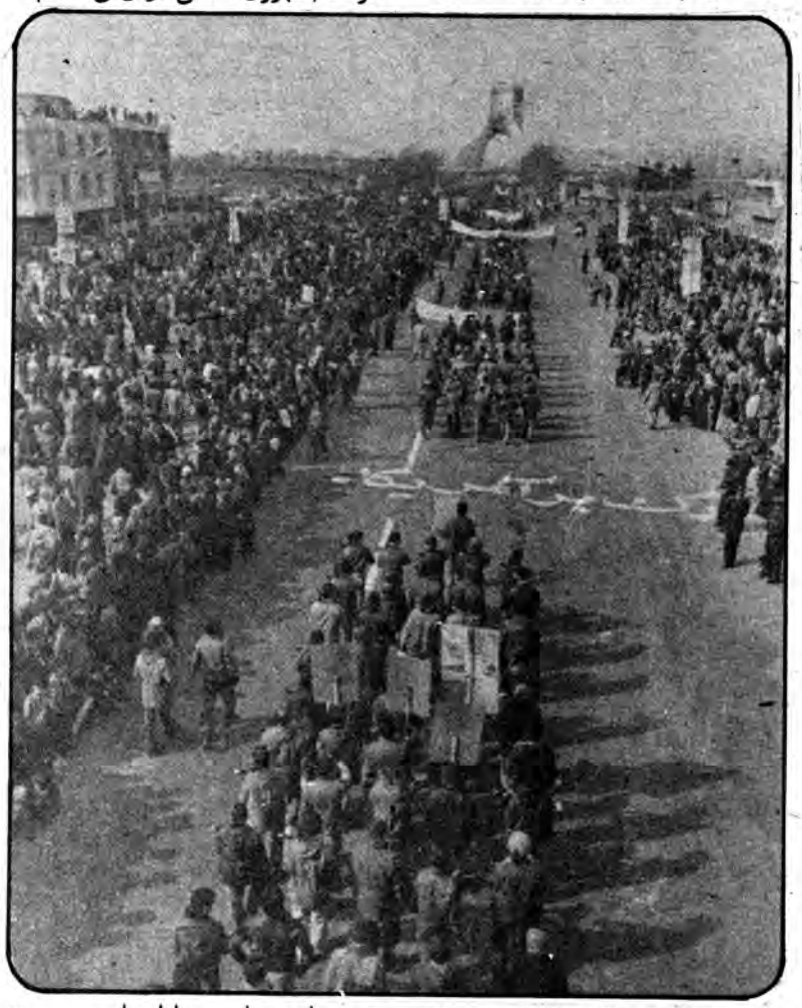
رهبرانقلاب درپایان‌پیام‌خود با اشاره به روز ۲۲ بهمن، سالروزپیروزی انقلاب، از رئیس‌دیوان‌عالی کشور خواستند:

"به‌عموم دادستان‌ها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه‌شده برای آزادی، دراسرع وقت ممکن وحداکثر تا ۲ ماه به‌پرونده ها رسیدگی‌نموده‌ولیست‌اسامی‌زندانیانی راکه به حسب شرع‌مقدس عفوشان مانعی‌ندارد، تهیه و نزد اینجانب بفرستند. لازم‌است مسئولین امور در تهیه این‌لیست سخت‌گیری‌ننمایند و هرچه‌بیشتر کوشش‌نمایند تا زندانیان به‌مردم عزیزما ملحق‌شده و همگام با آنان راه‌انقلاب‌اسلامی را بپیمایند. مقتضی‌است تاکید کنند تا در این‌امر مسامحه‌نشود وهمانطور که قبلا تذکر دادم، دادستانی‌ها ومحاکم قضایی موظفند در اسرع وقت‌ممکن‌به‌پرونده‌هایی‌که به‌عللی رسیدگی به آن به تعویق افتاده‌است، رسیدگی‌نموده و آنهارادرالویت‌قراردهند."

پس از پایان پیام **امام‌خمینی**، رژه‌نیروهای‌مسلح، واحدهای بسیج مستضعفین وسپاه پاسداران از مقابل جایگاه انجام گرفت. آنگاه پیام خانواده شهیدان توسط یکی‌ازاعضای خانواده شهید فیاض‌بخش‌قرائت شد. دراین پیام‌با اشاره به توطئه های آمریکای‌جنایتکار علیه‌انقلاب اسلامی ایران، این‌گفته **امام‌خمینی** موردتاکید قرارمی‌گرفت که:

"اگر دقیقا به‌وظیفه‌مان که‌مبارزه باآمریکای‌جنایتکار است‌عمل کنیم فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید."

سپس حجت‌الاسلام معادیخواه وزیرارشاد اسلامی طی سخنان کوتاهی به‌استقبال بی‌سابقه و شور بی‌مانند شرکت مردم در مراسم جشن سالگرد



انقلاب اشاره‌کرد وآن را شکست بزرگی برای تبلیغات دستگاه‌های تبلیغاتی شیطان‌بزرگ وایادی او دانست. وی متذکر شد که‌این مراسم نشان‌دهنده "ثبات" و "نیروی عظیم" جمهوری اسلامی‌ایران و مشت محکمی برآمریکای جنایتکار است‌که‌مدام تبلیغ میکند که این‌انقلاب‌بی‌ثبات‌است. وزیر ارشاد تاکیدکردکه‌ماازهم‌اکنون‌خودرا برای‌برگزاری‌مراسم "دهه‌فجر"درسال آینده آماده‌می‌کنیم و "در هردهه‌فجرضربات کوبنده‌ای بر پیکر آمریکای‌جنایتکار وارد‌می‌آوریم". وی در پایان ازهمه هنرمندان‌متعهد، شعرا، نیروهای انتظامی و کلیه اقشارمردم به خاطر شرکت‌فعالشان درمراسم دهه‌فجر سپاس‌گزاری‌کرد.

تصویب لوایح انقلابی

در پایان مراسم باشکوه این‌روز قطعنامه مراسم قرائت شد. در این قطعنامه ضمن‌اشاره به‌توطئه‌های بیشمار امپریالیسم‌آمریکا برای نابودی‌انقلاب اسلامی‌ایران، بر پیوند ناگسستنی‌مردم بارهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران، **امام‌خمینی**، برپشتیبانی ازروحانیت‌مبارز، وحدت‌همه‌مسلمانان اصلی‌بودن‌مسئله‌جنگ، محکوم‌کردن جنایات رژیم صدام، محکوم‌کردن رژیم اشغالگر قدس در الحاق‌بلندی های جولان به‌قلمرو خاک‌اشغالی، پشتیبانی ازتشکیل گردان جولان تاکید شده‌است درقسمتی ازقطعنامه آمده‌است:

"ماتوطئه‌جدیدآمریکای‌جنایتکار راکه‌تحت‌عنوان‌شورای‌همکاری های خلیج‌فارس به‌اجرادرآمده‌شدیدا محکوم نموده‌وبه‌کشورهای‌منطقه‌خلیج فارس اخطارمی‌کنیم بیش ازاین‌درتوطئه‌های شیطان‌بزرگ شرکت‌نکرده و در صورت ادامه‌توطئه‌علیه‌جمهوری‌اسلامی، سرنوشتی چون صدام‌جنایتکار و سادات خائن خواهند داشت."

درهمین قطعنامه تاکیدشده‌است "مااعلام میکنیم بیش‌از این تحمل توطئه‌های‌گوناگون‌عوامل‌داخلی‌شیطان بزرگ‌ازجمله‌محتکرین، گرانفروشان و سودجویانی که در جنگ تحمیلی به نحوی سعی در به‌شکست کشاندن انقلاب مقدس اسلامی ما دارند، نخواهیم کرد وازمجلس محترم شورای اسلامی‌نیز می‌خواهیم تا به‌منظورمبارزه باتروریسم و رفع محرومیت‌های‌به‌جای مانده از رژیم طاغوتی، هر چه‌سریع تر لوایح وطرح‌هایی راجهت رفع مشکلات اقتصادی‌مستضعفین واقشار محروم جامعه‌به‌تصویب‌رسانده‌وماخواستار به اجرادرآمدن‌سریع برنامه‌های‌کوتاه‌مدت میان‌مدت‌ودرازمدت‌اقتصادی‌از سوی دولت‌جمهوری‌اسلامی ایران‌می‌باشیم.

این مراسم با اجرای سرود جمهوری‌اسلامی‌ایران‌توسط گروه‌ارکستر ارتش‌جمهوری‌اسلامی‌ایران وباشعارهای پرشور "مرگ برامریکا" پایان‌یافت

مراسم سالروز پیروزی انقلاب در حضور خانواده شهیدان

عصر پنجشنبه، ۲۱ بهمن‌مراسم باشکوهی باحضور خانواده شهدای انقلاب وگروهی از خانواده شهدای لبنان در تالار وحدت بزگزارشد. در این مراسم پیام **امام‌خمینی** رهبر انقلاب وبنیانگزار جمهوری‌اسلامی قرائت‌شد. دراین پیام رهبر انقلاب تاکیدکرده‌اند:

"ما اگر با نظری سطحی از نخستین‌روزهای‌نهضت تا پیروزی واز پیروزی تا کنون به کردار طبقات مختلف وگروه‌ها نگریسته‌وارزیابی‌کنیم میتوانم تاحدودی‌مدعیان پرتوقع و فداکاران‌بی‌توقع رابطور اجمال از هم جدا کنیم: قشرهایی که‌انقلاب را با فداکاری بی‌دریغ وجان‌نثاری‌سخاوتمندانه‌بی‌هیچ‌چشمداشتی به پیروزی رسانده‌وازپیروزی تاکنون برای دفاع ازانقلاب و رفع مشکلات ازپانشسته‌اند، وتاکنون باآنکه سنگینی انقلاب به‌دوش‌آنان‌بوده‌است، توقع نام‌ونشان نداشته‌وندارند، اینان توده‌ها ی میلیونی ومحرومان‌جامعه‌هستند که خدایشان قدرت وسعادت دهد. ودر مقابل‌قشرها وگروه‌هایی‌هستند که یا به‌هیچ‌وجه دخالت درنهضت‌وپیروزی نداشته‌اند، یا به‌کارشکنی برای‌حفظ رژیم سابق یابرگرداندن آن‌رژیم، یا رژیمی غیراسلامی، توطئه‌وفعالیت‌می‌کرده‌اندومی‌کنندویاکسانی وگروه‌هایی بودند وهستند که از انقلاب مردمی وخون جوانان‌ارزشمند مابرای رسیدن‌به‌قدرت شیطانی‌خویش پل ساخته وازاسم‌اسلام برای مقاصد شوم خویش‌استفاده‌می‌کردند".

رهبرانقلاب دربخش دیگری از پیام‌خود گفته‌اند: "آمریکا، آمریکاو سرسپردگانش باید به‌خود آیند و از

بقیه‌درصفحه۱۳

امام خمینی: ...

بقیه از صفحه ۱

افراد مرفه وکسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند، یاقدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته‌است مادامی که مجلس وارگان‌های دولتی و همه‌اینها ومردم از این طبقه متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی بهم بزند اوضاع را.

امام خمینی دربخش دیگری از سخنان خود گفتند:

"باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دوله‌ها وسلطنت‌ها و سلطنتی‌ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولت‌هائی که افراد مرفه سرمایه دارکذا باشند نداریم، درارتش‌هم آن افراد سپهبد وکذایی که املاک بی‌اندازه داشتند وآپارتمان‌های چندین طبقه داشتند، نداریم، این مملکت محفوظ می‌ماند. آن روزی که هریک از شماها را ملت دیدکه دارید ازمرتبه متوسط می‌غلطید بطرف مرفه ودنبال این هستید که یاقدرت پیدا بکنید یاتمکن پیدا بکنید مردم باید توجه داشته باشندواین طور افرادی که بتدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواسته پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می‌خواهد که این پیروزی تا آخر برسد وبه منتهی پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهائیکه دولت راتشکیل میدهند، آنکه رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست همهٔ اینها راتوجه بکنند که مبادا یکوقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و به اصطلاح خودشان مرفه، به آن طبقه برسد. بدانید که اگر دولت اینطور باشد واگر ملت اینطور باشد واگر چنانچه مجلس وامثال اینها اینطور باشد، اگر یک قدرتی بخواهد هجمه کند به اینجا، مواجه با سی میلیون جمعیت است و نخواهد توانست. نمی تواند آن وقت پیداکند یک کسی که قدرتمند باشد وآن قدرتمند را وادار کندکه ملت را به استضعاف بکشند وبچاپند ملت را برای آنها."

امام خمینی اضافه کردند:

"اساس استضعاف ملت ها از خودشان واز قدرتمندان بین خودشان بوده وشما شکرکنید که یک همچه مجلسی دارید که از طبقه مرفه در آن هیچ نیست. آن طبقه‌ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما، ملت ما ثروتمند می شوند، ندارید حالا. در دولت هم ندارید یک همچه ثروتمندانی و یک همچه قدرتمندانی ندارد دولت یک همچه قدرتی، رئیس جمهور یک همچه قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند، یک همچه مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی راتصویب کند و دولت هم مجری او باشد. مادامی که این حد متوسط محفوظ است، این جمهوری محفوظ است وامکان مقابله نیست ما بین قدرت‌های بزرگ با همچه دولتی.

بخواهند کودتا کنند، با کی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند مواجه با کی میشوند؟ مواجه با یک ملتی میشوند که همه شان ازاین طبقهٔ هستند که این نهضت را به پیش بردند وبا آن قدرت وبا آن عظمت به پیش بردند. آنها مطالعهٔ امور را می‌کنندو اقدام می‌کنند. آنها الان درصدد این هستند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند وبعد، میان اختلافات یک نفرپیدا بکنند که آن نفری که پیدا است دریک طرف واقع بشود وآنهم بهش قدرت بدهند تا آنکه کم کم باقدرت داخلی این کشور کم کم ضعیف بشود و مردم روحیه‌شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها."

رهبر انقلاب همچنین گفتند:

"تاکشور ما این مقام رادارد که بحمدالله از آن طبقه مرفه بالایی که امور را در دست گرفته‌اند، مبری هست وامور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشورما به دست امثال این رئیس جمهورها ورئیس مجلس‌ها ونخست وزیرها و وزرا و وکلا هست، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد وآنروزی که دیدید ودیدند که انحراف در مجلس پیدا شده، انحراف ازحیث قدرت طلبی وازحیث مال طلبی، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آنروز بدانند علامت اینکه شکست بخوریم خود نمایی کرده. ازانوقت باید جلویش را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلویش رابگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد وآن مسائلی که سابق وآن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، خود مردم باید جلویش را بگیرند."

امام خمینی افزودند:

"وقتی مجلس این طوراست که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازارمردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یاوکیل مجلس آمد. نخست وزیرش هم اینطوراست. اینجورنیست که وقتی توی مردم برود مردم فرق بگذارند با هم وهمه اینها اینطور هستند، وقتی یک همچه مطلبی را دارید احساس میکنید که امتیاز دنیایی ندارید، این را باید شکرکنید ودرشکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید وخدمت به احکام اسلام بکنید وبرای اینهائی که اولیاءٔ ماهستند این پایین شهری‌ها و این پابرهنه‌ها، باصطلاح شما اینها ولی‌نعمت ماهاهستند. اگر اینها نبودند ما یا درتبعید بودیم یا در حبس بودیم یا درانزوا. اینها بودندکه همه ماراازاین مسائل نجات دادند وهمهٔ ماراآوردند ونشاندند به جایی. به خیال خودمان جایی است. باید ملتفت باشید که آقا، شما همان آدمی هستید که توحبس بودید وشما همان آدمی هستی که درتبعید بودی و شما همان آدمی بودی که در انزوا بودی این مردمند که آمدند مارا آوردند بیرون ازهمه اینهاوما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت بکنیم نمیتوانیم ازعهدهٔ خدمت اینها برآئیم. خداوند به ماتوفیق بدهد که ما یک خدمتگزاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم. شما امروز هم که ملاحظه می‌کنید اینهائی که درجبهه‌هاالان دارند جانفشانی میکنند، این ها ازکدام طبقه هستند؟ شما اگر پیدا کردید درتمام اینها یک نفری که مال آن اشخاصی باشدکه دارای سرمایه‌های بزرگ هستند، آن اشخاصی باشد که در سابق دارای قدرت هائی بودند. اگریک نفر ازآنها پیداکردید، این محتاج به این است که ازما مژدگانی بگیرید. ولی میدانم که پیدا نمی‌کنید. ازهمین جمعیتند. الان هم اینهائی که جانشان رادستشان گرفتند و شمارا حفاظت می کنندوآنهائی که دربین شهرها ودربین روستاها حفظ میکنند شماو مردم را، همین طبقه هستند این طبقه‌اند که به ما الان منت دارند و ازاول منت داشتند: همین‌ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی‌آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنی بکنید که‌ راا ینهاآوردندوکیل کردند آورده‌اند و وزیر کردند. رئیس جمهور کردند، اینها ولی نعمت ماهستند و ما بایدولی نعمت خودمان را ازش قدردانی کنیم وخدمت کنیم به اووهمینهاهستند که الان‌هم حفظ این کشور را میکنند و حفظ نظام این کشور را می‌کنند."

همکاری ایران ولیبی در صنایع نفت

پدیده‌ای نو و واجد اهمیت در همکاری کشورهای نفت‌خیز در حال رشد، در راه کسب استقلال در صنعت نفت

چندی پیش درپی اقدام امپریالیسم امریکاوانحصارات بین المللی نفت، دائر به خارج ساختن کارشناسان نفتی خوداز لیبی، بمنظورفلج ساختن صنعت نفت آن کشور، بنابه تصمیم دولت جمهوری اسلامی ایران ۸ نفرازکارشناسان نفتی ایران به لیبی اعزام شدند. منظور ازین ماموریت، بررسی مشکلات صنعت نفت لیبی پس از خروج کارشناسان دول امپریالیستی و حل این مشکلات با استفاده از کارشناسان، متخصصین وکارگران خودکشورهای نفت خیز ودراین مورد مشخص، استفاده از کارشناسان و کارگران ایرانی بود.

نتایج سفر هیئت ایرانی به لیبی رامیتوان بسیار موفقیت آمیز ارزیابی کرد. چنانکه اطلاع داده شده، در چند هفتهٔ آینده متجاوز از ۲۰۰ نفر از کارکنان ورزیده صنعت نفت ایران به لیبی اعزام خواهند شد. بین دوکشور زمینه‌های دیگر همکاری در مسائل فنی، علمی و پژوهشی صنعت نفت نیز مورد توجه قرارگرفته‌است و دراین باره نیز تصمیمات عملی اتخاذ خواهد شد. چنانکه مقامات وزارت نفت ایران اعلام داشته‌اند، ایران ازکلیه امکانات خود به منظور پرکردن خلاءٔ کادر فنی درصنعت نفت ایران و سیعا وبه سرعت استفاده خواهدکرد و به منظور تامین ادامهٔ فعالیت عادی صنعت نفت لیبی کلیهٔ کمک‌های لازم را مبذول خواهد داشت.

تردیدی نیست که اعزام کارشناسان وکارکنان صنعت نفت ایران به لیبی، از نظرفنی واقتصادی نتایج مهمی رادربردارد. کشور ما ایران نه فقط سابقه‌دارترین کشور نفت‌خیز در خاورمیانه وشمال آفریقا ست، بلکه با کادر صنعتی، فنی وعلمی ورزیده وباتجربه‌ای در صنعت نفت مجهز است. کارشناسان وکارگران ایرانی بخوبی خواهند توانست باکارصادقانه وصمیمانه خود، نه فقط خلاءٔ ناشی از خروج متخصصین نفتی کشورهای امپریالیستی را در لیبی پرکنند، بلکه نمونه همکاری برادرانه بین دول و ملل کشور های نفت‌خیز درحال رشد را، در مبارزه جدی بخاطر رهائی ازسلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر، در اختیارملت ودولت برادر لیبی قرار دهند. این امر مسلما برای هردوکشور نتایج مهمی در بر خواهد داشت.

اما اهمیت اعزام کارشناسان نفتی ایران به کشوربرادرلیبی به همین جاختم نمی شود. اعزام کارشناسان نفتی ازیک کشورنفت خیز در حال رشد به منظور کمک فنی، به کشور دیگر نفت‌خیز در حال رشد، آنهم برای صنعتی مانند صنعت نفت، پدیده‌ای نو و واجد اهمیت در مقیاس جهانی است این پدیده بیانگر آنست که، نه تنها از لحاظ سیاسی واجتماعی، بلکه اکنون دیگر از لحاظ فنی و علمی نیز مقدمات لازم برای پایان دادن به تسلط انحصارات غارتگر امپریالیستی بر ذخایر و صنایع نفت کشورهای نفت‌خیز درحال رشد فراهم آمده‌است. توانائی کشورهای نفت‌خیز درحال رشد در ادارهٔ صنعت مهم نفت بجائی رسیده‌است که این کشورها، با استفاده از کمک فنی یکدیگر، میتوانند به مقابله موفقیت آمیز با دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی آنان بپردازند.

ما به دفعات وبکرات توانائی کشورهای نفت‌خیز در حال رشد راجهت پایان دادن به تسلط غارتگرانه دول امپریالیستی وانحصارات نفتی برذخایر وصنایع نفت خود خاطر نشان ساخته‌ایم. کمک فنی جمهوری اسلامی ایران به کشور برادر لیبی به منظور مقابله با کارشکنی امپریالیسم آمریکا، یکی از نمونه‌های درخشان دیگر این توانائی است.

آری، عمر تسلط امپریالیسم نفتی بر کشورهای نفت‌خیز در حال رشد بسرآمده‌است کشورهای نفت‌خیز در حال رشد با تکیه به همکاری خود و استفاده از حمایت موثر همهٔ نیروهای ضدامپریالیستی درجهان میتوانند به استقلال واقعی خود نائل آیند.

بمناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران

رادیو مسکو تاکیدکرد:

اتحاد شوروی خواستار گسترش مناسبات حسن همجواری وهمکاری باایران انقلابی است

به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران، رادیو مسکوطی چندگفتار ضمن تاکید برجنبه ضد سلطنتی وضدامپریالیستی انقلاب ایران، متذکرشد که اتحاد شوروی خواستار گسترش مناسبات حسن همجواری و همکاری با ایران انقلابی است. درزیر خلاصه‌ای ازمهمترین نکات این گفتارها، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

رادیومسکو گفت: "انقلابیکه رژیم سلطنتی رابرانداخت. (در ۲۲ بهمن) تحقق یافت وبه صورت یک حقیقت تاریخی درآمد. تجربه انقلاب ایران دوستان واقعی ایران ودشمنان آن را، که خود را دوستان وانمود می سازند بروشنی شناساند. مردم ایران همیشه باقلب وعقل خود به این واقعیت پی می بردند. تصادفی نیست که شعارهای "مرگ برشاه خائن"، "مرگ بر امپریالیسم امریکا"، که درمیان توده‌های مردم به وجود آمد، شعارهای انقلاب ایران شد.

آیت اله خمینی طی نطق اول خود پس از ورود به ایران، اعلام کرد که ایران ازاین به بعد پایگاه‌های نظامی به کشور ایالات متحده آمریکا نخواهد داد. در عین حال اعلام شده بود که ایران به حفظ مناسبات حسن همجواری بااتحاد شوروی علاقمند است. این اعلامیه در ایران عکس العمل مثبت پیدا کرد. هشدار جدی مسکو به آنهائی که مقدمات مداخلهٔ مسلحانه درایران را تهیه میکردند، به آتش برخی‌ها درآن سوی اقیانوس، آب سرد پاشید. روش اتحاد شوروی همچنین به حصول توفیق در مبارزه انقلابی میهن پرستان ایرانی کمک نمود.

طی سه سال گذشته، دشمنان و دوستان انقلاب ایران چگونه در مورد آن رفتار میکردند؟

امپریالیست‌های ایالات متحده آمریکا باضدانقلابیون ایرانی ارتباط بسیار نزدیک دارند و در تمام توطئه‌های ضدایرانی شرکت میکنندومقدماتی برای حمله نظامی به ایران مهیامی سازند. برقراری محاصرهٔ اقتصادی، امتناع از استرداد ثروت‌های غارت‌شده توسط "سیا"، قدرت‌نمائی درنزدیکی سواحل ایران- چنین است کارهای امپریالیست های ایالات متحدهٔ آمریکا درعرض سه سال گذشته:

اما اتحاد شوروی پیوسته ایران را همسایه نیک خود می شمارد. در زمینهٔ ساختمان واحدهای صنعتی وبرقی کردن راه آهن‌ها به ایران کمک میکند واجازه میدهد حمل ونقل ترانزیتی ازایران به اروپا وبالعکس، از خاک اتحاد شوروی صورت گیرد. این حقایق، بخودی خود، گویا وبیانگر است.

رادیومسکو گفت: "وقتی سه ماه پیش ازپیروزی ۲۲ بهمن، خطرمداخله امپریالیستی ایران را تهدید میکرد و سرنوشت انقلاب در خطر بود، اتحاد شوروی بدون تزلزل مراتب پشتیبانی خویش را از مبارزات ایران در راه آزادی وعلیه مداخلهٔ امپریالیستی در امورکشورتان ابراز داشت. درآن لحظه پرمسئولیت، لئونید برژنف رهبر شوروی اظهار داشت: اتحاد شوروی جداً وقطعا اعلام میکند که بامداخله در اموردا خلی ایران، ازطرف هرکس، به هر شکل وبه هر بهانه، مخالف است. در این کشور حوادث صرفا داخلی روی میدهد و مسائل مربوط به آن باید توسط خود ایرانیان حل و فصل شود.

بطوریکه شما میدانید در آنسوی اقیانوس نتوانستند این هشدار جدی مسکو را، که در سراسر جهان طنین‌انداز شده‌بود، درنظر نگیرند. روشی که اتحاد شوروی اتخاذکرد، موجب گردید که نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم در مورد ایران نقش برآب شد.

در روزهای تاریخی ماه بهمن، وقتی که امپریالیست‌ها وهمدستان آنها تلاش‌های مذبوحانه‌ای برای نجات رژیم شاه وسرکوب انقلاب ایران در گهواره بعمل می‌آوردند، اتحاد شوروی باردیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام کرد. مطالب متعددی که در آن روزها در مطبوعات شوروی چاپ شدو ازرادیو تلویزیون پخش گردید، موید این امر است. مثلاروزنامه پراودا، در ۱۰ فوریه ۱۹۷۹، یعنی درآستانه پیروزی انقلاب نوشت.

"زدوخوردهائی که امروز در تهران برپاشد، به تحریک مشتی ازامرای ارتجاعی ارتش برگزار شد، که در جستجوی بهانه‌ای برای کودتاهائی هستند، که نقشه آن به اتفاق "سیای آمریکا وباشرکت مجدانهٔ ژنرال "هایزر معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اروپا تهیه شده‌است."

روزنامه پراودا در آن روز خوانندگان خودرا با بیانات آیت الله طالقانی آشنا ساخت، که گفته بود: امپریالیست‌های آمریکا بمنظوراختناق ایران به توطئه‌چینی پرداخته‌اند.

رادیو مسکو گفت: "پس از پیروزی انقلاب ایران، اتحاد شوروی خوشوقتی خود را ابراز داشت و اعلام نمود که خواستار گسترش مناسبات حسن همجواری وهمکاری با ایران نوین، ایران انقلابیست. در تلگرام لئونید برژنف به عنوان آیت اله خمینی، در رابطه با اعلام برقراری نظام جمهوری درایران، آمده‌است:

"سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران سیاست دوستی صادقانه و حسن همجواری است. این سیاست عبارتست ازکوشش در راه گسترش وتوسعه مناسبات همه‌جانبه میان دوکشور ما و برمبنای اصول برابری حقوق واحترام متقابل به حق حاکمیت ملی وعدم مداخله درامور داخلی یکدیگر."

سه سالی که از آن زمان گذشت، وفاداری اتحاد شوروی را به این اصول درموردکشورتان کاملا تائیدکرد. بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی هم پشتیبانی خود را از مبارزهٔ عادلانه مردم ایران وانقلاب آنان اعلام کرد وتاکیدنمود که انقلاب ایران جنبهٔ ضدامپریالیستی دارد. کنگره تمایل کشورما رابه توسعهٔ مناسبات مبنی بر برابری حقوق وعلاقهٔ متقابل تائیدنمود واین موضعگیری اتحاد شوروی در مورد ایران، همیشگی وخلل ناپذیراست."

سالگرد انقلاب

میهن انقلابی ما به چهارمین سال دوران نوین تاریخ کهن خود پای نهاد. جشن انقلاب بار دیگر فرصتی برای شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب ما بدست داد. در کشورهای امپریالیستی در هفته پیش از جشن کارزار تبلیغاتی وسیعی بر ضد جمهوری اسلامی ایران برپا شد. در تمام دنیای سرمایه‌داری کمتر روزنامه یا مجله‌ای می‌توان یافت، که در آن روزها نیش زهرآگین خود را بر پیکر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما فرو نبرده باشد. ریگان در گزارش سراپا دروغ خود راجع به "حقوق بشر" فصل مشبعی را به تهمت و افترا نسبت به ایران تخصیص داد و از جمهوری اسلامی ایران تصویری سراپا تحریف‌شده و تیره ساخت. در این روزها اخبار مربوط به تظاهرات و تجمعات ضد انقلابیون ایرانی در شهرهای اروپای غربی برجسته‌ترین موضوع مطبوعات و تلویزیون‌های کشورهای امپریالیستی بود. در این کشورها پلیس همه جا، طبق شیوهٔ مرسومی خود، بر حسب مورد گاه با مداخله و گاه با عدم مداخله و در هر دو مورد به سود گروه‌های ضد انقلابی وابسته به امپریالیسم (سلطنت‌طلبان، مجاهدین، مائوئیست‌ها، تروتسکیست‌ها) وارد عمل شد. در فرانسه پلیس دست اوباشان ضد انقلابی را باز گذارد و خود چون "ناظر بیطرف!" کنار کشید تا این اوباشان با فراغ بال بر محل تجمع دانشجویان و سایر گروه‌های هوادار انقلاب با اسلحه گرم و سرد حمله‌ور شوند، آنها را مجروح و مضروب کنند، ماشینهایشان را آتش زنند و چون سرداران فاتح دستها را پشت کمر گذاشته میدان نبرد را ترک کنند گوئی پلیس فرانسه در حفظ جان و حیثیت و حقوق ایرانیان هوادار انقلاب، که در خاک آن کشور زندگی می‌کنند، هیچ مسئولیتی بعهده ندارد. پلیس فرانسه دست و بال جنایتکاران را باز گذاشت. پلیس آمریکا شیوه دیگری بکار بست و بجای اوباشان دسته بزرگی از گروههای هوادار انقلاب را بازداشت کرد و بدینسان میدان را برای ضد انقلابیون باز گذاشت.

دولتمردان کشورهای سرمایه داری نیز برای شادباش به خلقی که با دهها هزار کشته و زخمی، رژیم خونخوار و ستمگر حاکم بر میهن خود را سرنگون کرد، یک سخن گرم در دلهای تیره خود نیافتند.

درحالیکه دنیای امپریالیسم و رسانه های گروهی آن با ابروان فشرده و چشمان خشم‌آلود بر کودک سه ساله انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران نگریسته، برای نسبت دادن هزاران عیب و علت و کمبود و نقص سفره دروغپردازی خود را هرچه پهن‌تر گسترده بودند، در قطب دیگر جهان، در کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی سالروز انقلاب، همچون حادثه ای بزرگ و درخور هرگونه احترام و جلال برگزار گردید.

در شهرهای اتحاد شوروی، بویژه در مراکز بزرگ علمی و فرهنگی و بنادر دریای سیاه، که ملوانان شوروی بارهای خود را از آنجا به مقصد ایران حمل میکنند به ابتکار "انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی" و سایر سازمانهای علمی و فرهنگی، به افتخار سالروز انقلاب بزرگ اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران مجالس شکوهمندی برپا شد. در سایر کشورهای سوسیالیستی نیز زادروز ایران نوین جشن گرفته شد و این تظاهری دیگر از پشتیبانی دولتهای سوسیالیستی از انقلاب مردم ایران بود. جز این هم نمی‌تواند باشد. انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران یکی از بزرگترین پایگاه‌های امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در یکی از حساسترین نقاط جهان را درهم کوفت. نظام شاهنشاهی ایران قبل از هر چیز یک رژیم مرتجع ضد سوسیالیستی بود و سرنگونی چنین دشمنی نمی‌توانست کشورهای سوسیالیستی را خشنود نسازد. منافع مشترک جمهوری اسلامی ایران و دولتهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی جهان ناگزیر آنان را در مبارزه همگانی بر ضد امپریالیسم و ارتجاع جهانی در یک صف قرار می دهد. روند عینی انقلاب اسلامی ایران و ژرفش و گسترش آن، علیرغم پیرایه‌های ذهنی که بر آن بصورت ساختگی و مصنوعی بسته شده و می شود، تنها می تواند بیک نتیجه بیانجامد و آن همکاری و همبستگی با تمام نیروهای انقلابی جهان علیه نیروهای امپریالیستی و ضد انقلابی است، که در لحظهٔ کنونی انتقام گیری از میهن انقلابی ما را در راس تمام برنامه‌های سیاسی اقتصادی و نظامی خود در منطقه خاور نزدیک و میانه قرار داده‌اند و از هیچ توطئه و دسیسه‌ای برای ضربت زدن به جمهوری اسلامی ایران روگردان نیستند.

درهمین روزهای خجسته‌ای که ما و دوستانمان در سایر کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی سالروز انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران را برگزار کردیم، متحدان و دستیاران امپریالیسم سرگرم ریختن طرحها و نقشه‌های شیطانی برای خفه‌کردن میهن انقلابی ما بودند. در هفته‌ای که گذشت، ما شاهد شکل‌گیری یک پیمان مخفی نظامی بین دنیای امپریالیسم و نیروهای مرتجع منطقه بودیم.

تفسیر وقایع مهم جهان

کمیته مشترک آمریکا و عربستان سعودی

نام "کمیته مشترک" در دل ما ایرانیان خاطرات تلخ و خونین "کمیته‌های مشترک ضد خرابکاری" رژیم شاه را زنده می‌کند. "کمیتهٔ مشترک آمریکا و عربستان سعودی" نیز در حقیقت چیزی از همان قبیل، منتها به مقیاس تمام منطقه است. سند تشکیل این کمیته را وزیر دفاع آمریکا، به نمایندگی دنیای امپریالیسم، و وزیر دفاع عربستان سعودی، به نمایندگی تمام نیروهای مرتجع و ضد انقلابی منطقه، امضاء نمودند و بدینسان یک مرحلهٔ مهم دیگر در تولد یک پیمان نظامی ــ سیاسی از نوع پیمان بغداد و سنتو زیر چتر حمایت امپریالیسم طی شد. مقدمات این پیمان از مدتها قبل با فعالیتهای سرسام آور دیپلوماتیک کشورهای امپریالیستی و قراردادهای بیسابقه تسلیحاتی، از جمله فروش آواکسها به عربستان سعودی، فراهم گشته بود. حوادث اخیر منطقه، بویژه تحولاتی که در جنگ ناخواسته ایران با عراق روی داد، کار انعقاد این پیمان را تسریع نمود. هرچند کمیتهٔ مشترک نظامی آمریکا و عربستان سعودی، و یا بعبارت دیگر ستاد فرماندهی آن ظاهرا زیر نظر عربستان سعودی و آمریکاست، اما این پیمان عملا تمام نیروهای مسلح قابل استفاده کشورهای عرب وابسته به امپریالیسم را در اختیار خواهد داشت. در بین این کشورها بغیر از عربستان سعودی، تنها عمان و اردن هستند که می توانند نیروی نظامی قابل ملاحظه‌ای برای شرکت در جنگهای محلی ضد انقلابی بسیج کنند. در "شورای همکاری خلیج" (فارس) بجز عمان و عربستان سعودی سایر کشورهای عضو از نظر نظامی نیروئی بحساب نمی‌آیند و هر موضعی اتخاذ کنند در اصل مسئله، که تشکیل یک نیروی ضربتی برای جلوگیری از تغییر توازن نیروها در منطقه به سود جنبشهای انقلابی است، تغییر چندانی به وجود نمی‌آورد. تنها ارتشهای عمان و عربستان سعودی و اردن، که هر سه آنها زیر نظر مستشاران آمریکائی و انگلیسی و افسران و درجه‌داران پاکستانی تربیت و اداره می شوند، می توانند از نظر نظامی نقشی در این مورد بعهده بگیرند. از مجموع این سه ارتش، که بر پایه تسلیحات آمریکائی، پول عربستان سعودی و سربازان چشم بسته و نادان بدوی عرب تشکیل می‌گردد، می توان یک لژیون نو مستعمراتی مزدور بوجود آورد، که برای حفظ منافع "مشترک" ملوک و شیوخ مرتجع عرب و سرمایه‌داران غارتگر آمریکائی و اروپای غربی کورکورانه شمشیر بزنند. استفاده از این لژیون از لحاظ نظامی و سیاسی، چه برای دولتهای امپریالیستی و چه برای شیوخ و ملوک نفتی، نسبت به "سپاه واکنش سریع آمریکا" مزایای چندی در بر دارد:

اولا، این لژیون، بر خلاف "سپاه واکنش سریع" یک نیروی محلی است نه بیگانه، عرب و مسلمان است، نه آمریکائی و خارجی و بدلیل همین خصلت محلی و عربی بهتر می تواند خود را در متن حوادث سیاسی و نظامی منطقه جا بزند.

ثانیا، کاربرد "سپاه واکنش سریع" در این منطقه بلحاظ پیامدهای بین المللی آن، همیشه امکان‌پذیر نیست. اگر امپریالیسم آمریکا نتوانست برای حفظ نظام شاهنشاهی در ایران، یعنی مهمترین پایگاه خود در منطقه، و یا برای سرنگون کردن حکومت انقلابی در افغانستان از نیروی نظامی استفاده کند، اکنون که در نتیجهٔ استقرار حکومتهای ضد امپریالیستی در ایران و افغانستان توازن نیروها در منطقه به زیان امپریالیسم تغییر فاحش کرده است بطریق اولی نمی تواند به آسانی و بدون در نظر گرفتن نتیجه نهائی اقدام خود، به چنین ماجراجوئی سبک‌مغزانه‌ای دست بزند.

ثالثا، اگرچه از ماجراجوئی امپریالیسم آمریکا هیچ چیز بعید نیست ــ از نظر صرفا نظامی امپریالیسم آمریکا در حال حاضر و شاید تا سالها ی سال قادر به اعزام نیروئی قابل ملاحظه بمنطقه برای صدور ضد انقلاب نخواهد بود، مانورهای "ستاره درخشان" ثابت کرد که آمریکائی ها برخلاف ادعاهای لاف‌زنانه ریگان و هیگ در مورد اینکه دیگر اجازه نخواهند داد در هیچ یک از کشورهای عربی حوادث ایران تکرار شود عملا نمی توانند در ظرف مدت کوتاهی که برای سرکوب انقلابهای منطقه لازم است، نیروهای لازم نظامی را در کشورهای بپاخاسته، پیاده کنند و تا تریاق آنان از عراق برسد، مارگزیده مرده باشد! آمریکائی‌ها برای آنکه بتوانند نیروی موثری به منظور صدور ضد انقلاب به منطقهٔ ما بفرستند، باید برنامه‌های وسیع لجستیکی خود را که ۴ میلیارد دلار به آن تخصیص داده‌اند، طی چند سال آینده پیاده کنند. اما انقلابها هم اکنون در منطقه برخاسته‌اند و منتظر پایان این برنامه‌ها نخواهند شد.

با در نظر گرفتن تمام این جوانب است که آمریکائی ها و رژیم های وابسته به آنان بدست و پا افتاده‌اند. نگرانی آنان بیش از هر چیز از وضع داخلی عراق است. رژیم صدام با اقدام ابلهانه خود در حمله به ایران و سپس ناکامی های پی در پی آن در جنگ، پایگاه اجتماعی و سیاسی خود را در بین مردم از دست داده و می دهد. تحولات داخلی عراق تنها در یک سمت می تواند انجام گیرد و آن روی کار آمدن نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است. توازن نیروهای سیاسی در داخل عراق چنین است که جبههٔ ائتلافی نیروهای ضد رژیم صدام شانس بزرگی برای رسیدن به حکومت دارد. روی کار آمدن چنین حکومتی در عراق، که بیشک به جرگه کشورهای انقلابی منطقه (ایران، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک و افغانستان) خواهد پیوست، قبل از هر چیز مواضع امپریالیسم و همچنین سه دولت پادشاهی عمان، اردن و عربستان سعودی را جدا به مخاطره خواهد افکند. منافع "مشترک" "کمیتهٔ مشترک" را بوجود آورده است و نیروهای "چند ملیتی" عرب زیر فرماندهی این "کمیتهٔ مشترک" ــ یعنی آمریکا ــ ماموریتهای ضد انقلابی خود را انجام خواهد داد.

مهمترین ماموریت این نیروها در لحظهٔ کنونی حفظ رژیم صدام در برابر دشمنان داخلی و خارجی آن، یا به دیگر سخن جلوگیری از هرگونه تحول انقلابی در عراق است. دیگر نه امپریالیسم آمریکا و نه رژیمهای مرتجع عرب می‌توانند "بیطرفی" خود را در جنگ عراق و ایران حفظ کنند.

"طرفداری" با مداخله اردن در جنگ علیه ایران آغاز شد و هرقدر رژیم صدام در معرض خطر بیشتری قرار گیرد دسته‌های مسلح بیشتری از سایر کشورهای مرتجع عرب، زیر عنوان "دفاع از برادران عراقی" "در برابر" تهاجم فارسی" به کمک صدام فرستاده خواهد شد. در پشت تمام این فعل و انفعالات نیز دستهای ناپاک امپریالیسم آمریکا در حرکت است. در سفر نه‌روزه کاسپار واینبرگر وزیر دفاع آمریکا به کشورهای مرتجع منطقه و گفتگوهایش در ریاض، عمان و اردن، جزئیات همکاری آنها زیر چتر "کمیتهٔ مشترک آمریکا و عربستان سعودی" بررسی شد و مورد توافق قرار گرفت. اینکه واینبرگر وزیر دفاع آمریکا شخصا ریاست "کمیته مشترک" را بعهده گرفته است (برای وزن شعر وزیر دفاع عربستان سعودی را نیز در این ریاست سهیم کرده است!) نشانه اهمیت فوق العاده‌ایست که امپریالیسم آمریکا برای سرکوب جنبشهای انقلابی منطقه و قلب تهیدهٔ آن ــ انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران قائل است.

مسیر سفر واینبرگر (عربستان سعودی، عمان، اردن) و تلاقی این سفر با پدا رطه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر و فرمانده نیروهای نظامی عراق در راس هیئت بلندپایه ای از ریاض و مذاکرات چند ساعته‌اش با شاهزاده فهد ولیعهد عربستان سعودی، جای تردید باقی نمی‌گذارد که در حال حاضر مهمترین مسئله‌ای که فکر سران دنیای امپریالیسم و کشورهای مرتجع عرب را بخود مشغول کرده است، همانا تشریک مساعی برای حفظ رژیم صدام و تقویت عراق برای ادامهٔ جنگ با جمهوری اسلامی ایران است.

بقای رژیم صدام و ادامهٔ جنگ نقشهای دو روی یک سکه‌اند، که با هدفهای امپریالیسم آمریکا و سران مرتجع عرب، یعنی جلوگیری از تحولات انقلابی در عراق و کاستن از تاثیر انقلاب اسلامی ایران در منطقه و منزوی کردن و فرسودن جمهوری اسلامی ایران همخوانی دارد. امپریالیستها امیدوارند که با حفظ صدام و ادامهٔ جنگ، اولا از روی کار آمدن نیروهای انقلابی در عراق جلوگیری کنند و ثانیا با این جنگ فرسایشی راه را برای بحکومت رسیدن نیروهای "معتدل و میانه‌رو" در ایران هموار سازند.

توطئه‌های امپریالیستی در منطقه تشکل نهائی بخود می‌گیرد. طبق معمول، شکل‌گیری این توطئه‌ها با تبلیغات گسترده امپریالیسم خبری که هزاران دروغ پخش می کند، همراه است و اینبرگر در ریاض از به اصطلاح نقشهٔ شوروی برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و منابع نفتی آن و احتمال اینکه اتحاد شوروی بخواهد این نقشه را با اشغال نظامی ایران و عراق اجرا کند، سخن گفت و علت وجودی "کمیتهٔ مشترک" را به این بهانه توجیه کرد، و هنگامیکه "دوستان" سعودیش خطر اسرائیل را به او تذکر دادند، وی آنان را به قبول "همزیستی مسالمت آمیز" با اسرائیل دعوت کرد!

آنچه مسلم است، برای سعودی‌ها، آمریکائیها، اسرائیلی‌ها و تمام نیروهای مرتجع منطقه و جهان، "خطر اصلی"، "خطر کشورهای انقلابی منطقه" و "خطر انقلابهای در حال تکوین منطقه" است و در برابر این خطر اصلی است که تمام ملوک و شیوخ عرب همه چیز دیگر را، از دین، ملیت، شرف و انسانیت فراموش می کنند و دست در دست آمریکا و اسرائیل بر ضد این "خطر" متحد می شوند.

"مقامات سعودی "چگونه میتوانند خلق‌های عرب را بصداقت گفتارشان دربارهٔ خطر اسرائیل معتقد سازند، در حالیکه وزیر دفاع آمریکا حلقهٔ واسطه بین "کمیتهٔ مشترک" آنها با آمریکا و پیمان استراتژیک اسرائیل و آمریکاست؟ در حقیقت عربستان سعودی و تمام نیروهای مرتجع منطقه با این حلقه به پیمان استراتژیک اسرائیل و آمریکا ملحق می شوند. "همزیستی مسالمت آمیز" با اسرائیل را نیز برای تسجیل این اتحاد شوم امپریالیسم ــ صهیونیسم ــ ارتجاع عرب می خواهند. "همزیستی مسالمت آمیز" با اسرائیل در شرایطی که اسرائیل "جولان" را می بلعد و در صدد بلعیدن کرانهٔ غربی و جنوب لبنان است و آشکارا در سازمان ملل متحد رویاروی تمام خلقها ایستاده و به تصمیمات آن گردن نمی‌نهد، چه معنائی میتواند داشته باشد؟

آمریکا و اسرائیل رویاروی تمام خلقها

اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که برای بررسی اقدام تجاوزکارانهٔ اسرائیل در الحاق بلندیهای جولان بخاک خود تشکیل شده بود، بکار خود پایان داد. این اجلاس در حقیقت به یک جلسه محاکمهٔ امپریالیسم آمریکا بیشتر شباهت داشت. سخنگویان در این اجلاس رابطه‌ای را که بین این اقدام اسرائیل و سیاست پشتیبانی بیدریغ آمریکا از اسرائیل وجود دارد، فاش ساختند و بدرستی متذکر شدند، که اگر پشتیبانی آمریکا وجود نداشت، اسرائیل هرگز نمی توانست تمام قوانین بین المللی را این چنین زیر پا بگذارد و طی مدت سی سال به همسایگان عرب خود زور بگوید.

در قطعنامه‌ای که کشورهای سوسیالیستی، کشورهای غیر متعهد و کشورهای عرب عضو سازمان ملل متحد به اجلاس فوق العاده مجمع عمومی تسلیم نمودند، پیشنهاد می شد که اسرائیل بعنوان یک دولت متجاوز و جنگجو، که تمام اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد را نقض کرده است، از حق عضویت در این سازمان محروم گردد و دولت های عضو کلیه همکاری‌های اقتصادی، مالی، فنی و فرهنگی و روابط دیپلوماتیک خود را با اسرائیل قطع کنند. دولت آمریکا تمام نیروی خود را برای فشار بر کشورهای "دوست" بکار برد، تا از طرح این قطعنامه در مجمع عمومی جلوگیری کند، با این همه طرح قطعنامه بمذاکره گذارده شد، و به اعتراف مطبوعات آمریکا در این مذاکرات "حمله به آمریکا بیشتر از حمله به خود اسرائیل بود" از جمله نماینده شوروی در نطق خود گفت:

"اسرائیل سیاست هیتلری تصاحب فضای زندگی را دنبال می کند و آمریکا مستقیما از این سیاست پشتیبانی می کند".

طرح قطعنامه کشورهای سوسیالیستی غیر متعهد و عرب، که از پشتیبانی اکثریت قاطع اعضای سازمان ملل متحد برخوردار بود و بی تردید در مجمع عمومی بتصویب می رسید، ایالات متحدهٔ آمریکا را به توسل به آخرین حربه‌های کثیف دیپلوماتیک وا دار ساخت. نماینده آمریکا سازمان ملل متحد را تهدید کرد که، اگر تعلیق عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد بتصویب برسد، دولت آمریکا از این سازمان بیرون خواهد آمد.

نماینده اسرائیل با بیشرمی صهیونیستی خود تصمیم مجمع عمومی را "دیکتاتوری اکثریت" کشورهائی نامید که به زور این سازمان را تصرف کرده‌اند و می خواهند بر "دموکراسی اقلیت" تحمیل اراده کنند. او با این سخنان خود معنای "دموکراسی" و "دیکتاتوری" را در فرهنگ امپریالیسم و صهیونیسم روشن ساخت. اشغال سرزمینهای دیگران با زور سلاح، "دموکراسی"

بقیه در صفحه ۶

اصلاحات ارضی دمکراتیک (۲)

همه تلاشها بوسیله انسان وبرای انسان

استفاده از تجربه انقلاب‌ها، جنبش‌های انقلابی وحکومت‌های انقلابی درشئون مختلف زندگی بدون الگو سازی و با درنظرگرفتن ویژگی‌های انقلاب وجامعهء انقلابی درهرکشور، برای انقلاب ما، جنبش انقلابی ما وحکومت انقلابی ما نیز یک ضرورت حیاتی است.
اینک که ما بامسئله اصلاحات ارضی، یعنی یکی ازمهمترین وحادترین مسائل اقتصادی ـ اجتماعی درکشور خود روبرو هستیم، مفید دانستیم که یکی ازتجربیات موفق در زمینهء اصلاحات ارضی ـ یعنی اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک آلمان ـ را به اطلاع خوانندگان گرامی، همه علاقمندان و صاحبنظران ومسئولان برسانیم.
قسمت اول این مقاله درشماره ۱۱۳ "اتحادمردم" چاپ شد. اینک قسمت آخر آن ازنظر خوانندگان گرامی میگذرد:

کشاورزی نوین درجمهوری دمکراتیک آلمان

امروزه درآلمان دمکراتیک، بخش کشاورزی یکی ازبخشهای مهم اقتصاد ملی راتشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۷۹، ۹/۵٪ تولیدناویژه ملی از این بخش حاصل می‌شد. علیرغم افزایش مصرف مواد غذائی وبویژه شیر، گوشت وکره، حدود ۷۵٪ مواد غذائی مصرفی در داخل کشور تولید می‌شود. بخش کشاورزی همچنین قسمت مهمی از احتیاجات صنایع غذائی وصنایع سبک کشور را تامین می‌کند.

درسال ۱۹۷۹، ۹۴/۸٪ اراضی کشاورزی دراختیار تعاونی‌ها و مزارع دولتی قرار داشت وبقیه از اراضی متعلق به کلیسا وقطعات کوچکی که به طور انفرادی کشت می‌شد، تشکیل شده بود. کاربرد ماشین‌آلات، تکنیک های نوین کشت ودامداری واستفاده از کود شیمیائی وسموم دفع آفات و همچنین اصلاح خاک وغیره، درواحدهای بزرگ بطور گسترده‌ای رایج است.

تعداد تراکتورها از ۷۰۵۶۶ در سال ۱۹۶۰ به ۱۴۲۵۹۲ در سال ۱۹۷۹ افزایش یافت. تعداد کمباین از ۶۴۰۹ در سال ۱۹۶۰، به ۱۳۳۶۸ در سال ۱۹۷۹ رسید. میزان استفاده از کودهای شیمیائی نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. درفاصله سال‌های ۵۰ ـ ۱۹۴۹ تا ۷۹ ـ ۱۹۷۸، میزان مصرف کود ازته برحسب هکتار از ۲۷/۸ کیلوگرم به ۱۱۴/۷ کیلوگرم، فسفات از ۱۴/۲ کیلوگرم به ۶۷/۳ و پتاس از ۵۱/۱ به ۸۳/۹ کیلوگرم رسید.

درزمینه اصلاح خاک وآبیاری، سرمایه‌گذاریهای کلانی صورت گرفته است. تاسال ۱۹۷۴، مجموعا یک میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار زمین زه‌کشی شده بود و حدود ۵۸۰ هزار هکتار آبیاری می‌شد، پیشرفتهای حاصله درتامین وسائل تولید موجب بالا رفتن بازده کشاورزی شده است. بازده تولید غلات از ۲/۹۲ تن درهکتار در سال ۱۹۶۵، به ۳/۵۶ تن درهکتار در سال ۱۹۷۹ رسید. بازدهء تولید سیب زمینی از ۱۷/۷ تن درهکتار در سال ۱۹۶۵، به ۲۲/۲۹ تن در سال ۱۹۷۹ افزایش پیداکرد.

افزایش تولید درمحصولات دامی بسیار چشمگیر است. مقدار دام کشتار شده از یک میلیون و ۲۰۲ هزار تن (وزن دام زنده) درسال ۱۹۵۵، به ۲۳۸۶۰۰۰ تن درسال ۱۹۷۹ رسید. بازدهء متوسط سالانه شیرهرگاو (با ۳/۵٪ چربی) از ۲۳۹۴ کیلو درسال ۱۹۵۵، به ۳۸۷۳ کیلو درسال ۱۹۷۹ افزایش یافت. تولید تخم مرغ از ۱۰۶ تخم مرغ سالانه هر مرغ در سال ۱۹۵۵، به ۱۹۷ تخم مرغ در سال ۱۹۷۹ رسید.

این پیشرفت‌ها از طریق افزایش بارآوری کاربدست آمده است. طبق برآوردها، حاصل کاریک زحمتکش بخش کشاورزی در سال ۱۹۷۳ برابر بود با حاصل کار پنج زحمتکش در سال ۱۹۴۹

برنامه ریزی

• فعالیت تعاونی‌های کشاورزی و مزارع دولتی براساس برنامه‌ریزی انجام می‌شود. برنامه‌های پنجساله و یکساله توسعه کشاورزی، براساس بحث وبررسی درکلیه سطوح تولید، تدوین می‌شوند. درواقع برنامه توسعه کشاورزی جزئی است از برنامه توسعهء اقتصادی سالانه، که خودجزئی است از برنامه پنجساله.

"کمیسیون دولتی برنامه‌ریزی" مسئول تدوین برنامه درسطح ملی است، و به‌این لحاظ درارتباط نزدیک با بخشهای برنامه‌ریزی شهرستان ها و بخشها و وزارتخانه‌های مربوطه قرار دارد. درتعاونی‌های تولید کشاورزی کلیه زحمتکشان درتهیه برنامه شرکت می‌کنندو بدین ترتیب، چه درسطح کشوروچه درسطح تعاونی‌ها، هماهنگی کامل ایجاد شده است.

درابتدای تدوین برنامه، مقامات برنامه‌ریزی دولت مرکزی طرحی راتهیه می‌کنند، که درآن نیاز های اجتماعی وامکانات اقتصادی وفنی در نظر گرفته می‌شود. مثلا در مورد کشاورزی، درصدعرضه ضرور به بازار محصولات کشاورزی ودامی، سرمایه ـ گذاریها، وسائل وتاسیسات مورد نیاز این بخش، تغییرات تعداد دام وغیره تعیین می‌شود.

پس از شاخص بندی، شاخص ـ های مختلف به ایالت هاو بخش ها و از آنجا به تعاونی‌های تولید و مزارع دولتی وسایرموسسات تولیدی ارسال می‌شود. این شاخص ها مبنای بحث را تشکیل می‌دهند. پس ازمباحثات طولانی درتعاونی، طرح برنامه تعاونی ریخته می‌شود. این طرح شامل برنامه گروه‌های کار، برنامه تولیدات و برنامهء کارهاست. همواره کوشش بعمل می‌آید که هدفهای تعیین شده (بازده، کیفیت، مدت، هزینه، بارآوری کاروغیره) با تمام جزئیات برای هر کاری مشخص شود.

بهره‌برداریهای کشاورزی با موسسات تولیدی وخدماتی قرارداد ـ هائی جهت خریدوسائل و خدمات و فروش محصولات خود منعقدمی‌سازند. این قراردادها نیزدربرنامه‌ریزی واحد بهره‌برداری گنجانیده می‌شوند و بدین ترتیب نقش تنظیم کننده‌ای را ایفا می‌کنند.

برنامه‌قطعی توسط مجمع عمومی تعاونی به‌تصویب می‌رسدواگرمسئولان دولتی بخواهندتغییراتی در آن بدهند، بایدثابت کنندکه‌این تغییرات بامنافع تعاونی ودهقانان عضومنطبق است.

سیستم قیمتها

درگذشته سیستم دوقیمتی وجود داشت، که‌براساس آن، تولیدکنندگان کشاورزی بخشی ازتولیدات خودرا با قیمت مشخص به‌دولت می‌فروختند و بخش دیگر را به‌قیمت بالاتر در بازار عرضه می‌کردند. این سیستم در سال ۱۹۶۴ درمورد محصولات کشاورزی و در سال ۱۹۶۹ درمورد محصولات دامی لغو شدوامروزه برای یک محصول با کیفیت معین، تنهایک قیمت وجود دارد. به طور کلی قیمت محصولات کشاورزی و دامی ثابت است وتنهادرمورد برخی محصولات مانندتخم مرغ، دام زنده، شیر، میوه‌وسبزیجات، تغییرات فصلی قیمت روی می‌دهد.

قیمت خرید محصولات از تولید ـ کنندگان، باتوجه به‌هزینه های تولیدتعیین می‌شود، تابهره‌برداری ها بتوانند وجوه لازم جهت باز تولید گسترده‌خود رابدست آورند.

قیمت‌های خرده‌فروشی به‌مصرف ـ کنندگان بطورکلی تغییرنمی‌کندودر مواردی‌که، به‌سبب بالارفتن هزینه‌ها، قیمت تولیدازقیمت خرده‌فروشی بیشتر شود، دولت مابه‌التفاوت راتقبل می‌کند زیرا ثبات قیمت‌ها برای مصرف کنند ـ گان یکی ازاصول سیاست دولت است.

درسالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳، قیمت ـ های خرده‌فروشی کره، قند، آردگندم شیر، بعضی انواع گوشت گاو وخوک و نخودفرنگی تغییری نکرد. قیمت سیب ـ زمینی به‌میزان جزئی افزایش داشت، درصورتیکه قیمت تخم مرغ وسیب کاهش پیداکرد.

قیمت‌وسائل تولید نیزبه‌نحوی تعیین می‌شوندکه برای بخش کشاورزی قابل‌تحمل باشد. همچنین به‌منظور تشویق تعاونی‌ها به‌تولید بیشتر، سیستم پرداخت جایزه متداول است، بدین ـ ترتیب، که در صورت افزایش تولید نسبت به سال قبل، تولیداضافی به نرخ بیشتری خریداری می‌شود. این سیستم، علاوه‌برافزایش تولید، موجب ترغیب تعاونی‌ها به‌تخصص یافتن می ـ گردد. ازسیستم قیمتهاوپرداخت جوایز برای سوق دادن فعالیت تعاونی‌ها به سوی محصولات موردنیاز اقتصاد ملی نیز استفاده می‌شود. بعنوان مثال، در سال ۱۹۷۵، بعلت بالا رفتن قیمت‌های جهانی گندم وچغندرقند، دولت جایزه ـ ای برابربا ۲۵٪ قیمت پایه برای‌این دومحصول درنظرگرفت، تاتعاونی‌ها به تولید بیشترترغیب گردند.

همکاری میان تعاونیها وتخصص یافتن آنها

بطورکلی وسعت یافتن ابعاد تعاونی‌ها بارآوری را افزایش می‌دهد وهزینه‌هارا می‌کاهد، ولی هم درتعاونی ـ هائی که صرفا به‌کشت اشتغال دارند وهم درتعاونی‌های دامداری، گستردگی ابعادحدی دارد. بهمین جهت اشکال پیچیده‌تر تعاون ایجادشده است و تعاونی‌های مختلفی، که‌درهمسایگی یکدیگرهستند، دربرخی فعالیت ها با هم همکاری میکنند. این نوع همکاری در زمینه‌های گوناگون انجام می‌گیرد. ما در اینجا به ذکر چند مثال اکتفا می‌کنیم:

یکی ازاشکال همکاری، مشارکت چندتعاونی یامزرعه دولتی در خرید ماشین‌آلات سنگین است. شکل دیگر مشارکت درایجاد یک مرکزکشاورزی جهت‌انجام فعالیت‌های سم‌پاشی و کود دادن است، یامشارکت درتاسیس یک‌کارخانه‌علوفه‌خشک‌کنی، یاتولید خوراک دام. طبیعی است کاینگونه مشارکت‌ها، چه ازنظرتامین منابع مالی وچه‌ازنظر بازده، بسیارسودمنداست. بعلاوه انجام برخی‌کارها از این‌طریق تخصص یافتن هریک ازتعاونی‌هارا نیز تسهیل می‌کند.

تحول شرایط زندگی در روستاها

طی سی‌ودوسالی کهازموجودیت جمهوری دمکراتیک آلمان می‌گذرد، شرایط کار و زندگی دهقانان عضو تعاونی‌هاوکارگران مزارع دولتی عمیقا تغییر یافته‌است. تعاون، پیوند میان افراد شاغل در بخش کشاورزی را مستحکم کرده‌ومکانیزاسیون تولید، خصلت کار را دگرگون ساخته‌است.

سطح دانش حرفه‌ای نسل های جدید روز به روز افزایش می‌یابد و اختلاف میان آموزش درشهر و روستا ازمیان رفته‌است. امروزه آموزش‌عمومی دهساله برای همه‌کودکان اجباری‌است. نوجوانان، پس از پایان این‌دوره، یا به دانشگاه‌ها وموسسات آموزش عالی راه‌می‌یابندویاجهت‌آموختن‌حرفه، درمدارس حرفه‌ای به‌تحصیل ادامه می‌دهند. آموزش عمومی، آموزش حرفه‌ای وآموزش عالی رایگان‌استو دانشجویان اکثراازبورسهای تحصیلی استفاده می‌کنند.

درزمینه آموزش‌کشاورزی، علاوه بردانشکده‌های‌کشاورزی، مدارس‌عالی ومدارس فنی جهت تربیت متخصصان رشته‌های مختلف کشاورزی وجوددارد. همچنین‌امکان‌فراگیری یکی ازحرفه‌های رشته‌کشاورزی‌درحین کارفراهم شده است. بدین‌منظور کلاسهای‌مختلف‌در موسسات‌آموزشی روستائی تشکیل‌می‌شود. سندیکاهای‌تعاونی‌نیز در امر آموزش حرفه‌ای فعال هستند.

زحمتکشان بخش‌کشاورزی، از اعضا تعاونیهاگرفته تاکارگران مزارع دولتی، ازمزایای مرخصی باحقوق، جهت طی این دوره‌ها برخوردارند.

توجه ویژه به‌امرآموزش موجب شده‌است که‌سطح‌آموزش زحمتکشان بخش کشاورزی‌بطورمستمرافزایش پیدا کند. جدول‌زیرین‌سطح‌آموزش افراد فعال دراین بخش رادرسالهای ۱۹۶۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ نشان می‌دهد:

مدرک تحصیلی	۱۹۶۳	۱۹۷۰	۱۹۷۷
آموزش عالی (تعدادکل)	۴۰۰۰	۷۰۰۰	۱۴۰۰۰
زنان	—	۱۰۰۰	۳۰۰۰
آموزش‌حرفه‌ای‌تخصصی (تعدادکل)	۱۷۰۰۰	۲۸۰۰۰	۴۱۰۰۰
زنان	۲۰۰۰	۴۰۰۰	۱۱۰۰۰
تکنیسین (تعدادکل)	۲۹۰۰۰	۴۷۰۰۰	۵۱۰۰۰
زنان	۱۰۰۰	۵۰۰۰	۷۰۰۰
کارگرماهر (تعدادکل)	۱۳۷۰۰۰	۴۲۸۰۰۰	۵۳۹۰۰۰
زنان	۳۷۰۰۰	۱۸۶۰۰۰	۲۴۷۰۰۰

برابری حقوق زن و مرد تضمین شده‌است وزنان درامرتولیدواداره تعاونی‌ها شرکت‌می‌کنند. اصل تساوی مزدها، بدون‌هیچگونه محدودیتی، اجرا می‌شود. زنان زحمتکش روستا از همان مزایائی کهزنان فعال درسایر

بقیه‌درصفحه ۱۰

تفسیر وقایع...

بقیه‌ازصفحه ۵

استوتقاضای بازپس دادن آن "دیکتاتوری"!

هرچنددرمذاکرات اجلاس فوق‌العادهء مجمع عمومی سازمان ملل متحد حتی یک نفر نبود که‌بتواند از این "دموکراسی" امپریالیستی ـ صهیونیستی دفاع‌کند، اما "دموکراسی اقلیت"، که‌شامل نمایندگان کشورهای‌بزرگ سرمایه‌داری و برخی ازمنفورترین رژیمهای وابسته بود، هنگام رای‌گیری ازحضور درجلسه خودداری نمود و با رای ممتنع داد.

محکومیت اسرائیل درسازمان ملل متحد قبل ازهرچیز بمعنای انزوای سیاسی دولت صهیو ـ نیستی اسرائیل وامپریالیسم آمریکا بزرگترین حامی آن است. اما این انزوای سیاسی هنگامی می‌تواند حداکثر تاثیر خود رابروزدهد که با مجازاتهای دیگری، که‌درقطع نامه تصریح شده است، توام گردد. ودراین‌مورداست که کمیت بسیاری ازامضاکنندگان طرح قطعنامه‌بویژه اکثر کشورهای عرب لنگ است. در همانحال که نمایندگان کشورهای عرب طرح‌قطعنامهء جولان راتهیه‌می‌کنند، سران اکثراین‌کشورها، بجزچند کشور عضو "جبههء پایداری" برای‌جلب "دوستی" آمریکاباهم مسابقه گذارده‌اند. نمایندگان عالی ـ رتبهء آمریکا بیش ازآنکه درواشنگتون پیدا شوند، درعربستان‌سعودی، عمان، مصر، اردن، سودان وامارات متحدعربی، کویت وغیره به چشم می‌خورند. اگردولتهای عرب تمام آنچه‌را که درطرح‌قطعنامه خودبه‌مجمع عمومی پیشنهاد کرده‌اند، نه‌تنهادرباره اسرائیل، بلکه دربارهء آمریکا، محرک‌اصلی تمام تجاوزات اسرائیل، عملی سازند، مابار دیگرهرگزشاهدجنایاتی‌نظیر الحاق جولان‌نخواهیم بود. اما تاکسانی‌مانند خالدوفهدوصدام ونمیری و حسین وقابوس و نظایرآنها در راس دولتهای عرب جای‌دارند، چنین‌کاری‌انجام نخواهدگرفت. تنها با سرنگون شدن این رژیمهای ضدمردمی است‌که‌میتوان دولت صهیونیستی اسرائیل و پشتیبان آمریکائی‌اش را به ترک تجاوز ودست‌کشیدن‌از غارت ذخایردنیای عرب وادار ساخت، وبرای سرکوب همین جنبشهای‌انقلابی‌است که "کمیتهء مشترک" و "قراردادهمکاری‌استراتژیک" وتوطئه ـ هاودسیسه‌های دیگر در هرگوشهء جهان به شیوه‌ای ونوعی شکل‌می‌گیرد.

اماجهان کنونی، جهان‌پیشروی انقلابها وعقب‌نشینی‌نیروهای امپریالیستی‌وضدانقلابی درهمه‌جاست. ضدانقلاب درهیچ جای‌جهان نمی‌تواندپیروزی چشمگیر و درازمدتی داشته باشد، زیرا هر نیروی انقلابی درهرجای جهان ازقلب‌آمریکای لاتین گرفته تاساحل‌ویتنام، اگر قصد دفاع از دستاوردهای‌انقلابی‌خودراداشته باشد، می‌تواند به‌پشتیبانی سایر نیروهای انقلابی وقبل ازهمه کشورهای سوسیالیستی، از این‌دستاوردها در برابرتوطئه‌های‌امپریالیسم دفاع کند.

توطئه امپریالیسم در لهستان بر باد رفت

لهستان‌بتدریج از وضع بحرانی‌که طی یکسال‌وچندماه‌اخیر باآن‌دست‌به‌گریبان بود، خارج می‌شود. شاخص های تولیدی بویژه در صنایع سنگین ومعادن بسرعت بسطح‌منظور در برنامه‌نزدیک‌می‌شود. کارزارتبلیغاتی برای توضیح نقش خرابکارانه رهبری "همبستگی" و

بقیه‌درصفحه ۱۲

تامین آزادیها...

بقیه از صفحه ۱

عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، تاکید نموده‌اند. امام خمینی در سخنرانی‌ها و پیامهای خویش بارها و بارها تصریح کرده‌اند که آزادی همگان، بشرط آنکه به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نباشد و مورد سوء استفاده و منشاء توطئه واقع نگردد، باید محترم شمرده شود. اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی، شهید قدوسی، نیز که با نظر امام خمینی تهیه و اعلام گشت، از همین موضع پیگیر خط امام در زمینه آزادی‌های سیاسی حکایت می‌کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به روشنی آزادیهای سیاسی را مورد تائید قرارداده و در اصل ۲۶ آنرا به رسمیت شناخته است.

طی سه سال گذشته، پیروان صدیق خط امام خمینی بکرات بر تامین آزادی‌های سیاسی، یعنی یکی از شعارهای اساسی انقلاب، تاکید کرده‌اند. اکنون مسئول‌ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران: رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور و دادستان کل انقلاب اسلامی، موافقت خود را با "اطلاعیه ده ماده‌ای "در زمینه تامین آزادیهای سیاسی اعلام داشته‌اند حتی قانون ناظر به فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی نیز ـ علیرغم نقائص و کمبودهای آن ـ در مجلس تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شده است و ظاهرا هیچ مانعی، نه در زمینه قانون، نه در مقامات عالی سیاسی و اجرائی، برای عملی ساختن یکی از شعارهای اساسی انقلاب، یعنی "آزادی"، وجود ندارد، اما...

متاسفانه دستهای ناپیدائی، که ظاهرا قدرتمند نیز هستند، با تمام نیرو از تامین آزادیهای مشروع سیاسی جلوگیری می‌کنند، در راه اجرای قانون سنگ می‌اندازند و بدینسان علیه خط امام و مصلحت انقلاب عمل می‌کنند. افراد و نیروهای ناشناسی که انگیزه و محرک آنها مورد سئوال است، درست در هنگامه تدارک توطئه خطرناک دیگری از جانب امپریالیسم آمریکا و متحدین و وابستگان منطقه‌ای و داخلی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، کارزاری خشماگین و سراپا خصمانه و دروغ‌پردازانه علیه نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب براه انداخته‌اند، تا امر تامین آزادی‌های سیاسی را زیر سئوال قرار دهند و با ایجاد جوشانتاژ و رعب، مدافعان قانون را در اجرای قانون متزلزل سازند.

هدف دشمنان "آزادی"، که عملکرد آنها، خواسته یا ناخواسته به زیان انقلاب و بسود توطئه های امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود، عبارت است از:

کمک به توطئه های «امپریالیسم خبری» و ایجاد بدبینی و بی اعتمادی در افکار عمومی

طی سه سال گذشته، "امپریالیسم خبری"، که سازمان جهانی تبلیغاتی امپریالیسم است و همچنین جبهه وسیع براندازی، تمام نیرو و امکانات خود را بکار انداخته‌اند، تا در انظار مردم جهان و مردم ایران، جمهوری اسلامی ایران را رژیمی "ضدآزادی" و "دشمن دمکراسی" وانمود سازند. آنها جمهوری اسلامی ایران را "دیکتاتوری ملاها" نامیده‌اند و از هر حادثه نامطلوبی، که به طور عمده به دست عمال نفوذی آنها به اجرا در می‌آمد، به حداکثر برای پیشبرد این هدف شوم بهره گرفته‌اند. آنها کوشیده‌اند که افکار عمومی متزلزل و ناآگاه را با تبلیغات گسترده خویش به جانب مخالفت با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و موافقت با سازمان دادن تحریکات و توطئه های امپریالیستی علیه آن سوق دهند، و متاسفانه کم نیز موفق نبوده‌اند. اعمال ضدآزادی مخالفین قانون و خط امام، که بقول آیت‌الله منتظری: "با اعمال جاهلانه و خارج از قانون خودپرستیز جمهوری اسلامی را در دنیا مشوش می‌سازند"، این امکان را بحداکثر برای "امپریالیسم خبری" فراهم می‌آورند، که تبلیغات خویش را برای بدنام کردن حاکمیت انقلابی پیرو خط امام، دامن زنند.

گذشته از این، همانگونه که تجربه سه ساله نشان داده است، بر اثر عدم تامین آزادیهای مشروع سیاسی و تحت تاثیر تبلیغات جبهه براندازی در این زمینه، بسیاری از نیروهای ناآگاه و گمراه نسبت به انقلاب و رهبری آن بدبین شده و حتی بسیاری از آنها بجای پشتیبانی فعالانه از انقلاب، به آلت دست توطئه‌های امپریالیستی تبدیل گردیده و به جانب رویاروئی با انقلاب کشانده شده‌اند. در این رویاروئی تاسف‌انگیز بسیاری از جوانان پاک‌نهاد، ولی فریب خورده به نابودی کشانیده شده و متقابلا بسیاری از مدافعان پرشور انقلاب به خاک و خون در غلطیده‌اند.

منحرف کردن توجه بخشی از نیروهای حاکمیت از خطر اصلی ـ آمریکا

کارشکنی در اجرای قانون اساسی و "اطلاعیه ده ماده‌ای" و سازمان دادن تحریکات گسترده علیه نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب، بخشی از نیروهای حاکمیت را، بجای آنکه تماما مصروف مقابله با شیطان بزرگ ـ آمریکا و عوامل داخلی آن شود، به ناروا علیه نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب متوجه می‌سازد، و بخشی از انرژی و وقت و دقت و هشیاری نهادهای انتظامی انقلابی، چون سپاه پاسداران و کمیته‌ها و... را، بجای آنکه تماما به پیگرد و رویاروئی و دستگیری و مجازات ساواکیها و ضدانقلاب سازمان یافته و تروریست ها اختصاص یابد، متوجه بخش دیگری از نیروهای انقلابی می‌نماید.

چنین نتیجه شومی، گذشته از آنکه در افکار بخشی از نیروهای حاکمیت تشتت و سردرگمی نسبت به توطئه‌گران اصلی و خطر اصلی می‌آفریند، از نظر عملی نیز نیروهای آنها را به بند می‌کشد و از فشار بر روی عوامل امپریالیسم آمریکا میکاهد.

ایجاد محدودیت در فعالیت ضد امپریالیستی نیروهای دگراندیش

نیروهای انقلابی دگراندیش و به ویژه پیروان راستین سوسیالیسم علمی، همانگونه که طی سه سال گذشته نشان داده‌اند، نقش مهمی در خنثی کردن طرحها و توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی آن داشته‌اند. شناخت دقیق و واقعی این نیروها از دشمن اصلی، هریک از آنها را به خدمتگذار فعال و موثر انقلاب و دشمن بزرگ توطئه‌های براندازی بدل کرده است. آنها همواره بوظیفه انقلابی خود در هشدار دادن درباره خطر و بسیج کردن توده‌های مردم بر ضد خطر، عمل کرده‌اند و می‌کنند، و بهمین دلیل ایراد فشار و ایجاد محدودیت علیه این نیروها عملا بخش مهمی از امکانات انقلاب را در مبارزه با ضد انقلاب پرورده امپریالیسم حذف می‌کند و در نتیجه مستقیما به زیان انقلاب تمام می‌شود.

فعالیت انحرافی نیروهای ضد ـ آزادی، که بویژه علیه نیروهای دگراندیش انقلابی متوجه است، هرچند این نیروها به نتایج اعمال خویش آگاه نباشند، جز به چنین نتیجه و زیانی نخواهد انجامید.

خرابکاری در امر سازندگی انقلابی سراپای جامعه

نیروهای انقلابی دگراندیش، که بخشی از نیروهای فعال و کارآزموده جامعه انقلابی ما را تشکیل می‌دهند، حاضرند تمام نیرو، استعداد، تخصص و امکانات خودرا در خدمت نوسازی انقلابی جامعه قرار دهند، دست به دست دیگر نیروهای انقلابی، با دشواریها و کمبودها برزمند و خلاء بزرگی را، که بواسطه محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و در نتیجه فروریختن نظامی سراپا وابسته پدید آمده است، با کوشش خستگی ناپذیر پرکنند. جمهوری اسلامی ایران برای نیل به استقلال اقتصادی و ترمیم ویرانی‌های اقتصادی و جنگی، به این نیروی مومن و مخلص، نیاز جدی دارد.

اما تلاش نیروهای "ضدآزادی"، که می‌کوشند نیروهای انقلابی دگراندیش را از همه سو مورد تهاجم و فشار قرار دهند، بکلی با این نیاز و ضرورت تطبیق ناپذیر است. آنها می‌کوشند تا انقلابیون دگراندیش و فداکار را از عرصه ادارات، مدارس، دانشگاه ها، کارخانه‌ها، شبکه‌های خدماتی و درمانی و... بیرون برانند، و بدینسان بر دشواریها بیفزایند و نارضایتی میان مردم را تشدید کنند.

این واقعیت که محروم کردن جمهوری اسلامی ایران از خدمات گروهی از نیروهای پرشور و فعال و وفادار به انقلاب خرابکاری آگاهانه یا ناآگاهانه در امر سازندگی انقلابی کشور و تضعیف نیروی دفاعی انقلاب در قبال دشواریها و تنگناها است، واقعیت آشکاری است. لذا نیروهای "ضدآزادی"، خواسته یا ناخواسته، در این زمینه نیز به انقلاب لطمه می‌زنند و آنرا به خطر می‌اندازند.

راه حل: اجرای هرچه سریعتر قانون

آنچه گفته شد، نتایج عمده ای است که از فعالیت قانون شکنانه نیروهای ضدآزادی ناشی می‌شود، نتایجی که هریک منشاء خطرات جدی علیه انقلاب هستند. به همه اینها باید ایجاد و گسترش جو ناآرامی، تشنج، بی‌ثباتی و آشفتگی و بالنتیجه بی اعتمادی را در جامعه اضافه کرد، که درست همان زمینه مطلوبی است که تنها امپریالیسم آمریکا از آن بهره می‌برد و انقلاب از آن زیان‌های بسیار دیده است، و بیشک در صورت ادامه، بازهم خواهد دید.

بعکس، تامین آزادیهای سیاسی برای نیروهای هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرفنظر از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، به رشد تفاهم در جامعه ایجاد آرامش و ثبات و تمرکز کلیه نیروها علیه دشواریها و توطئه‌ها، کمک بسیار خواهد کرد.

مسئولین صدیق و متعهد جمهوری اسلامی ایران و پیروان راستین خط امام خمینی، که به شعارهای اساسی انقلاب پایبندند، باید ماهیت واقعی جوشانتاژ و تحریکی را، که علیه قانون و آزادیهای سیاسی پدید آمده است، بشناسند و بر اساس مصلحت انقلاب، قاطعانه در جهت تامین آزادیهای سیاسی مصرح در قانون اساسی و "اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای" و تامین اتحاد میان نیروهای انقلابی و تضعیف زمینه‌های توطئه امپریالیستی، اقدام کنند.

اظهارات حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران، در خطبه های نماز جمعه ۱۸ دیماه ۶۰ درباره آزادی فعالیت دگراندیشان هوادار انقلاب و اینکه:

"می‌توانیم در صورتیکه آنها محیط جنگ بوجود نیاورند و آشوب بپا نکنند، با آنها زندگی مسالمت آمیز داشته باشیم"، "و اینکه آنها" می‌توانند حزب داشته باشند و روزنامه داشته باشند" و اظهارات دیگر ایشان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۳ بهمن ۶۰، مبنی بر اینکه:

"وقتی که این تروریسم و این هیمنه بخوابد، ما فشار خواهیم آورد و در حد معقول و مقبول زبانها را و قلمها را کاملا آزاد و مطمئن خواهیم کرد، که بتوانند کارهایشان را بکنند... محیط باز شود، تا بتوانیم با کسانی که فکری دارند، مطلبی دارند، انتقادی دارند امکانی برای تشکیل گروه دارند، بتوانند کار بکنند و یک مقداری این حالت سوءظن و اینها نباشد... شرطش این است که به اصل نظام لطمه اساسی نخورد، خیال میکنم چند ماه آینده کاملا میتوانیم هم بر خودمان مسلط باشیم هم بر جریان مملکت مسلط باشیم، خطرهای اساسی را از کشور دور کنیم و آزادیهای معقولی که در یک رژیم مردمی میشود داد، بدهیم" (محتوی این اظهارات در مصاحبه تلویزیونی رئیس مجلس ـ ۱۵ بهمن ۶۰ ـ بار دیگر تکرار و تائید شد)، بیانگر هشیاری مسئولین عالیمقام جمهوری اسلامی ایران در قبال توطئه "ضدآزادی" علیه انقلاب است.

پیام مهم اخیر آیت‌الله منتظری نیز، که هشداری نسبت به "تندرویهای جاهلانه" و عملکرد خطرناک" دوستان نادان" بود و همگان را به "قاطعیت و پرهیز از محافظه‌کاری در برابر جریانات و جوهای مسموم "فراخوانده بود، مایه امیدواری نیروهای مدافع انقلاب است.

نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی باید هرچه قاطعتر به حاکمیت قانون، بویژه در زمینه تامین آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و "اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای" برای نیروهای هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرفنظر از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، جامه عمل بپوشانند و دشمنان انقلاب را، که بویژه از این زمینه سوء استفاده می‌کنند، خلع سلاح نمایند.

نگذارید زنان...

بقیه از صفحه ۱

تاریخ فعالیت دوساله مجلس شورای اسلامی، این نخستین بار است که در یک مرجع رسمی اینچنین صریح و بی پرده از ستمی سخن می‌رود که "عده‌ای ناآگاه" و یادشمنان آگاه بر زنان زحمتکش روا می‌دارند و به بهانه اجرای احکام اسلام، شخصیت زنان را در جامعه و در خانواده مورد اهانت و تحقیر قرار می‌دهند.

آنچه نماینده زن مردم تهران درباره عدم امنیت شغلی زنان، اخراج‌های بی‌رویه، احکام غیرعادلانه دادگاه‌های مدنی خاص و تشدید تزلزل موقعیت زن در خانواده و در جامعه گفت، سخن از زبان همه زنان انقلابی، زحمتکش و محروم میهن ما و بیان دردهای عمیق همه آنان بود، زنانی که در روزهای قبل از انقلاب و پس از آن حماسه‌های شگرف و اعجاب‌آمیزی از ایثار و گذشت و دلاوری آفریده‌اند، ولی عملا فقط تعارف تحویل گرفته‌اند، زنانی که در سه سال پس از پیروزی انقلاب با هزاران دست، از دستاوردهای انقلاب پاسداری کرده‌اند، اما تنها شعارهای دلفریب شنیده‌اند و عمل واقعی ندیده‌اند.

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران همواره بر رعایت حقوق زنان تاکید کرده‌اند. امام بارها به صراحت گفته‌اند:

"زن اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست".

و قانون اساسی به پیروی از اندیشه‌های والای امام خمینی و اهداف عالیه انقلاب، دولت‌ها را موظف ساخته که:

"حقوق زن را در تمام جهات... تضمین نماید... و زمینه‌های مساعد رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او" را فراهم سازد.

متاسفانه باید گفت که قوای مجریه و مقننه و قضائیه تاکنون به وظایف انقلابی خود درباره زنان عمل نکرده‌اند. دولت که وظیفه‌دار تسلیم لوایح و طرح های انقلابی در همه زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به مجلس است تا سلطه قوانین طاغوتی را بر جامعه درهم شکند، هنوز هیچ طرح و لایحه‌ای بسود زنان به مجلس نبرده است. درحالیکه از آنجا که زنان در جامعه طاغوتی بیش از مردان آماج ظلم و تعدی و اجحاف بوده‌اند، و در تمام قوانین آن دوران بارقه‌ای از دفاع واقعی از حقوق زنان بچشم نمی خورد، دولتهای پس از انقلاب موظف بوده‌اند که با الهام از رهنمودهای امام خمینی و روح مترقی قانون اساسی، آن قوانین ظالمانه را کنار نهند و لوایحی در مسیر استیفای حقوق زنان به مجلس تسلیم کنند.

قوه مقننه نیز در این زمینه کوتاهی داشته است. مجلس شورای اسلامی، که بگفته حجه‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، "خانه مستضعفان جهان است" و البته قبل از همه باید خانه و مامن مستضعفان میهن ما باشد، معلوم نیست به چه دلیل پیشنهاد لازم و مفید و جالب خانم بهروزی را مبنی بر تشکیل "کمیسیون بررسی مسائل خانواده" ناشنیده گرفته است؟ علاوه بر آنکه کمیسیونهای مختلف مجلس شورای اسلامی، که خود در مواردی مبتکر تدوین طرحهای انقلابی در مسائل گوناگون بوده‌اند، می‌بایست در زمینه تامین حقوق زنان از خود ابتکار و پیشگامی نشان دهند، که نشان نداده‌اند.

باتوجه به قصور توجیه‌ناپذیر دولت و مجلس است که خانم مریم بهروزی می‌گوید:

"... غیر از حضانت، هنوز یک لایحه، یک ماده قانونی برای بالابردن کیان خانواده و بهبود وضع زنان، مجلس تصویب نکرده است".

این واقعیت به غایت تلخ، که نه فقط با زندگی و سرنوشت نیمی از جمعیت کشور، بلکه با کل حیات جامعه پیوند دارد، موجب شده است که از یکسو همان قوانین ظالمانه دوران طاغوت در مسائل خانوادگی مورد استفاده باشد، و از سوی دیگر برخی عناصر و گروه‌های مسئول و غیر مسئول، با سوء تعبیر و تفسیر از احکام اسلام و استناد به "اسلام خیالی"، مقاصد خودرا در متزلزل ساختن موقعیت شغلی و خانوادگی زنان به پیش برند.

خانم بهروزی در ارتباط با این امر، خطاب به زنان کشور، سخنان دلگرم کننده‌ای برزبان می‌آورد و می‌گوید:

"... بکوشید تا جوی را که برای بیرون راندن شما از صحنه ایجاد کرده‌اند خنثی کنید و عمل یک عده از خدا بی‌خبر، که هرجا به منافع شان باشد، اسلام خیالی را ملاک قرار می‌دهند، و هرجا به ضرر نفسانی آنها تمام بشود، از اسلام فرار می‌کنند، شما را ناامید نکند. آیات و احادیث و احکام و قوانین اسلامی همه عادلانه است و بنا بفرموده امام، حقوق زنان از مردان بیشتر است."

کارگزاران "اسلام خیالی" از گفته امام خمینی، که می‌گویند:

"شغل مادری در ردیف شغل انبیاء است"،

به غلط چنین نتیجه می‌گیرند که گویا باید زنان را از ادارات و کارخانه‌ها بیرون ریخت و زنان باید فقط به وظیفه مادری خود بپردازند. با این تلقی نادرست است که "مهدکودک" ها را می‌بندند، تا زنان اجبارا برای نگاهداری از کودکان بی‌سرپرست خود به خانه‌ها بازگردند، و به بهانه پاکسازی و بازسازی زنانی را که مرتکب، هیچ جرم و جنایتی نشده‌اند، خانه‌نشین می‌کنند. و اگر باز هم از این "تصفیه" های ظالمانه، زنان شاغلی جان بدربردند، آنوقت بخشنامه وزارت آموزش و پرورش به سراغ شان میآید که، به "گناه" مادرشدن، باید شغل خودرا از دست بدهند، و یا به گفته وزیر آموزش و پرورش، نصف روزه کار کنند و نصف حقوق دریافت نمایند.

بخشنامه‌های "قمر در عقرب" وزارتخانه‌ها، که خانم مریم بهروزی، به درستی بآن اشاره دارد، هم از نوع بخشنامه‌های وزارت آموزش و پرورش است و هم بخشنامه‌های صادره از سایر وزارتخانه‌ها و ارگانها، که خطاب به زنان است و محتوای آنها نشان می‌دهد که تدوین کنندگان آن فی‌الواقع عاجز از آنند که زنان را بعنوان یک انسان بنگرند، شرم‌آور است که برخی‌ها در زن فقط جنس ماده را می‌بینند، و این نه تنها اهانت به شخصیت زنان، بلکه توهین به مردان نیز هست، زیرا زندگی حیوانات را تداعی می‌کند و نه انسانهای بافرهنگ و متمدنی که باید یکدیگر را بعنوان انسان، همکار و همرزم و یاور بپذیرند. اینگونه برخورد با زنان همان برخورد طاغوتی است، که امام خمینی به روشن‌ترین وجهی آن‌را توضیح می‌دهند:

"اینها می‌خواستند با زن مثل یک شیئی، مثل یک چیز، مثل یک متاع رفتار کنند، ولی اسلام زن را مثل مرد در همه شئون، همانطوریکه مرد در همه شئون دخالت دارد. دخالت می‌دهد."

باید شرایطی فراهم آورد که وعده پرارج امام خمینی تحقق پذیرد و دخالت زنان، همانند مردان، در همه شئون کشور امکان‌پذیر گردد. بازهم در اینباره سخن خواهیم گفت.

سرگذشت رزم و رنج خلق قهرمان فلسطین (۱۲)

امپریالیسم آمریکا، تکیه گاه نوین صهیونیسم

بدنبال تماس‌هایی که میان سردمداران "سازمان صهیونیسم جهانی" و سرمایه‌داران برجسته امریکا (دراواخر دههٔ بیست واوایل دههٔ سی) صورت پذیرفت، شمار اعضای سازمان‌های صهیونیستی امریکا درسال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) به‌چهارصدهزاررسید. صهیونیست‌های امریکا شور وشوق کوچ به‌سرزمین موعودرادردل‌نمی پروراندند بلکه‌بخاطرحفظ وتحکیم منافع امپریالیسم امریکا وبه‌تحریک‌انحصارگران‌امپریالیستی در سودای‌کوچ یهودیان سایر کشورها به فلسطین بودند. آنها، از این رو، فعالیت‌های خود را به پشتیبانی بی‌دریغ انحصارگران امریکائی گسترش دادند وخواست‌های‌نوینی مطرح ساختند. در بهار ۱۳۳۱ (ماه مه ۱۹۴۲) صهیونیست‌های امریکائی، **"برنامه بالتیمور"** را پذیرفتند. این برنامه دربردارنده‌مفاد زیرین‌بود:

الف‌ـ نباید محدودیتی درراه مهاجرت یهودیان به فلسطین دربین باشد.

ب‌ـ سرزمین فلسطین بایدتحت فرمانروایی یک‌دولت‌یهودی‌قرارگیرد.

پ‌ـ بطور رسمی ارتش یهود تشکیل شود.

امپریالیسم امریکا، بویژه پس‌از آنکه انحصارگران‌امریکائی امتیازنفت را ازعربستان سعودی بدست‌آوردندو طرحی برای کشیدن لوله‌های نفت از عربستان به فلسطین آماده‌ساختند، برتلاش خود در پشتیبانی از صهیونیستها افزود. برای‌پیاده‌کردن موفقیت‌آمیز این طرح، شرکتهای‌نفتی آمریکائی پشتیبانی‌استواروسرسختانه خودرا از برپایی دولت یهودی در فلسطین آغازکردند. **درآذرماه ۱۳۲۱ (ماه‌دسامبر ۱۹۴۲) شصت وهشت‌تن ازسناتورهاو۱۸۱تن‌ازاعضای کنگره، که‌دست‌گرم‌ویاری‌بخش شرکت های نفتی‌رابرپشت خوداحساس می‌کردند، طی نامه‌ای به پرزیدنت روزولت، خواستار آن شدندکه** "وطن یهودیان رابدیشان‌بازگرداند." آنها درسال ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) نیزنامه‌دیگری باهمان‌مضمون به‌روزولت نوشتند. ولی از آنجاکه روزولت خواهان برقراری پیوندهای دوستانه باکشورهای عربی بود، ازپاسخگویی و واکنش رسمی در برابر این تقاضا خودداری ورزید.

همگام وهمروند بااستواری‌یافتن هرچه‌بیشتر پیوندهای موجود میان صهیونیست‌ها وانحصارگران‌نفتی امریکایی، درشکل ومحتوای برخورد و سیاست‌رسمی‌امپریالیسم‌امریکا نیز تغییرچشمگیری رخ‌مینمود، تاآنکه سرانجام درآبانماه ۱۳۲۲ (ماه‌نوامبر ۱۹۴۳) چرخشی اساسی در سیاست رسمی امریکا نسبت به خاورمیانه، در سخنرانی **"برکنریج‌لانگ"**، معاون وزارت کشورامریکا، بازتاب یافت. وی گفت:

"فلسطین ازلحاظ سیاسی، برای برای ایالات متحده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و لذا این این دولت نمی‌تواند بیش ازاین‌نسبت به‌این‌مسئله‌بی‌تفاوت‌بماند."

در دیماه ۱۳۲۲ (ژانویه ۱۹۴۴) نیز **"کوردل‌هال"** وزیر کشور امریکا، به سناتور **"مای‌بانک"** چنین‌نوشت:

"این‌وزارت‌خانه از منافع آتی‌ما در فلسطین صراحتا پشتیبانی می‌کند."

بدنبال این تحولات وموضع‌گیری‌ها دراسفندماه ۱۳۲۳ (مارس ۱۹۴۴) پرزیدنت روزولت اعلام داشت که:

" دولت امریکا هرگز نوشته‌های "کتاب‌سفید" ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) بریتانیا راتصویب نکرده‌است."

اوهمچنین دلبستگی خود وملت امریکا رانسبت به‌سرنوشت **"قوم ستم‌ــ دیدهٔ یهود"** ابراز داشت.

روزولت دربهار ۱۳۲۴ (۱۹۴۵)، هنگامیکه از "کنفرانس یالتا" باز می‌گشت، در عرشهٔ رزمناو خود با نمایندگان مصر، عربستان سعودی، سوریه و لبنان دیدار کرد و اعلام‌نمود که‌پیش از گفتگوهای کافی وپیگیر با اعراب ویهودیان، هیچ‌تصمیمی درباره فلسطین نخواهد گرفت وبه نام رئیس جمهوری ایالات‌متحده، دست به هیچ کاری، که‌بتوان آن‌رانسبت به اعراب دشمنانه‌انگاشت، نخواهد زد.

ازسوی دیگر، صهیونیستهابرای بر پا کردن دولت یهودی، در بهار ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) جنگ را از سرگرفتند.

در تابستان ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) کنگرهٔ صهیونیستها در لندن گشایش یافت. کنگره دگر بار خواستار بنیان‌گذاری دولت یهودی در فلسطین و خواست‌هایی ازاین‌دست‌شد. مهاجرت بی‌قید وشرط یهودیان، دادن وام جهانی برای‌رساندن‌یک‌میلیون‌یهودی به‌فلسطین، همکاری بین‌المللی برای انتقال مهاجران‌و...

در این رهگذر، جلب هواداری بورژوازی غول‌آسای صهیونیست در ایالات متحده آمریکا، که‌ازنفوذ سیاسی بسیارگسترده‌ای برخوردار بود، در محافل‌حاکمهٔ امریکا به‌گشایش کارزارهای‌تبلیغاتی وهماوردی پردامنه‌ای به ویژه میان‌احزاب جمهوریخواه‌ودموکرات انجامید شاهد گویای آن‌هم‌انتخابات ریاست‌جمهوری درسال ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) بود. درگسترهٔ رقابت، حزب دمکرات درراه برآوردن خواست‌های بورژوازی صهیو نیست‌وصهیونیسم بین‌المللی، تاآنجا پافرانهاد، که **"برنامه‌بالتیمور"** را در کارپایهٔ رسمی حزب خود منعکس ساخت.

بطورکلی، گرایش روی آوری به سوی صهیونیسم در عرصهٔ سیاست خارجی ایالات‌متحده‌امریکا پس از انتخابات ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) ودرگذشت روزولت بیشتر و بیشتر چهره‌نمایی‌کرد. بانکداران وانحصارگران ایالات‌متحده درتک‌وپوی برپایی دولتی صهیونیستی ـ یهودی‌ازآن‌روبرمی‌آمدند، تا بدان وسیله امتیازات سودآوری بدست‌آورند وبه‌این‌کشور وام‌هایی بابهره‌سنگین بپردازند. بانکداران وانحصارگران امریکا برآن‌بودندکه نخست اسب تروای اقتصاد رابه‌حرکت درآورندوپس ازآن، ازراه سیاست رگ و ریشه‌های دولت صهیونیستی ـ یهودی را به‌پیکر خودپیوندزنند. درواقع، امپریالیسم امریکا سرزمین فلسطین رابه چشم سر پل نفوذ گستری در خاورمیانه ورقابت با بریتانیا دراین‌منطقه می‌دید.

بدینسان، در مردادماه ۱۳۲۴ (ماه‌اوت ۱۹۴۵)، ریاست جمهور جدید امریکا **"هاری‌ترومن"**، طی نامه‌ای از **"کلمنت اتلی"** نخست وزیر انگلیس، خواست که اجازهٔ مهاجرت به ۱۰۰۰۰۰ تن یهودی رابه فلسطین صادرکند. ولی بریتانیا به این دستاویز که "موقعیت در فلسطین‌چنین کاری‌رااجازه‌نمی‌دهد"، تقاضای امریکا را ردکرد، و،فزون بر آن، نیروهای کمکی بیشتری روانهٔ فلسطین‌ساخت. این برخورد بریتانیاخشم صهیونیست‌ها را برانگیخت و در پیامدآن موج تازه‌ای از ویرانگری و ترور سراسر فلسطین رافراپوشاند. صهیونیستها "کتاب‌سفید" را نوشته‌ای بی ارزش اعلام کردند. آنها، که به پیروزی "حزب کارگر" بخاطر مخالفت آن با "کتاب سفید" امید بسیار بسته‌بودند، درآن‌هنگام‌که "حزب‌کارگر" بر سر کار آمد وسیاستی نه‌بگونهٔ دلخواه صهیونیست‌ها‌پیش‌گرفت، توطئه‌وآشوب کاری خودرابه‌اوج‌دیگری رسانیدند.

درمهرماه ۱۳۲۴ (اکتبر ۱۹۴۵) دسته‌های‌مسلح‌صهیونیستی به راه‌آهن‌های فلسطینی یورش بردند ودرروز ۱۱ آبان (دوم نوامبر) روزبیست‌وهشتمین سالگرد انتشار **"اعلامیه بالفور"**، تل‌آویورا به صحنهٔ آشوب آفرینی و فتنه‌انگیزی تبدیل‌کردند، تظاهرات‌براه‌انداختندو قطارهای‌راه‌آهن رامنفجرساختند. در همان‌روز سربازان بریتانیایی دست به کشتار یهودیان درقاهره و دیگرشهرهای مصر زدند. چندروزی نپائید که کشتار هراسناک مردم درشهر "طرابلس باختری" (۱) روی‌داد. این رویداد خونبار، فزون بر صدیهودی بی‌گناه را قربانی گرفت.



کودکان‌فلسطینی از همان آغاز نبرد انقلابی با صهیونیسم بسرکردگی آمریکا رامی‌آموزند

دراین اوضاع‌واحوال، پس از آن‌که‌بریتانیادرخواست "ترومن" رادرباره‌مهاجرت یکصدهزار یهودی نپذیرفت، رفته‌رفته‌شانه‌های ناتوانش سنگینی دستهای توانمند هماوردنوین رااحساس‌میکرد، لذا گامی به‌پس‌نهاد وپیشنهادکرد که **"کمیته‌بریتانیایی‌ـ امریکایی"** برای بررسی‌اوضاع سیاسی، اقتصادی واجتماعی فلسطین و نیز بررسی مسئلهٔ یهودیان اروپاومهاجرت غیراروپائی‌ها به‌فلسطین بر پا شود. امریکا این پیشنهاد را پذیرفت و "کمیته" درآبانماه ۱۳۲۴ (ماه‌نوامبر ۱۹۴۵) آغازبه‌کارکردبدینسان. دو دولت‌امپریالیستی‌سرگرم "گره‌گشائی" مسئلهٔ فلسطین، بمنزله‌مسئله مطروحه بین‌خود، شدند.

در ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ (۳۰ماه آوریل ۱۹۴۶) گزارش **"کمیتهٔ بریتانیایی ـ امریکایی"** در لندن انتشار یافت. هستهٔ اساسی این گزارش پایدار ماندن نظام‌استعماری بریتانیا در فلسطین به هر قیمت و برقراری پایگاه‌های ایالات‌متحده آمریکا درآن‌بود. "کمیته"، مسئلهٔ فلسطین را درحصار تنگ‌ناسازگاری اعراب و یهودیان گنجانید و درباره انگیزهٔ اساسی‌این دشمنی، که‌همانا وجود نظام سرپرستی بریتانیا و شیوهٔ برخورد امپریالیستی بود، خاموشی گزید. در عین حال، درگزارش "کمیته" از جمله آمده بود:

"هرنوع ارزیابی موقعیت های مختلف و مسائل گوناگون‌خاورمیانه، از جمله فلسطین، می‌باید در پرتو خطر آشکار تهاجم شوروی به‌سرزمین‌هائی‌که این‌همه در دسترس زور آزمائی ارتش وی قراردارند ارزیابی‌گردد"!

گزارش "کمیته" بحران‌فلسطین راهرچه‌داغتر ساخت‌و "طرح‌موریسون" نیز تب بحران رافرونشاند. "طرح موریسون"، که‌ازسوی بریتانیا" در پائیز ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) پیشنهاد گردید، براین بنیان استوار بودکه، سراسر فلسطین به چهارمنطقه تقسیم شود: دومنطقه بریتانیایی و دومنطقه خودمختار (عربی ویهودی). این پیشنهاد نه‌مورد‌پذیرش‌عربهاویهودی‌ها قرار گرفت ونه‌امریکائی‌ها.

درماه اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ (ماه‌مه ۱۹۴۶) دولت ایالات‌متحده امریکابرای نشان‌دادن "جنبهٔ‌رسمی وقانونی‌منافع دول عربی‌درفلسطین" نتایج‌بررسی‌های کمیته‌مشترک را، همراه با یک‌یادداشت غیر رسمی برای دولت‌های عرب ونیز بین‌الملل صهیونیسم ارسال داشت.

درآن‌هنگام که امپریالیست‌های بریتانیا و امریکا سرگرم "راه‌جویی" بودند، صهیونیست‌هاهمچنان دست در ویرانگری وآشوب‌کاری داشتند. در یازده تیر ماه ۱۳۲۵ (دوم ماه‌ژوئیه ۱۹۴۶) **"گروه ترور"** هتل "شاه‌داود"، محل‌سکونت کارکنان‌ستاد نیروهای نظامی‌بریتانیا ومدیر کل دوایر استعماری آنرامنفجر ساخت، که‌براثر آن ۹۱ تن از کارمندان اداری کشته‌شدند. این گروه، همچنین در تاریخ ۱۷ و ۱۸ شهریور (هشتم ونهم سپتامبر) راه آهن حیفا ــ قاهره وعکا ــ ترشیحه واقع در شمال فلسطین را در چندجا ویران کرد. در ۶ کیلومتری قدس، راه‌آهن بیت‌المقدس‌ـ لودویران‌شدو قطار این راه مورد یورش قرار گرفت. درآبانماه ۱۳۲۵ (ماه‌نوامبر ۱۹۴۶) صهیونیستها سفارت بریتانیا رادررم منفجر کردند و نیز شخصیت های سیاسی واجتماعی عرب را آماج حمله خود قراردادند.

موج‌ترور و ویرانگری‌صهیونیست‌هاباواکنش‌نیروهای‌نظامی بریتانیاروبروگردید. آنهاشمار بسیاری‌ازصهیونیست‌ها را بازداشت کردند و در محله‌های یهودنشین‌دست‌به جستجوهای‌گسترده‌ای زدند. در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۵ (۱۹ماه‌ژوئیه ۱۹۴۶) نیروهای‌مسلح‌بریتانیامقر **"نمایندگی‌یهود"** دربیت‌المقدس را اشغال وپنج‌تن از رهبرانشان را دستگیر کردند. آن ها ساختمان‌های "هستدروت"، انجمن‌کارگران وکشاورزان، سازمان‌کارگری زنان وبانک رفاه‌کارگران در "تل‌آویو" رامورد بازرسی قرار دادند. در سراسر کشور یهودیان تحت پیگرد وبازجویی قرارگرفتند.

فراسوی مرزهای‌فلسطین نیز صهیونیستها فعالیت‌تب آلودی را دنبال‌میکردند. درمهرماه ۱۳۲۵ (ماه اکتبر ۱۹۴۶) می باید انتخابات کنگرهٔ امریکا برگزار می گردید. صهیونیستها دست به‌کار شدند، زیراکه پشتیبانی رسمی ایالات‌متحده امریکا ازخواست‌های صهیونیست ها دربارهٔ‌فلسطین می‌توانست وثیقهٔ اطمینان‌بخشی باشد برای جلب‌هواداری رای‌دهندگان، رهبران واحزاب پرنفوذ یهود. ازاین نظر، **"ترومن"** دگربار از بریتانیا خواستار اجازهٔ مهاجرت یکصد هزار یهودی به فلسطین گردید. فزون بر آن، وی خاطرنشان‌ساخت که دولت ایالات متحده امریکا هزینهٔ این مهاجرت رابرعهده‌میگیرد. بدینسان، امپریالیسم امریکا برای نخستین بار ازموضعی یورشگرانه وتهاجمی در برابر امپریالیسم بریتانیا قامت برافراشت. ولی درخواست "ترومن" با مخالفت **"بوین"**، وزیر امور خارجه بریتانیا روبرو شد. دراین هنگام امپریالیسم امریکا برگ برندهٔ دیگری راروکرد: ازآنجاکه‌درکنگرهٔ امریکا لایحه‌ای دربارهٔ‌پرداخت یک وام به مبلغ ۳۷۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار به بریتانیا تحت بررسی بود، بیدرنگ اعضای صهیونیست‌کنگرهٔ‌امریکا، بریتانیا را تهدیدکردند که در تصویب لایحه پرداخت‌وام کارشکنی خواهند کرد. این تهدیدبزودی کارگرافتاد ودولت بریتانیا را ناگزیر ساخت، تا از موضع خودپس‌بنشیند وسیاستی‌صهیونیسم‌گرا پیش گیرد.

بریتانیا مسئله‌فلسطین را به سازمان ملل متحد می‌برد

سال‌پررویداد ۲۷ـ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) فرا رسید. بریتانیا دیگر چشم‌اندازی روشن واطمینان‌بخش در فراراه خود نمی‌دید. این کشور از یکسو، دربرابر فشارفزاینده‌وپرتوان امپریالیسم امریکا یارای ایستادگی نداشت. ازسوی دیگر، فلسطین دربستر ناآرامی شعله‌ور بود و بریتانیا نمی‌توانست سرپرستی‌خود را "مانند گذشته‌وبربنیان همان" شیوهٔ دیرینه "براین کشور اعمال کند. از اینرو، درفروردین ماه ۱۳۲۶ (ماه آوریل ۱۹۴۷) بریتانیا بامیدآنکه به یاری امپریالیسم امریکا از فروپاشی شالوده‌های نظام "سرپرستی" بی‌رقیب خود در فلسطین‌جلو گیرد "مسئله" را برای گره‌گشایی به سازمان‌ملل متحد برد.

دربهمن‌ماه ۱۳۲۵ (ماه فوریهٔ ۱۹۴۷)، طی بحث طولانی که در مجلس عوام بریتانیادرگرفت، **"کریچ جونز"**، وزیر مستعمرات بریتانیا، در بیان علل اتخاذ این سیاست، یعنی بردن‌مسئلهٔ فلسطین به سازمان‌ملل متحد، گفت:

"ما مسئله را از آن‌جهت به سازمان ملل‌متحد ارجاع‌نمی‌کنیم که از حق‌سرپرستی خویش‌صرفنظرکرده‌باشیم ... مافقط در نظر داریم که‌ازراهنمایی ها ونصایح‌ملل‌دوست درنحوهٔ‌ادارهٔ فلسطین برخوردارشویم... حتی‌اگر شکل‌کنونی‌سرپرستی نیز مطلوب نظر دوستان مانباشد، ماحاضریم هر شکل دیگرسرپرستی را، که آنان‌بپذیرند، بپذیریم."

ادامه‌دارد

(۱) نام‌منطقهٔ باختری وپایتخت‌لیبی

به نظام پیمانکاری باید پایان داد

وسیله سردمداران رژیم سرنگون شده و مقاطعه‌کاران غارت می‌گردید.

با درنظرگرفتن مجموعه سرمایه‌گذاری انجام شده در ساختمان وماشین الات درهمین دوره پنجساله بوسیله بخش خصوصی وبخش عمومی، که برابر با ۵۳۰۰/۷ میلیارد ریال است روشن میشود که قشر کوچک دلالان مقاطعه کار، ودرراس آنان شاه ودربار، چه میدان بزرگی از چپاول دراختیار داشته‌اند.

بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ماه و فروپاشی رژیم وابسته شاهی، نظام غارتگرانه پیمانکاری هم ضربه‌های کاری خورد، اما متاسفانه ازبین نرفت، هرچند که بسیاری ازگردانندگان فراماسونر، وابسته به ساواک ودرباری شرکتهای پیمانکاری بخارج گریختند (ومتاسفانه با میلیاردها ریال ارز) وافشاگریهای زیادی توسط نیروهای مترقی ومومن به انقلاب درمورد غارتگریها و خیانتهای آنان منتشر شد، امادولت لیبرالی "گام بگام" بنابه ماهیت خود (این دولت خود بطورعمده ازپیمانکاران تشکیل شده بود) نه تنها اصل ۴۹ قانون اساسی را، که درآمدهای نامشروع پیمانکاریها را، همردیف با ربا، سرقت قمار، غصب ورشوه، قابل مصادره میداند اجرانکرد، نه تنها نظام "شاهی" پیمان کاری را از بین نبرد، بلکه تلاشهای فراوانی برای بازسازی آن با شکلی تازه و ظاهرفریب بکاربرد.

جریان این تلاش بارسوخ عناصر لیبرال درنهادها وارگانهای دولتی، حتی بعداز سقوط دولت "گام بگام" ادامه پیداکرد، تاآنجاکه در "آئین‌نامه تشخیص صلاحیت وارجاع کاربه شرکت‌های پیمانکاری وابسته به بخش خصوصی" منتشرشده ازسوی سازمان برنامه وبودجه متاسفانه ماشاهد به بارنشستن این تلاش‌ها هستیم.

بااندک توجهی به "آئین‌نامه" موردنظر، که پس ازتصویب و ابلاغ در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۲۰، اخیرا شروع به اجراشده است، بخوبی روشن می‌شود که تدوین‌کنندگان "آئین‌نامه"، آگاهانه یا ناآگاهانه، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ازجمله اصل ۴۴ قانون اساسی را، که صراحتا می‌گوید: "...بخش خصوصی شامل آن قسمت ازکشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی وتعاونی است" نادیده انگاشته وزمینه مناسبی برای ادامه غارت‌گری بخش خصوصی دراین عرصه مهم فعالیت اقتصادی فراهم آورده‌اند. برای روشن‌ترشدن مسئله به بررسی مواد این "آئین‌نامه" می‌پردازیم:

۱- بند الف ماده ۲ "آئین‌نامه" می‌گوید:

"شرکتهای پیمانکاری ساختمانی یاتاسیساتی یاتجهیزاتی شخصی است حقوقی، که برای انجام عملیات ساختمانی یاتاسیساتی یاتجهیزاتی طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران به صورت **شرکت سهامی خاص** در ایران تاسیس شده وبه‌ثبت رسیده وکلیه سهام آن متعلق به اشخاص حقیقی ایرانی در **بخش خصوصی** باشد". (تکیه‌ازماست)

می‌دانیم که شرکتها براساس قانون تجارت بصورت سهامی، خاص یا عام، بامسئولیت محدود، نسبی، تضامنی، تعاونی و... می‌توانند به‌ثبت برسند. ساده‌ترین نوع شرکت، که درآن انتقال سهام وبسیاری ازفعل وانفعالات قانونی مربوط به‌شرکت، احتیاج به ثبت به طریق رسمی نداردو باصورت مجالس داخلی می‌توان همه نوع تغییری در سهامداران داد، شرکت سهامی خاص است. برشرکتهای دیگر، که سهامی نیستند، مقررات مشخصی جهت نقل و انتقال سهم الشرکه حاکم است که، بر طبق آن، هرنوع تغییری باید رسما بثبت برسدودر روزنامه رسمی کشورو روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی شود. تعویض شرکای این شرکتها نیزتابع مقررات مخصوص و قابل کنترل است. حال چرا فقط شرکت سهامی خاص مشمول تشخیص صلاحیت می‌شود، خود قابل بحث است.

بنظر می‌رسد، درشرایطی که برنامه دولت جمهوری اسلامی ایران کنترل هر چه بیشتر بخش خصوصی است، انتخاب نوعی شرکت، که کمترین کنترل می‌تواند روی آن اعمال شود، نقض غرض است.

۲- بند ب ماده ۲ آئین نامه می‌گوید:

"گروه شرکتهای پیمانکاری شخصی است حقوقی، که ازهمکاری یامشارکت دو یاچند شرکت برای اجرای عملیات مربوط به **طرحهای بزرگ**، بوجود بیاید..." (تکیه‌ازماست)

موارد مطروحه دراین بند بدین معنی است که، اگر مثلا پروژه‌ای برای ساختمان یک شهرک باید اجرا شود، که کار ابنیه آنرا یک شرکت در رشته ابنیه، کارتاسیسات آنرا یک شرکت تاسیساتی، کاربرق آنرا یک شرکت بارشته تخصصی برق و کار محوطه وشهرسازی آن را یک شرکت بارشته تخصصی راه‌سازی و زیربنائی (سویل) بتواند انجام دهد، مجموعه آنرا می‌توان به گروه شرکت های پیمانکاری، که مرکب ازچهارشرکت فوق باشد، واگذار کرد.

بحث بیشتر در این مورد را در قسمت مربوط به محدوده مبلغ کار های واگذاری به شرکتهای بخش خصوصی، براساس این آئین‌نامه، دنبال خواهیم کردوروشن خواهیم ساخت که، اگرچنین گروهی ازشرکتهای بخش خصوصی تشکیل شودوشرایطی راتحصیل نماید، آئین‌نامه بآن اجازه خواهدداد که، تا مبلغ چهارده میلیارد وهفتادوشش میلیون ریال (۱۴۰۷۶۰۰۰۰۰۰) یکجا بادولت قرارداد ببندد. منظوراز طرحهای بزرگ چنین طرحهائی است. لازمست یادآوری کنیم که شرکتهای بخش خصوصی دردوران "آریامهری" نیزبسیاربندرت موفق به عقد چنین قراردادهائی می‌شدند. در نتیجه این نمی‌تواندآن بخش خصوصی باشدکه "... **مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی وتعاونی است.**"

۳- درماده ۷ آئین‌نامه از تعیین گروه ورتبه شرکتهای پیمانکاری سخن میرود طبق قسمت الف این ماده، شرکت‌های پیمانکاری مناسب برای اجرای پروژه‌های کوچک ومتوسط رتبه‌بندی میشوند. بنظرما، درشرایط فعلی که دولت سازمانهای لازم رابرای طرح‌واجرای کار‌های عمرانی بوجودنیاورده است، بخش خصوصی می‌تواند دراین محدوده بطورموقت فعال باشدونقش "مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی..." را ایفاکند، تاسازمانهای لازم درمملکت برای انجام این مهم بوجود آیند. بدیهی است که ضوابط لازم برای ترکیب و نحوه کاراین شرکتها، باآنچه در این "آئین‌نامه" ذکر شده است، تفاوت ماهوی داردوباید درآن تجدیدنظر شود، که فعلا مورد بحث مانیست.

طبق قسمت ب این ماده، شرکت‌های پیمانکاری مناسب برای پروژه‌های بزرگ رتبه‌بندی می‌شوند. جداولی که درتکمیل تبصره ۱ قسمت ۴ این بند، ضمیمه "آئین‌نامه" هستند، اطلاعات لازم رادرمورد مشخصات شرکتهائی که می‌توانند طرحهای بزرگ رااجرانمایند، بمامی دهند. اینک بعنوان مثال، فرم شماره ۱۰۷، مربوط به گروه ۷ بارشته‌ تخصصی ابنیه رادرنظرمی‌گیریم و در موردرتبه ۵ این گروه صحبت می‌کنیم.

شرکتی که مشمول رتبه ۵ ازگروه ۷ رشته ابنیه می‌گردد، براساس جدول مزبورباید حداقل ۵۴۸۱ امتیاز داشته باشد، که این امتیازها مربوط به وضع شرکت وتعدادومشخصات وسوابق و میزان سهم شرکاء آنست. شرکاء این شرکت باید ۱۲ نفر بشرح مندرج در جدول باشند. ملاک امتیاز افراد، فقط بامدارک تحصیلی، وتجربه‌اشخاص، تنها با مدت فارغ التحصیلی آنها، سنجیده می‌شودوتجارب کارهائی که انجام داده‌اند، اصولا دخالتی درامتیاز ندارد، که بنظرما این مدرک‌گرائی مطلق وناصحیحی است.

(بقیه ازصفحه ۱)

اعضاء هیئت مدیره باید پنج نفر باشند، که براساس بند "ز" ازماده ۳ آئین‌نامه "ازمیان سهامدارانی که تجربه وتحصیلات بالاتری نسبت به سایرسهامداران دارند"، انتخاب خواهند شد، که البته منظوراز تحصیلات مدارک تحصیلی، وملاک تجربه مدتی است که از دریافت مدرک تحصیلی می‌گذرد. حداقل سرمایه هشت میلیون ریال است، که پس ازتاسیس دفتر ومخارج ثبت وغیره، شرکت مزبورباوجه باقیمانده فقط قادر خواهدبود حدود یک کامیون کمپرسی خریداری نماید و با این "تجهیزات!" دولت مجاز خواهدبود با این شرکت، که حدطرح مناسب آن طبق جدول مربوطه سه میلیارد ریال است، بشرح زیرین قرارداد امضاء نمایدواجرای آنرا انتظارداشته باشد:

براساس پاراگراف دوم ماده ۱۷ آئین‌نامه مزبور، دستگاه‌های اجرائی می‌توانند تا ۱۲۰ درصد حد طرح‌مناسب تعداداین حدرابالاببرندواین حدبسته به‌اینکه درچه‌استانی به‌ثبت رسیده‌ودر چه‌استانی کارمی‌کند، ضربدرضریبی بنام "ضریب استانی" می‌شود. براساس مفادبند "د" ازماده ۱۷ آئین‌نامه مورد بحث اگرشرکتی دراستانهای سیستان و بلوچستان، بوشهر، هرمزگان و ایلام ثبت شده ومحل کارموردنظر او نیز همان استان باشد، ضریب استان ۱/۷۰ خواهد بود، که این عدد البته حداکثرضریب است. حداقل آن ۰/۸۵ برای استان تهران تعیین شده وضریب استان دربقیه‌ مناطق حداقل ۱/۰۵ وحداکثر ۱/۵۰ است.

حال شرکت فوق با داشتن تجهیزاتی (!) درحدود یک کمپرسی و با ۱۲۰ درصدی که می‌توان حدطرح‌مناسب آن، یعنی سه میلیارد ریال، رابالا برد، اگر در یکی از استانهای سیستان و بلوچستان، بوشهر، هرمزگان وایلام ثبت شده و درهمان استان بکار مشغول شود، می‌تواند یکجا قراردادی به مبلغ $3\,000\,000\,000 \times 1/20 \times 1/70 =$ ۶۱۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بادولت امضاء کندوباپولی که دراختیاراوگذاشته می‌شود، باخوشی و خرمی وبه مبارکی و میمنت سرمایه‌دار شود!

علاوه‌براین، براساس بندهای مختلف ماده ۱۷، یک شرکت نمی‌تواند درعین‌حال بیش ازدوکار در دست اجرا داشته باشد، مگرآنکه در سال‌های ۶۰ و ۶۱ حدود ۵۰ درصدودرسالهای بعد ۸۵ درصد کاراول خودرابه انجام رسانده باشد، که دراین صورت دولت اورا بکار مجدد دعوت خواهدکرد. بنابراین، با اغماضی که بعدها می‌تواند صورت گیرد، شرکتی باسرمایه اولیه هشت میلیون ریال، همیشه می‌تواند بین هشت تا ده میلیارد ریال کار در دست اجراداشته باشد! چنین است نتیجه تاثیرلیبرالها در دستگاه اجرائی دولت جمهوری اسلامی ایران!

پیش ازاین گفتیم که دولت بر اساس این آئین‌نامه می‌تواند بایک گروه پیمانکاری بیش ازچهارده میلیارد ریال قرارداد ببندد. اینک که با ضرایب استانها واختیار دستگاههای اجرائی درمورد بالابردن حد طرح مناسب پیمانکاران بمیزان بیست درصد آشنا شده‌ایم، به‌جدول زیرین توجه کنید:

نوع پروژه ـ ساختمان شهرک
پیمانکار ـ گروه شرکت‌های پیمانکاری مرکب ازشرکت‌ها با مشخصات زیرین
مبلغ پروژه ـ چهارده میلیارد وهفتاد وشش میلیون ریال

نوع کار	رشته، گروه ورتبه شرکت پیمانکار	حداکثر طرح مناسب به‌میلیون ریال براساس آئین‌نامه	ضریب استان	حداکثر مبلغ قرارداد به میلیون ریال
کارهای ساختمانی	ابنیه، گروه ۷، رتبه ۵	۳۰۰۰ ×۱/۲۰	۱/۷۰	۶۱۲۰
کارهای محوطه‌سازی	سیویل، گروه ۶، رتبه ۵	۱۵۰۰ ×۱/۲۰	۱/۷۰	۳۰۶۰
کارهای تاسیساتی	تاسیسات، گروه ۴، رتبه ۵	۱۲۰۰ ×۱/۲۰	۱/۷۰	۲۴۴۸
کارهای برقی	برق، گروه ۴، رتبه ۵	۱۲۰۰ ×۱/۲۰	۱/۷۰	۲۴۴۸
				جمع کل: ۱۴۰۷۶

لذا گروه شرکتهای پیمانکاری مرکب ازشرکتهای فوق، که حتما در باطن بهم وابسته‌اندوازطریق یک یا چند سرمایه‌دار تغذیه خواهندگردید، امکان می‌یابند که باعقد چنین قراردادی به‌مبلغ بیش ازچهارده میلیارد ریال، روی اقتصادوسازمانهای دولتی منطقه اثرگذارند. وبانفوذ بعدی قرارداد‌های مشابه نیزمنعقد کنندوبدینسان نتایج فوق العاده زیان‌باری برای انقلاب شکوهمند ماببارآورند.

بطوریکه ملاحظه می‌شود تصویب وتدوین این آئین‌نامه فقط می‌تواند بدون توجه به مصالح انقلاب صورت گرفته باشد، هرچند عاملین آن نهایت حسن‌نیت رانیزداشته‌باشند.

تا اینجا بحث بر سرآن بود که همه‌چیز براساس آئین‌نامه ومقررات انجام‌پذیرد. ولی تجربه نشان داده است که وقتی بخش خصوصی و نظام سرمایه‌داری، آنهم با این مقیاس، پا بگیرد، باحرص شتابنده‌ای که دارد، همه‌چیز رابراساس تامین منافع خود تغییر جهت خواهدداد. ازجمله آنکه، مثلا درشرکتهای پیمانکاری یا گروه آنها، چون ترکیب شرکاء همگون نیست این شرکتها جنبه صوری وظاهری پیدا خواهندکرد، مدارک تحصیلی، جهت ثبت بعنوان شریک، خرید و فروش خواهند شدوفقط اسم بعضی ازشرکاء در شرکت خواهدبودنه خودآنها. و چون درشرکت سهامی خاص، که تنها شرکت موردقبول آئین‌نامه است، انتقال سهام باصورت مجلس‌های داخلی صورت می‌گیرد، فقط در مواقع رتبه‌بندی با خرج مختصری می‌توانندبا ضوابط منطبق شوندوپس ازتامین نظراتشان، شرکت مجددا مطابق دلخواه شرکاء اصلی و واقعی تغییرمی‌یابد، وباتوجه به‌اینکه اصولا دولت نمی‌تواند این تغییرات راکنترل کند. بدیهی است‌که بقیه‌افراد، که شرکاء صوری وظاهری هستند، نیزبیکار نخواهندنشست و با معامله وزدو بند باشرکتهای مختلف، روابط ناسالم ونامشروعی را از طریق واسطه‌گری بین صاحبان اصلی این شرکت‌ها پی خواهندریخت، که خودموجب گسترش فساد جدیدی درجامعه خواهد شد.

ازطرف دیگر، اگردولت موفق شود که باکنترل کامل حلوی این معاملات رابگیرد، چون تامین کافی برای سرمایه‌گذاران وافراداصلی موجود نخواهد بود، این شرکتها یاتاسیس نخواهندشد ویاپس ازتاسیس موفق به‌ادامه کار نخواهندگردید. وچون تنظیم کنندگان این آئین‌نامه، که احیانا مجری آن نیز هستند، مایل به‌شکست این طرح نیستند لذا مسلماکنترل کاملی در اجرای آن معمول نخواهندداشت.

درمورد اجرای پروژه‌های بزرگ مندرج در بندب ماده ۲ آئین نامه، ما عقیده‌داریم که تکیه‌بربخش خصوصی درطرح‌واجرای پروژه‌های عمرانی نمی‌تواندجزفسادوگرفتاری ونرسیدن به مقصودنتیجه‌ای داشته‌باشد. طرح و اجرای پروژه‌های کلیدی وسراسری، که مربوط به زیربنای اقتصادورفاه جامعه باشد، بدون توجه به‌بزرگی وکوچکی آن، وهمچنین هرنوع پروژه بزرگ دیگرباید بلافاصله ملی شود و دولت با تاسیس سازمانهای اجرائی دولتی، طرح و اجرای آنها رابعهده بگیرد. جز این، هیچ‌راه سالم دیگری وجودندارد، و هر پروژه بزرگی که ازاین‌پس بعهده بخش خصوصی گذاشته‌شود، ضربه خودرا به اقتصادوجمهوری نوپای ماخواهد زد و سالهادولت را درقیدوبندگرفتاری‌های برخاسته از آن اسیرخواهدنمود.

بعقیده‌ما، اینک آن زمان فرا رسیده است که ازمهندسین ومتخصصین متعهدبه‌انقلاب، صرفنظر از عقاید سیاسی ومسلکی ومذهبی، چه‌از بخش دولتی وچه ازبخش خصوصی استفاده کرد وسازمانهای دولتی لازم را برای دردست‌گرفتن طرح‌واجرای پروژه‌ های عمرانی، براساس برنامه‌ریزی علمی، پی‌ریخت.

دولت می‌تواند بخش خصوصی را درطرح‌واجرای کارهای کوچک‌ومتوسط مربوط به مناطق کشور، که کلیدی و سراسری نباشند، درقسمتی که خود فعلا قادر به اجرای آنها نیست، بکار گیرد. ولی بدیهی است‌که دولت باید امکانات‌خود رابرای طرح واجرای کار‌های کوچک‌ومتوسط منطقه‌ای نیز توسعه دهدوبتدریج طرح‌واجرای این قسمت از کارهای عمرانی رانیزملی کند. تا تحقق این امر، بخش‌خصوصی به‌عنوان "مکمل فعالیت های اقتصادی و دولتی..." اجرای این امر رابعهده خواهدگرفت.

نکته‌بسیارمهم دیگری که‌باید در ارتباط بامسئله پیمانکاری مطرح کرد سرنوشت تعدادکثیرکارگران وکارمندانی است‌که‌در رشته ساختمان فعالیت‌دارند مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵، تعدادمزد وحقوق‌بگیران رشته‌ساختمان به بیش‌از یک‌میلیون‌نفرمی‌رسید، که‌محروم از هرگونه‌تامین‌احتماعی بودندوبه شدید‌ترین نحوبوسیله پیمانکاران استثمار می‌شدند. باادامه نظام پیمانکاری، به نحوی که در "آئین‌نامه" پیش‌بینی‌شده عملا سرنوشت یکی‌ازمحروم‌ترین‌قشر‌های‌زحمتکشان، مانندگذشته، دردست مشتی‌غارتگرحریص باقی‌خواهدماند. دولت‌باکوتاه‌کردن‌دست‌پیمانکاران از طرحهای‌عمرانی‌وسپردن‌آن به‌دستگاه اجرائی خود، بخش عظیمی‌ازاین زحمتکشان را نیز از لحاظ تامین کار مستقیما زیرپوشش حمایت‌خود قرار خواهد داد.

بقیه‌درصفحه ۱۰

اصلاحات...

بقیه از صفحه ۶

بخشها از آن برخوردارند، استفاده می‌کنند: بازنشستگی در ۶۰ سالگی، ۱۸۰ ماه مرخصی زایمان و غیره...

بطورکلی درآمد زحمتکشان بخش کشاورزی با درآمد متوسط در صنایع برابری می‌کند و زحمتکشان این بخش و خانواده هایشان از همان مزایای اجتماعی برخوردارند. این مزایای اجتماعی عبارتند از: مدد معاش خانوادگی، حق اولاد، پرداخت وام بدون بهره ۸ ساله به زوجهای جوان، پرداخت وام جهت ساختن خانه یا عضویت در تعاونی‌های مسکن (بهرهٔ این وامها به نسبت درآمد متقاضی تعیین میشود و بین صفر درصد تا ۴ درصد است).

کرایه خانه‌های قدیمی در سطح ۱۹۳۸ ثابت نگهداشته شده و اجاره خانه‌های نوساز بسیار نازل است. ضمنا خانواده‌هائی که بیش از ۳ فرزند دارند، از تسهیلاتی در مورد مسکن برخوردار می‌شوند.

در مورد قیمت مواد غذائی اساسی، سوخت، برق و پوشاک کودکان نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شده است. خانواده‌های روستائی از اکثر لوازم خانگی مدرن برخوردارند. در سال ۱۹۷۴، از هر ۱۰۰ خانواده، ۷۷ خانواده دارای تلویزیون، ۷۵ خانواده دارای یخچال و ۶۶ خانواده دارای ماشین لباسشوئی بودند.

زحمتکشان بخش کشاورزی، مانند کلیه شهروندان آلمان دمکراتیک، از بهداشت رایگان بهره‌مند هستند و بیمه‌های درمانی، در صورت بروز بیماری یا تصادف، کلیه هزینه‌های درمان را به عهده می‌گیرد. از نظر بازنشستگی نیز شرایط در کلیه فعالیت‌ها یکسان است.

در روستاهای کشور بیش از ۶۰۰۰ خانه فرهنگ، ۷۰۰ کلوپ جوانان و همچنین مراکز فرهنگی، هنری، سینما و تئاتر وجود دارد. کنسرتهای موسیقی، کنفرانسها و شبهای ادبی در روستاها برگزار می‌شود.

از نظر تربیت بدنی و ورزش نیز پیشرفت های چشمگیری حاصل گشته و تاسیسات ورزشی در بسیاری از روستاها بوسیله مقامات محلی و تعاونی‌ها ایجاد شده است.

* * *

طی مدت کوتاهی، زندگی در روستاهای جمهوری دمکراتیک آلمان عمیقا دگرگون شده و تفاوت میان شرایط زندگی در شهر و روستا بتدریج از میان می‌رود. دهقانان اعم از اعضای تعاونیها و کارگران کشاورزی، بطور وسیع در کلیهٔ سطوح در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت دارند. بیش از ۱۰۰ هزار دهقان (زن و مرد) عضو کمیته‌های مدیریت تعاونی‌های تولید هستند و حدود ۲۰۰ هزار نفر از آنها در کمیسیون‌های مختلف و گروه‌های کار تعاونی‌ها شرکت دارند.

کنگره دهقانان هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود و نمایندگان منتخب مجامع عمومی تعاونی‌ها و گردهم‌آئی دهقانان هر بخش در آن شرکت می‌کنند.

در "مجلس خلق" (پارلمان)، ۱۲ درصد نمایندگان دهقانان هستند. در شوراهای محلی این نسبت به ۲۴% می‌رسد.

دستاوردهای کشاورزی جمهوری دمکراتیک آلمان چشمگیرند و پیشرفت ادامه دارد. همه تلاشها بوسیله انسان و برای انسان صورت می‌گیرد.

پایان

پیمانکاری...

بقیه از صفحه ۹

درکنار این سازمان‌های اجرائی، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های کار مربوط به صاحبان تخصصهای مختلف ساختمانی در هر منطقه می‌توانند بهترین ضامن اجرای کارهای عمرانی باشند و با همکاری دولت به تثبیت قیمتها و آباد کردن مناطق خود کمک لازم را بنمایند.

احیاء نظام پیمانکاری، بهر شکل و صورتی، بمعنای احیای غارتگریها ی گذشته خواهد بود، که شایسته جمهوری اسلامی ایران نیست.

متحدان بنی صدر ـ سرمایه داری لیبرال ایران (قسمت آخر)

بنی صدر فرار کرد

بقایای خط او باقی است...

"...نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا، این تفاله‌هائی که قالب زدند خودشان را... غفلت کردیم، الان هم هستند..." (از بیانات امام خمینی در دیدار با خانواده‌های شهدای فاجعه بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی ـ ۶۰/۴/۱۳)

مردم مبارز و دلیر ایران به رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مدتهاست که با پایمردی بسیار در برابر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ایستاده و بسیاری از آنها را خنثی کرده‌اند. انقلاب شکوهمند ماطبس و نوژه را پشت سر گذاشته، دولت موقت لیبرالها را از عرصه سیاست کشور بیرون رانده و ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور مائوئیست مسلمان نما را، بصورت امپریالیسم جهانی تف کرده است. آری، اینها همه رفته‌اند، اما، خطر اینجاست که خط مسخ و شکست انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ما، بطور کامل از میان نرفته و بنی صدرهای دیگر، با چهره‌های دیگر، هنوز هستند و هنوز هم خطرشان باقیست.

تفاله‌های آمریکا در جریان پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران تا امروز، خود را اینجا و آنجا جا کردند، تا هرگاه ارباب صلاح دید، پای بمیدان گذارند و نقشه‌های شوم خود را در جهت وابستگی مجدد ایران به دنیای امپریالیستی و نقش بر آب کردن آرزوهای مقدس استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران، به اجرا گذارند. این تفاله‌ها چهره‌های متفاوت و عملکردهای گوناگون داشته و دارند، اما خط شان معلوم است، چون دیگر بر مردم ما روشن است که:

"...خط این بود که اصلا آمریکا منسی بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند، تا آمریکا منسی بشود..." (از بیانات امام خمینی در دیدار با خانواده‌های شهدای فاجعه بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی ـ ۶۰/۴/۱۳)

واین خط، اگرچه زیرپوشش های مختلف، اما همواره بدینسان، در جهت منسی کردن آمریکا، تراشیدن دشمن موهوم برای انقلاب اسلامی ایران و به انزوا کشانیدن رستاخیز خلقهای ما، کوشیده و می‌کوشد.

در شماره‌های گذشتهٔ "اتحاد مردم" "کارنامه بنی صدر و متحدان اصلی او را بررسی کردیم و برخی از متحدان دیگر او را، مانند "پیکار"، در آینده معرفی خواهیم کرد.

امروز بنی صدری نیست، اما کافیست تا تاکتیک و استراتژی جبههٔ متحد ضد انقلاب را بشناسیم و بشناسانیم تا همواره خط آمریکا، در هر جا که باشد، زیر هر پوششی، تحت هر عنوان و با هر لباسی، خود را بشناساند.

همانطور که بررسی کارنامه جبههٔ متحد ضد انقلاب نشان داد، در کارنامه بنی صدر و متحدان لیبرال و مائوئیست او، محور اصلی فعالیت دشمنان انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، از آغاز تا امروز، و از امروز تا هر آن گاه که ضد انقلاب بطور قطع ریشه کن نشده کوشش در جهت منسی کردن آمریکا و خارج کرد این اهرجنایتکار بی آبرو از زیر ضربه خشم مردم ما، بود و هست و خواهد بود.

تا بنی صدر بود، می‌گفت:

"...هشیاری شگرف مردم ما در این بود که تن به تحریک ها ندادند و کینه نسبت به آمریکا را به دل خود راه ندادند..." (انقلاب اسلامی ـ ۶ آذر ۵۸)

تا بنی صدر بود، تاکید می‌کرد که:

"...ما علاقه‌ای به قطع رابطه با آمریکا نداریم..." (کیهان ـ ۲۹ آبان ۵۸)

و تا لیبرالها بر سر کار بودند، به صراحت می‌گفتند:

"...ما رابطهٔ دوستانه ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم روابط دوستانه‌مان را با ایالات متحده ...حفظ نمائیم..." (از مصاحبه مهندس بازرگان با نیوزویک ـ ۳ اسفند ۵۷)

لیبرالها وانمود می‌کردند که:

"...هیچ خطری از نظر مداخلهٔ نظامی آمریکا ما را تهدید نمی‌کند...": (دکتر یزدی ـ اول خرداد ۵۸)

و "رنجبر" چینی ـ آمریکائی با تعجب سئوال می‌کرد:

"...چرا امروز عده‌ای نسبت به آنچه بوی آمریکا می‌دهد، سخت حساس‌اند؟ ...چرا به فلان یا بهمان حمله آمریکائی توجه دارند..." (رنجبر ـ شماره ۱۳۱)

و همین ها بعد هم با وقاحت مسئلهٔ طرح آمریکا بعنوان دشمن شماره یک را زیر علامت سئوال قرار دادند و نوشتند:

"...می‌گویند امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک خلقهای جهان است. می‌پرسیم که دشمن شمارهٔ یک خلق افغانستان کیست؟ آمریکاست؟ ...کامبوج چه؟ آمریکاست؟ آمریکا بر سر خلق اریتره بمب می‌ریزد؟..." ("رنجبر" ـ شماره ۱۲۵)

و آخر سر هم رک و راست که، شعار: "...آمریکا دشمن شماره یک خلق‌های جهان را، شما درست کردید؟ (خطاب به نیروهای خط امام) شما باب دهان کردید یا مسکو و اعوان و انصارش این را در حال حاضر در شیپور خود می‌دمند..." (همانجا)

دیگر از صدای اویسی و بختیار و بقیه صداهای ضد انقلابی نمی‌گوئیم، زیرا که داستان نوکرصفتی اینان را حاجتی به بیان نیست. اما بهرحال، آیا غیر از این است که بنی صدر و متحدان لیبرال و مائوئیستش همه در یک جهت کوشیده‌اند و می‌کوشند، و آنهم منسی کردن آمریکاست، و اتصال مجدد ایران به مرکز امپریالیسم جهانی، به آمریکاست؟ و آیا غیر از این است که اینان همگی، چه آن یکی زیر پرچم "چپ "آمریکائی و چه این دیگری زیر علم ملی گرائی، هر دو بر یک آرزوی از دست رفته، آرزوی حکومت مستکبران بر میهن ما، اشک می‌ریزند و همگی در یک سو گام بر میدارند سوی وابستگی به آمریکا؟ و باز آیا غیر از این است که این عمل را موذیانه و ریاکارانه، همه آنها با تحریف آشکار شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" انجام می‌دهند؟

"رنجبر" چینی ـ آمریکائی می‌گوید:

"...امروز در ایران دو خط ضد امپریالیستی وجود دارد، اول خط واقعا ضد امپریالیستی است، خط نه شرقی، نه غربی، خطی که می‌گوید مرگ بر شوروی و آمریکا..." (رنجبر ـ شمارهٔ ۱۴۰)

و بنی صدر خائن فراری تکرار می‌کند:

"...اسلام و کشور را نگه‌داریم، بنحوی که نه روس بر ما حکومت کند و نه آمریکا..." (۱۳ آذر ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

و نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال ایران نیز همین را می‌گویند:

"...پس از سرنگونی شاه و پیروزی انقلاب، بلافاصله دو ابرقدرت برای ایجاد جنگ داخلی... منتهای تلاش خود را نموده‌اند..." (۸ آذر ۵۹ ـ میزان)

و البته صدای اویسی و بختیار هم که جای خود را دارد. اما مسئلهٔ اصلی اینجاست که:

آیا "رنجبر" "ضد آمریکائی است؟ بنی صدر آمریکا و متحدانش را دشمن می‌دارد؟ لیبرالهای ایران، که رسما گفته‌اند خود را با آمریکا در جنگ نمی‌دانند و مایلند روابط دوستانه‌شان را با "ایالات متحده" حفظ کنند، ضد آمریکائی هستند؟ بختیار و اویسی چطور؟ آیا نمی‌شود خط مشترک اینان را، که دلبستگی به آمریکا، که وابستگی به حکومت جهانی سرمایه است، در همه جا یافت؟ و آیا نمی‌شود نتیجه‌گیری کرد که: شعار "نه شرقی، نه غربی "به زبان اینها، بطور مشخص القاء کننده مفهوم "نه شرقی، اما صد در صد غربی، صد در صد سازش با آمریکا و وابسته به سرمایه‌داری جهانی بودن است؟ و آیا نمی‌توان دید که تمام کسانی که تا امروز، به عنوان تفاله‌های آمریکائی، افشا شده‌اند همگی شوروی را مطرح می‌کردند تا آمریکا را منسی کنند؟ و آیا اینان همگی آمریکائی، یا در خط سازش با آمریکا نبودند؟ و آیا تشخیص این خط و شناخت تفاله های آمریکائی، "...این تفاله‌هائی که قالب زدند خودشان را ... الان هم هستند..." (از سخنان امام خمینی ـ ۱۳ تیرماه ۶۰) هنوز هم باید کار دشواری باشد؟!

اما از این محور اصلی خط آمریکا در ایران که بگذریم، شناخت سایر وجوه این خط نیز دشوار نیست. چهره های متفاوت بوده و هست، اما جان کلام یکی است.

بنی صدر از "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" دم می‌زند:

"...اینها (شوروی و کمونیست‌ها) در سه نوبت انقلابهای ما را به نابودی کشاندند... و حالا هم به جان این انقلاب افتاده‌اند..." (انقلاب اسلامی ـ ۲۵ بهمن ۵۹)

ریگان رئیس جمهور آمریکا میگوید:

"...خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد..." (۲۶ دی ۵۹ ـ ایران تایمز)

"رنجبر" چینی ـ آمریکائی می‌نویسد:

"...خطر حزب توده که اهداف معینی را در خدمت به ابرقدرت روس دنبال می‌کند، بتدریج در... نیروهای حاکم... القاء شده و از طرف آنها حذب و اعمال می‌گردد..." (۴ دی ۵۹)

مجله اکسپرس، ارگان انحصارات امپریالیستی فرانسه، می‌گوید:

"...کمونیستها فقط زیر عبای خمینی می‌توانستند تا این درجه به مقاصد شان نزدیک شوند..." (آبان ۵۸)

ارگان سرمایه‌داری لیبرال ایران می‌نویسد:

"...آیا بندهای دام شیطان شرق را... ندیده و خطر استیلای آن را با تمام وجود حس نمی‌کنیم..." (۱۸ آذر ۵۹ ـ میزان)

و برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور سابق آمریکا، می‌گوید:

"...ایران یک همسایهٔ شمالی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است..." (اطلاعات ـ ۸ دیماه ۵۹)

و خلاصه این ساز را می‌دمند و می‌دمند.

آمریکا می‌دمد: سرمایه داری لیبرال ایران می‌دمد.

آمریکا می‌دمد: گروهک چینی ـ آمریکائی "رنجبران" می‌دمد.

آمریکا می‌دمد: بنی صدر می‌دمد.

آمریکا می‌دمد: بختیار می‌دمد.

آمریکا می‌دمد: اویسی می‌دمد...

و تمامی دشمنان خلق‌های ما می‌دمند و با پوششهای مختلف هم. و همه برای یک هدف: خارج کردن آمریکا از زیر ضربه و جانشین کردن دشمن موهومی بنام "شوروی و کمونیسم" بجای آن!

و جالب اینست که تمامی این آمریکا پرستان ضد کمونیست، "آزادی‌خواه!" هم هستند (به کارنامه بنی صدر و "دولت لیبرال" و "رنجبران" در شماره‌های ۹۰ به بعد "اتحاد مردم" رجوع کنید) و البته طرفدار آزادی مالکیت، و به زبان دیگر، آزادی غارت!

بنی صدر با ملی کردن بازرگانی خارجی مخالف است. "رنجبر" هم. سرمایه‌داری لیبرال هم. مسلمان نماها هم (زیر پوشش "تقدس مالکیت") و آمریکا هم.

بنی صدر با اصلاحات ارضی مخالف است. "رنجبر" هم، سرمایه داری لیبرال ایران هم. مسلمان نماها هم (زیر پوشش "خلاف شرع بودن") و آمریکا هم.

بنی صدر با نیروهای صدیق پیرو خط امام مخالف است. "رنجبر" هم. سرمایه‌داری لیبرال هم. مسلمان نماها هم. (از آن مفتی عربستان گرفته، که علیه رهبر انقلاب ما بدلیل "غیر اسلامی بودن" فتوی می‌دهد، تا آنها که شهید بهشتی را بخاطر مشارکت در امر تهیه برنامه اصلاحات ارضی "تکفیر" می‌کنند) و آمریکا هم. آنهم نه در حرف، بلکه بویژه در عمل. مگر نه اینکه بارزترین چهره‌های پیرو خط امام همواره در معرض تهدید و ترور بوده‌اند و روزی نیست که خون یکی از آنها بر زمین نریزد و صفحه‌ای بر جنایات آمریکا و عمال آن نیفزاید؟

و خلاصه آنکه، مگر نه اینکه تمامی این آمریکا پرستان ضد کمونیست، سرمایه‌خواه و ضد خط امام، زیر هر پوششی که باشند، در جهت مسخ و در نهایت شکست انقلاب شکوهمند مردم ایران عمل می‌کنند؟

آیا در میان اینها "مسلمان‌های دو آتشه" کم پیدا می‌شود؟ آیا اینان همگی از "میهن" و "ملت" و "آزادی" دم نمی‌زنند؟ ولذا آیا رواست که این خط پر رنگ را، هرجا که هست، تشخیص ندهیم و در حقیقت با این کارمان به موریانه ها اجازه بدهیم که نهال رشد یابنده انقلاب‌مان را با سنگدلی بجوند و بجوند؟

و اگر جوابمان منفی است، حق نیست که خط انقلابی و ضد انقلابی را با معیار واقعی، که برای مردم بودن و با مردم بودن است، بسنجیم و به این ترتیب ضد انقلابیون را، چه مسلمان نماهائی که جای مهر بر پیشانی دارند و با تظاهر به اسلام جلو اصلاحات بنیادی در جامعه را گرفته‌اند و می‌گیرند، و چه ملی گرایانی که "ملت" از دهانشان نمی‌افتد، اما چشم‌شان به دست آمریکاست، که در ازاء این "ملی گرائی"، چه بهائی به آنها بپردازد ...از گزند رسانیدن به انقلاب بازداریم؟

آری، خط آمریکا و آنها که می‌خواهند آمریکا را منسی کنند و آنها که تفاله‌های آمریکا هستند، روشن است. ولی آغاز این خط بنی صدر نبود، و پایان آن هم، او نیست.

این خط از حکومت سرمایه شروع می‌شود و با نابودی آن، پایان می‌پذیرد. هشیار باشیم و این خط را از صفحه انقلابمان پاک کنیم.

پایان

ورزش

و جشنهای سومین سالروز پیروزی انقلاب

در مسابقات ورزشی، که به همین مناسبت برگزار شد، تیم‌هائی از کشورهای اتحادشوروی، مجارستان، جمهوری دمکراتیک خلق کره، الجزایر و لیبی شرکت داشتند.

به‌مناسبت برگزاری جشن‌های سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باکوشش سازمان تربیت بدنی ونهادهای مختلف ورزشی، مسابقات ورزشی در رشته‌های مختلف و در شهرهای مختلف کشور برگزارشد. در این مسابقات، علاوه‌بر تیم‌های متعدد داخلی کشور، تیم‌هائی نیز از کشورهای دیگر و ازجمله کشورهای دوست وپشتیبان انقلاب ما، مانند اتحادشوروی، مجارستان، جمهوری‌دموکراتیک خلق کره، الجزایر ولیبی شرکت‌داشتند.

از اتحادشوروی، علاوه برتیم‌کشتی، تیم بسکتبال "ریگا"، که‌قهرمان باشگاه‌های بسکتبال در سراسر اتحادشوروی‌است، به‌جمهوری‌اسلامی ایران آمده‌است. این تیم در رشته بسکتبال، همراه باتیم‌های ایران، لیبی و پاکستان، از روز ۲۱ بهمن در اصفهان بازیهائی برگزار کرده است. تیم کشتی اتحادشوروی نیز همراه با ۶تیم از جمهوری‌اسلامی‌ایران، یک‌تیم از چین ویک‌تیم ۳نفره از ترکیه وتیم مجارستان ازروز دوشنبه ۱۹بهمن درتالار ۱۲هزارنفری "آزادی"، مسابقاتی را آغاز کرده‌است.

لازم به‌تذکر است که ورزشکاران، مربیان، سرپرستان وهمچنین سایر اعضای تیم‌های کشتی، روز ۱۹بهمن بر مزار شهدای انقلاب در بهشت‌زهرا حضور یافتند وازسوی دانش‌آموزان و ورزشکاران‌ایرانی، که فریاد "مرگ بر آمریکا" سرداده‌بودند، استقبال‌شدند. درهمین مراسم، ایوان‌یارگین، سر–مربی‌تیم ملی‌کشتی‌آزاداتحادشوروی، گفت:

"این‌شهدا نشانه عزم راسخ ملت ایران درمبارزه باامپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی است واین‌خواست مردم ایران راجهانیان باید با آمدن‌به‌بهشت‌زهرا شاهد باشند."

فوتبال

در رشته فوتبال، علاوه برمسابقات جام‌حذفی، که میان باشگاه‌های مختلف تهران‌انجام‌گرفت و فینال آن‌را پرسپولیس وشاهین بازی کردند، مسابقات‌فوتبال بانام "جام‌وحدت" ازسوی تربیت‌بدنی‌ارتش‌جمهوری‌اسلامی ایران‌ترتیب یافته‌است. دراین‌مسابقات، که از روز ۲۶ بهمن آغاز میشود، علاوه بر ۴تیم ایرانی: ملوان، استقلال، پرسپولیس وارتش‌جمهوری اسلامی ایران، تیم‌هائی از کشورهای دوست لیبی والجزایر نیز شرکت‌دارند. هم–چنین‌تیم فوتبال لیبی، پس از ورود به‌ایران، طبق برنامه، روز چهارشنبه ۲۱ بهمن دربوشهر، باتیم دریانوردان پایگاه‌دریائی این شهر، مسابقه ای دوستانه‌برگزارکرد. تیم فوتبال جمهوری دمکراتیک خلق کره‌نیز، که در شرق آسیا صاحب نام‌است، برای شرکت در برنامه‌های ورزشی سالگرد انقلاب اسلامی ایران، روز ۲۴ بهمن به‌کشور ماواردشدوبرای انجام بازی‌هائی به جنوب کشور عزیمت کرد.

این‌نکته نیز گفتنی‌است که از طرف فدراسیون بین‌المللی کشتی "فیلا" ۲داور یوگسلاوو یونانی برای نظارت بر انجام‌مسابقات کشتی جام۲۲ بهمن درایران، به‌کشور ما اعزام شدند.

برنامه‌های دیگر ورزشی

همانگونه که درآغاز خاطر نشان‌کردیم، در سراسر کشور ورزشکاران و دست‌اندرکاران ورزش، به‌مناسبت جشن‌های برگزاری سومین‌سالگرد پیروزی انقلاب، مسابقات‌گوناگونی را برگزار کردندکه‌ازآن‌جمله‌اند:

– مسابقات تیراندازی درچندنقطه تهران در پارک‌های‌ملت، خزانه حوالی‌جاده‌آرامگاه‌سابق، پارک‌بی‌سیم نجف‌آبادو پارک غرب تهران، که در روز ۱۵ بهمن برگزار شد.

– مسابقات کشتی نوجوانان درهمدان،

– مسابقهٔ‌تیراندازی در ماهشهر،

– مسابقه دوچرخه‌سواری درجاده آبادان – اهواز با شرکت ۱۵ دو–چرخه‌سوار،

– مسابقه‌وزنه‌برداری "جام‌پیروزی" درخوزستان، که با یاری‌فدراسیون وزنه‌برداری وشرکت ۶۴تن‌ازبخش‌های تابعه استان خوزستان‌برگزارشد،

– مسابقات‌فوتبال قهرمانی جنگ‌زدگان مقیم استان خوزستان، همدان، استان‌مرکزی، چهارمحال‌بختیاری، ایلام، کهکیلویه، فارس، خراسان، لرستان، بندرعباس، بوشهر و ۳تیم از اصفهان در همین شهر، که از روز ۱۶ بهمن آغاز شد،

– مسابقات‌قهرمانی‌واترپولو باشرکت‌تیم‌هائی ازکهکیلویه، خراسان، شیراز، اصفهان، باختران‌و تهران، که از روز ۱۹ بهمن‌در محل استخر سر–پوشیده‌مجموعه‌ورزشی "آزادی" درتهران برگزارشد،

– تنیس قهرمانی در تهران با شرکت ۱۵۰نفر، که با پیروزی مجید احتشام‌زاده، در ۱۹ بهمن پایان یافت،

– مسابقه دوچرخه سواری در ماکو و...

موفقیت‌ورزشکاران ایران‌انقلابی‌راآرزومندیم.

تمام گرفتاری مسلمین از آمریکاست

"امام خمینی"

انقلاب...

بقیه‌ازصفحه۲

وبویژه دراواخر سومین سال انقلاب، توجه‌کرده‌اند. معهذا متاسفانه باید گفت، علیرغم این توجه، علیرغم اینکه‌به صراحت گفته‌اندکه‌این‌اقدامات "دیرشده" و اگر دیرتر شود "پایه انقلاب ناقص" خواهدگردید، معهذا نه اصلاحات بنیادی ارضی، نه‌بازرگانی دولتی ونه دیگر اقدامات ضرور برای مهار، شکستن وریشه‌کن‌کردن‌تروریسم اقتصادی، هنوز وارد مرحله‌عمل نشده‌اند.

این‌حکم انقلاب، ضرورت‌انقلاب ووظیفه‌انقلابی‌است‌که میباید معجلا انجام‌گیرد وما امیدواریم که معجلا، ظرف یکی‌دوسه‌ماه‌آینده و نه‌دیرتر، انجام‌گیرد.

واما جنگ، مسئله مهم‌جنگ. جنگ‌تجاوزی صدام، که در نیمه سال دوم‌انقلاب وبرای شکستن انقلاب در ظرف "چندروز"، به‌تحریک‌آمریکا و به دست صدام جنایتکار وابله بر میهن‌ما تحمیل‌شد، از همان‌آغاز با فداکاری و جانبازی‌حماسه‌ای فرزندان‌انقلاب، شکست‌خورد، یعنی به‌هدف خود دست نیافت ومهار شد. درسومین‌سال‌انقلاب، این‌جنگ‌تحمیلی ادامه‌یافت. در این سال ضربات سختی به‌نیروهای تجاوز–گر وارد آمد. در بیشتر جبهات‌دشمن بعقب‌رانده‌شد. درمجموع‌نیروهای‌مسلح جمهوری‌اسلامی‌ایران‌برای‌راندن‌دشمن ازمناطق‌اشغالی ازحالت‌تدافعی‌بحالت تعرضی درآمدند وشکست دشمن‌مهاجم درافق جبهات‌پیداشد. ولی‌جنگ‌ادامه یافت. ادامه یافت، برای آنکه آمریکا با تمام‌قواوبدست‌همه دست‌نشاندگان‌خود درمنطقه کوشید، تاادامه‌یابد. ادامه یافت، برای‌اینکه‌بدنبال شکست‌توطئهٔ بنی‌صدرو–یاس آمریکا ازاینکه بتواندبه دست او انقلاب ایران رامسخ وبوسیله اومجددا به‌ایران بازگردد، آمریکا مجددا به‌شکستن‌قهرآمیزانقلاب‌اسلامی ایران‌روی آورد. ادامه یافت برای‌اینکه بگفته‌حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی:

"آمریکائیها تمایل‌دارند این جنگ‌ادامه‌پیداکند، هم به‌دلیل تضعیف دوکشور اسلامی وهم بدلیل مسائل‌اقتصادی‌وسیاسی وهم به دلیل راحت‌گذاشتن اسرائیل وهم به دلیل فروش‌تسلیحات‌وهم بدلیل‌باج گرفتن‌از عراق–چون‌ایران‌که‌باج‌نمیدهد – باج دادن عراق‌به‌بعضی‌ازکشورهای‌منطقه‌که درخدمت‌آمریکاهستند." (اطلاعات، ۱۸بهمن ۶۰)

برای اینکه ازشکست‌تهاجم‌عراق جلوگیرد وجنگ ادامه‌یابد، آمریکا شب وروز درکار تزریق "آمپول" پول (البته ازکیسه‌عربستان ودیگر دست–نشاندگان) وتسلیحات و "داوطلب" به قشون بیمار صدام است. ضمنا ادامهٔ جنگ کمک‌میکند، تا اوضاع منطقه متشنج‌تر جلوه‌کندوآمریکابتواند باسر هم‌بندی کردن اتحادیه‌های‌نظامی جدیداز زمره "شورای‌همکاری‌خلیج (فارس)"، باتسلیح بیشتر پاکستان و ازاین‌راه‌تسلط بیشتر دراین‌کشور، با برقراری مناسبات "ویژه"بارژیم‌کودتائی ترکیه، توطئه‌های‌نظامی دیگری در اطراف ایران‌بچینند.

ولی ما میتوانیم پیروزمندانه‌به این‌جنگ پایان دهیم وهمزمان برای مقابله‌باهرتوطئهٔ آمریکائی مشابه‌دیگری آماده‌شویم. برای رسیدن‌هرچه‌سریعتر به‌این‌هدف، باید در تمام‌عرصه‌های سیاست‌خارجی فعال‌باشیم وبرای تقویت‌نیروهای‌مسلح درجبهه جنگ، تقویت‌تسلیحاتی وتداركاتی جبهه، بسیج‌پشت‌جبهه برای خدمت به‌جبهه وتقویت‌جبهه، همواره و با تمام‌توان خودبکوشیم. خلق‌انقلابی بپاخاسته ایران ونیروهای‌مسلح ایثارگر و جانبازان، عملا نشان‌داده‌اندکه، علیرغم هرگونه‌دشواری، قادرند هر تجاوزی را بشکنند، هرتوطئه ای را خنثی سازند، ونیز این واقعیت‌است‌که موضع ما در جنگ‌تحمیلی برحق‌است. دولت‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌اعلام‌کرده است‌که‌جز حفظ تمامیت‌ارضی‌کشور، راندن‌متجاوز از مناطق‌اشغال شده و غرامتی که هر متجاوزی باید به مورد تجاوز بپردازد، چیز دیگری نمی – خواهد. دولت‌جمهوری‌اسلامی ایران اعلام‌کرده‌است‌که‌قصد هیچگونه‌مداخله ای درامور داخلی دیگرکشورهارانداردا، زیرامداخله درامورداخلی‌دیگرکشورها، طبق‌قانون‌اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، ممنوع‌است. توضیح داده‌است که اصطلاح "صدور انقلاب" در قاموس تبلیغاتی –سیاسی انقلاب‌اسلامی‌ایران، بمعنای‌مداخله در اموراداخلی دیگر کشورهانیست، بلکه‌به‌معنای‌آنستکه ما میخواهیم‌ازایران "الگوئی" بسازیم، از ایران‌نمونه‌ای بسازیم‌که الهام‌بخش دیگرخلق‌های اسیر وستمدیده‌باشد، چنانکه‌آنهاخودبه‌مبارزه‌برخیزند، قیام کنند، انقلاب‌کنند وکشور خویش را مستقل وآزادسازند، والا انقلاب کالا نیست‌که‌کسی‌بخواهد یابتواند آن را بسته‌بندی‌وبه‌کشور دیگری‌صادر نماید.

"صدورانقلاب" محصول طبیعی پیروزی‌های‌نهائی انقلاب‌اسلامی‌ایران خواهدبود، یعنی‌سازندگی‌ایرانی که استقلال خویش را در همه‌ابعادسیاسی، اقتصادی، نظامی وفرهنگی‌ودیگرشئون زندگی کسب‌وتامین‌کرده‌باشد، ایرانی که درآن‌مصرحات قانون اساسی‌درباره آزادی‌های‌فردی‌واجتماعی وسیاسی تامین‌شده‌باشد، ایرانی‌که‌درآن‌عدالت اجتماعی‌برقرارشده‌باشد، درآن‌مستکبر ومستضعف، غارتگر وغارت شده، ستم–گر و ستمدیده‌نباشد، همه‌افراد مردم‌از رفاه‌نسبی برخوردارشده‌باشند، ایرانی که‌درآن‌تمام عوامل‌لازم برای رشد و ترقی مداوم مادی‌ومعنوی‌فراهم‌و مورد بهره‌برداری‌واقع شده‌باشد. خلاصه، ایرانی‌که‌استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را تحقق بخشیده باشد و بتواند عملا نشان‌دهد که چنین است "الگو".

سومین سال‌انقلاب را پشت سر میگذاریم و وارد چهارمین سال‌انقلاب شکوهمند وسرنوشت‌ساز ایران‌عزیزمی–شویم. درباره‌رویدادها وجریان های سومین‌سال‌گفتنی‌هابسیاراست، ولی حتی‌اشاره‌به‌همهٔ‌آنها درحوصلهٔ یک مقال‌نیست. قدرمسلم‌این است که سومین‌سال‌انقلاب سرشار از دشواری–های‌گوناگون ودرعین حال شاهد پیروزی‌های‌چشمگیر وامیدبخش شده بود. درنیمه دوم سال سوم همه "ضرورت‌ها" و "بایدها" ازسوی‌حاکمیت انقلابی‌ونیروهای‌پیرو خط‌امام مطرح شد:

اصلاحات بنیادی ارضی‌به سود زحمتکشان روستا باید انجام گیرد، بازرگانی‌خارجی باید دولتی شود، دانشگاه‌ها باید بازگشائی شوند، از افراط‌گری‌های دوستان نادان انقلاب بایدجلوگیری شود، توزیع عادلانه کالا ومهار گرانی باید انجام گیرد، اتحادنیروهای‌انقلابی، قطع‌نظر از تفاوت‌های مسلکی، عقیدتی و مذهبی آنها باید تحقق یابد، آزادی فعالیت احزاب وسازمان‌های مدافع انقلاب‌باید تامین‌شود، تبلیغات‌بایدتمامادر خط انقلاب وامام‌قرارگیرد وازنفوذ وروسوخ امپریالیسم خبری درآن‌جلوگیری‌بعمل آید، قانون را باید اجراکرد، امنیت‌قضائی رابایدتامین‌کرد، هشدار که‌به‌مستضعفین باید توجه بیشتری‌کرد، باید درانتظار همه‌گونه توطئهٔ امپریالیسم بسرکردگی آمریکاوهمکاران وهمدستانش‌بود وباید برای‌مقابله باآنها آماده‌شد وآماده‌بود، جنگ تحمیلی رابایدپیروزمندانه و هرچه ممکن‌است سریعتر پایان‌داد، سیاست خارجی باید همواره‌فعالتر ومبتکرترو درجهت دوست‌شناسی و دوست‌یابی وبرای دشمن‌شکنی متحرکتر شود... والاآخر.

همه‌ضرورت‌ها و بایدها مطرح شده‌است وچهارمین سال انقلاب را باید بااجرای این "ضرورت‌ها" "باید ها" آغاز کرد.

ماامیدواریم که همه‌این‌ضرورت–ها وبایدها درچهارمین‌سال انقلاب تحقق‌یابند. نیروهای مخالف اجرای این "ضرورت‌ها" و"بایدها" کم‌نیستند اماانقلاب رهبری مدبر وقاطع در چهره‌امام‌خمینی دارد. پشتوانه‌خلقی دارد. توده‌های‌ده‌ها میلیونی ایثارگر مدافع‌انقلاب دارد. با تکیه بر این توده‌های ده‌ها میلیونی‌مردم انقلابی‌و فداکار، بابسیج‌آنها، بااتحادنیروهای انقلابی، قطع‌نظر از عقیده ومسلک و مذهب، برهبری امام‌خمینی‌میتوان و باید مخالفت نیروهای‌مخالف راعقیم کرد وشکست‌وضرورت‌ها وبایدها را عملی ساخت. ما اطمینان داریم که چنین‌خواهد شد. انقلاب‌پیروزاست!

حادثهٔ...

بقیه‌ازصفحه۱۳

شن را به‌این‌سوی وان‌سو می‌بردند. مردان شهر نه‌تنها در برپائی سنگرهاو رسانیدن آذوقه و دارو، حمل زخمیان، بلکه در دفاع‌مسلحانه ازشهرنیز ازخود رشادت‌قابل‌تحسینی به‌خرج‌دادند.

براساس اخباررسیده، روستائیان اطراف‌آمل، که با دریافت اولین اخبار تهاجم‌ضدانقلاب، بابیل و کلنگ و داس خود را به‌شهر رسانده‌بودند، درتارومارکردن ضدانقلابیون نقش مهمی راایفاکردند.

درصف‌مقدم نبرد باضد انقلاب پاسداران وبسیج قرار داشتند. این جوانان‌غیور، که از خود ۸شهید به‌جای گذاشتند، دلاورانه به مصاف ضد – انقلاب رفتند.

احزاب وسازمان های مدافع انقلاب نیز با تمام‌وجود، درکنارمردم دربرپائی سنگرها و رزم با دشمن، تا لحظه آخر حضور داشتند. بیهوده‌نبود که ضدانقلابیون به‌مردم می‌گفتند: مابا ملاها، بسیجی، سپاه، توده‌ای‌واکثریت دشمنیم واگر گیرشان‌بیاوریم، سرشان رامی‌بریم!

سرانجام اتحاد رزمی و انقلابی مردم ونیروهای‌انتظامی ثمرخود رادر کوتاه‌ترین مدت دادوعصر روزسه‌شنبه ۶بهمن‌ضدانقلابیون‌تار ومارشدند. بر اساس‌گزارش‌های‌رسمی‌ضدانقلابیون از خود ۳۲ کشته‌برجای‌گذاشتندوبیش‌از ۴۰تن‌ازآنهانیزدستگیرشدند. عدهٔ معدودی از ضدانقلابیون نیز به جنگل عقب‌نشستند.

براساس همین‌گزارش‌ها، بیش از ۳۲نفر ازمدافعان‌شهر، که‌اکثر آنها توده‌های‌زحمت‌کش‌شهری و روستائی و پاسداران دلیرانقلاب بودند، بشهادت رسیدند. مردم قهرمان‌شهر، روز بعد، پیکرگلگون‌شهدای خودرا درمیان فریاد "مرگ‌برآمریکا" تشییع کردند.

آنچه درآمل روی داد، حلقهٔ کوچکی از سلسله زنجیرتوطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا علیه‌انقلاب ایران‌بود. ولی آنچه در این‌حادثه مهم بود، درسهای‌بزرگی‌بود که‌این‌حادثه کوچک به انقلاب‌آموخت:

پیش‌ازهمه، حادثه آمل باردیگر نشان‌داد که اگر مردم متحد و یکپارچه باشند، هیچ‌نیروئی قادر نیست‌آنها را درهم بشکند. دلاوری مردم‌آمل، که با دست‌خالی به‌مصاف‌گلوله‌می‌رفتند، بار دیگر نشان‌دادکه‌اگر زحمتکشان درصحنه نگهداشته‌شوند، انقلاب گزند ناپذیر– است‌وبراستی که باید ازمردم‌قهرمان آمل باردیگر تجلیل‌کرد.

این‌حادثه کوچک باردیگر عمق توطئه‌بزرگ‌امپریالیسم امریکا را علیه انقلاب ایران عریان کرد. توطئهٔ‌آمل که‌ازیکی‌ازکانونهای تشنج آفرینی امپریالیسم در داخل خاک‌کشورهدایت شد، باردیگر نشان‌دادکه امریکاازایران دست‌بردارنیست.

زنجیره‌بی‌پایان‌توطئه‌های‌کوچک وبزرگ علیه انقلاب ادامه‌دارد. تنها وقتی رشته این رشته‌لعنتی قطع خواهد شدکه‌سلطهٔ‌امپریالیسم از خاک‌میهن ما ریشه‌کن‌شده‌باشد. این‌توطئه، که هم می‌خواست‌ضدانقلاب را امیدوارکند، هم‌اذهان را از جبهه اصلی نبرد – جنگ – منحرف سازدوهم به سهم‌خود تشنج‌بیافریند، در ذات خود بیانگر نقشه‌امریکا علیه انقلاب‌بود، که به‌قول **امام‌خمینی** تا ۲۰۰ سال هم ممکن‌است طول‌بکشد.

حادثه کوچک آمل باردیگر زنگ خطر رابه‌صدا درآورد: **خطرآمریکاباقی است، جدی‌است، فوری است.** برای مقابله بااین خطر، همچنانکه حادثهٔ آمل نشان داد، تنها وتنهایک‌راه‌وجود دارد: **اتحاد همه نیروهای خلق زیر رهبری امام‌خمینی!**

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

مجلس باید در تصویب بند "ج" و "د" و مصادرهٔ اموال نامشروع قاطعانه عمل کند

● نمایندهٔ زابل: حسین و شورای همیاری خلیج (فارس) نوکر شیطان بزرگ ـ آمریکا میباشند.

● نمایندهٔ میاندوآب: هرجا که ما میرویم سخن بر سر اینست که چرا مجلس محترم چرا دولت محترم در تصویب و اجرای لوایحی که اکنون بصورت ضرورت و نیاز ما و جامعهٔ ما تلقی میشود، تساهل و سهل انگاری و احیاناً درنگ و تاخیر را جایز میشمارند.

مجلس شورای اسلامی در هفته‌گذشته ۲ جلسه علنی داشت. در این جلسات یکی از نمایندگان درسخنان قبل از دستور بر لزوم اجرای بند "ج" واصلاحات ارضی ومصادره اموال نامشروع تاکید کرد وازانتظارات مردم جهت پایان دادن به "سهل انگاری" و "درنگ وتاخیر" دراین امر مهم سخن گفت درمجلس همچنین توطئه های مکررو پایان ناپذیر امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ولزوم افزایش هوشیاری درقبال آنها، مورد تاکید قرار گرفت.

* * *

اولین جلسهٔ علنی مجلس شورای اسلامی درهفته‌گذشته، روز یکشنبه ۱۸ بهمن ماه ۶۰ تشکیل شد. پس از سخنان قبل از دستور رضا زواره‌ای نمایندهٔ تهران مجلس وارد دستور شد وابتدا مسئله ارجاع تصویب لایحه ایجاد وزارت صنایع سنگین به کمیسیون مشترک صنایع و معادن، نفت وامور اداری واستخدامی برای مدت ۳ سال مطرح شد و بااکثریت آراء نمایندگان بتصویب رسید. دستور بعدی رای گیری در مورد محمود پاکروان برای تصدی پست ریاست دیوان محاسبات ومیرجواد عطاری ابراهیم زاد برای تصدی پست دادستانی دیوان محاسبات بود، که درنتیجه محمود پاکروان با ۱۳۳ رای ومیرجواد عطاری ابراهیم زاد با ۱۳۱ رای به این سمت‌ها انتخاب شدند.

سپس بحث درمورد جزئیات طرح تقدیم اساسنامه ارگانهای مختلف کشور به مجلس شورای اسلامی درحضور شورای نگهبان ادامه یافت وپس از سخنان چند تن ازنمایندگان درموافقت ومخالفت با این طرح ونیز توضیحات مخبر کمیسیون ونماینده دولت، طرح به رای گذاشته شدوبه تصویب رسید.

آنگاه گزارش کمیسیون اقتصاد مجلس درباره اصلاحیه‌ای در لایحه راجع به بخشودگی ۹% عوارض نوسازی درشهرها طرح شدوبه تصویب رسید. همچنین اصلاحیه دیگری نیز در مورد لایحه مربوط به بیمه اجتماعی طرح و تصویب شد.

در ساعت ۱۰/۴۵ این روز، میهمانان خارجی، که برای شرکت در جشنهای پیروزی انقلاب به کشور ما آمده‌اند، درمجلس شورای اسلامی حضور یافتندوحجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی درخیرمقدم به این میهمانان سخنانی ایرادکرد.

دستوربعدی مجلس بررسی شور دوم لایحه راجع به کاهش جریمهٔ متخلفین درصادرات فرش بود. این لایحه نیز به تصویب رسید. همچنین لایحهٔ مربوط به بخشودگی فارغ ـ التحصیلانی که از بورس تحصیلی استفاده می‌کنند، نیزدرشوراول تصویب شد.

لایحه مربوط به اعاده‌خدمت کارمندان بازنشسته دولت نیز دراین جلسه به‌تصویب رسید.

درپایان این جلسه مادهٔ واحده مربوط به "واگذاری ساختمانهائی که به عللی نظیرسیل ویازلزله درنقاط مختلف کشور ازبین رفته‌اندوتوسط دولت باز ـ سازی شده‌اند، به خسارت دیدگان" مورد بحث نمایندگان قرارگرفت و به تصویب رسید.

دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی درهفته‌گذشته، روز ۲۰ بهمن ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق این جلسه سید حسین حسینی طباطبائی نماینده مردم زابل بود، که سخنان خودرا به‌تشریح توطئه‌های شیطان بزرگ ـ آمریکا ـ علیه انقلاب اسلامی ایران اختصاص داد. وی ضمن اشاره به‌جنایات آمریکا وعمالش درروزهای قبل ازپیروزی انقلاب و در ۳ سالهٔ پس از آن، به‌جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران اشاره وتاکید کرد:

"شیطان بزرگ مطئمن بودکه این انقلاب نوپا، بااین جنگ تحمیلی مواجه باشکست است".

ناطق افزود: "ملت ایران هشیار باشد، چنانکه هشیار است، شیطان بزرگ ساکت وآرام نمی‌گیرد، طرح‌هائی که درگذشته اجرا کرد، مواجه با شکست شد، ازتحریک ضدانقلاب و تروریسم داخلی هم مایوس شد، برنامهٔ حمله‌مزدورانش رادرآمل طرح‌کرد که‌جو تبلیغاتی بسازدبدین معناکه در شمال کشورچند شهردر دست ضدانقلاب است و فکرملت رااز جنگ تحمیلی که مسئله اصلی کشوراست غافل کند.

ناطق دربخش دیگری ازسخنانش گفت:

"شیطان بزرگ کشورهای خلیج را وادارکرد بعنوان حمایت ازملت عرب عراق اعلام پشتیبانی کنند. مخصوصا شاه‌حسین لشکری ازداوطلبان جهت کمک به‌صدام علیه ایران تشکیل می‌دهد. این تزویرها ازطرف شیطان بزرگ آمریکا است".

حسینی طباطبائی بااشاره به این که شاه‌حسین همان است که فلسطینی‌ها را قتل عام نمود، تاکیدکرد:

"حسین وشورای همیاری خلیج (فارس) نوکرشیطان بزرگ ـ آمریکا می‌باشند".

ناطق همچنین گفت که از ابتدای جنگ تحمیلی، شاه‌حسین ومزدورانش درکنارتجاوزگران صدامی علیه انقلاب ایران می‌جنگیدند.

اجرای بند "ج" و "د" واسترداد اموال نامشروع

ناطق بعدی این جلسه محسن رائی نماینده مردم میاندوآب بود. وی در نطق خوداز جمله به سخنان **امام خمینی**، که همواره تاکید برجانبداری از مستضعفین دارندو در "پیام تاریخی" خودگفته‌اند: "ماهمیشه باید جانب مستضعفین را بگیریم و به جانب مستکبرین نغلطیم"، گفت: "هر جا که ما می‌رویم سخن برسر این‌است که چرا مجلس محترم، چرادولت محترم در تصویب واجرای لوایحی که‌اکنون به صورت ضرورت‌ونیازحاد جامعه‌ما تلقی می‌شود، تساهل‌وسهل‌انگاری واحیانا درنگ وتاخیرراجایز می‌شمارند".

ناطق تذکردادکه‌مجلس باید در تصویب وتعیین "حدود مالکیت ارضی، بویژه تصویب بند "ج" و "د" ومصادره اموال نامشروع و سرمایه‌های کلان و هنگفتی که ازخون‌هزاران نفرانباشته شده‌وامام درپیام بزرگ خود درخطاب به شورای نگهبان می‌فرماید، وقتی‌از این سرمایه‌داران‌کسانی می‌آیندو ۵۰ هزارتومان، صدهزارتومان به‌این‌آقایان میدهندواینها هم فکرمیکنندکه‌مال‌اینها کاملاپاک‌شده‌است، من احتمال این را که‌اینها وجوه‌شرعی خودرااکاملاپرداخته باشند، درباره یکی‌ازاینها هم نمیدهم "قاطعانه" عمل‌کنندو درمقابل "این خونخوارها، این‌محتکران‌واین‌دزدها ودشمنان‌ضدانسان‌وانسانیت‌ایستادگی بکند".

آنگاه‌مجلس وارد دستور شد و ابتدالایحه‌گذاردن شرط "رفع اختلاف‌از طریق داوری" در قراردادهای بیمه اتکائی مورد بررسی قرارگرفت و با پیشنهاد عده‌ای ازنمایندگان جهت روشن شدن بیشتر، بمدت ۱۰ روزمسکوت ماند. سپس "طرح عفو و منع تعقیب دارندگان وحمل‌کنندگان غیر مجاز اسلحه که‌عدم سوءنیت آنان احرازشود" مورد بحث قرارگرفت وکلیات آن بتصویب رسید.

دستوربعدی مجلس لایحهٔ اجاره دادن‌ماشین‌آلات اضافی‌وزارت راه‌بود که‌کلیات آن، پس ازسخنان چند تن ازنمایندگان موافق‌ومخالف، به‌تصویب رسید.



تفسیر وقایع...

بقیه‌از صفحه ۶

ارتباط آن باسرویسهای جاسوسی امپریالیستی بر پایه اسناد ومدارک غیرقابل انکارچشم وگوش زحمتکشان فریب خورده رامی‌گشایدوآنان را به صفوف مبارزان آگاه بازمی‌گرداند. این تحول سریع در روحیه قشرهای‌بازی‌خورده، هر گونه امید محافل امپریالیستی را برای بهره‌گیری از حوادث داخلی‌لهستان برباد می‌دهد. بازگشت آرامش و نظم به‌لهستان، آنهم به‌این سرعت، برای کسانیکه توطئه‌لهستان راطرح‌ریزی کرده بودند، بکلی غیره‌منتظره بود. لونز دبیر کل ناتو، طی مصاحبه‌ای با "نیوزویک" اعتراف میکند که‌غرب درمسئله‌لهستان کاملا غافلگیرشده‌است!"

بایدگفت که‌امپریالیسم درهرجاکه‌بانیرو-های مردم‌ سروکارش می‌افتد، همیشه دچار اینگونه "اشتباه" در محاسبات ومعادلاتش می‌گردد. آمریکاوهم‌پیمانان اروپائیش تصور می‌کردندکه لهستان در "عطش" یک‌دموکراسی غربی "می‌سوزدوآنان می‌توانندباتسکین دادن این "عطش"، لهستان را ازجامعه‌کشور های سوسیالیستی جداکنندودرآن ابتدا حکومتی "میانه" وسپس تمام بورژوائی بوجودبیاورند. اما تمام آرزوهای‌آنان دریک‌هفته‌بربادرفت. اینک آمریکاوبرخی ازدولتهای دیگرغربی، که در لهستان سرمایه‌گذاری سیاسی کرده‌بودند، باور-شکستگی مفتضحانه روبروشده‌اند. واکنون بقول خودشان، می‌خواهندآنچه‌راکه‌می‌توان‌نجات داد، نجات دهندونگذارند مسئله‌لهستان مانند مسئله‌افغانستان بدست "فراموشی" سپرده‌شود! هیگ‌کوشید "مسئله‌لهستان" رادر دیدارش با گرومیکو مطرح‌سازد، ولی این‌تلاش باپاسخ‌قاطع ردگرومیکومواجه‌شد. اکنون‌نیزآمریکا ومتحدانش می‌خواهند جلسه کنفرانس امنیت‌وهمکاری در اروپا رابه‌میدان بوکس‌برسر "مسئلهٔ‌لهستان" تبدیل‌کنند. کوشش آنان‌نه‌تنها با مقاومت کشور - های سوسیالیستی اروپا بلکه‌همچنین‌با مقاومت شماری‌دیگر ازکشورهای‌اروپائی، که‌بحث‌دربارهٔ مسائل‌داخلی لهستان راخارج‌ازصلاحیت این کنفرانس می‌دانند، روبروشده‌است. دراین جا نیز چیزی جزشکست درانتظار دارودسته‌ریگان نیست. مردم اروپای غربی دیگرحاضربه‌باز - گشت به دوران‌جنگ سردنیستندو دولت‌های آنان نیزنمی‌توانندایت‌تمایل‌عمومی‌رادر نظر نگیرند. سیاست‌تجاوزکارانه‌امپریالیسم آمریکا، که‌جنگ سردوگرم ابزارآنست، درجهان‌امروز دورنمائی ندارد و سران آمریکاباید دیر یازود به‌خواست تاریخ، که‌قبول‌همزیستی مسالمت ـ آمیز ودست‌کشیدن ازصدورضدانقلاب‌است، گردن‌بنهند.

اگر دقیقاً به وظیفهٔ مبارزه با آمریکای جنایتکار ادامه دهیم فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید

"امام خمینی"

حادثهٔ آمل:

درس‌های بزرگ از واقعهٔ کوچک

*درهم شکستن هجوم مسلحانه ضد ـ انقلاب به آمل توسط مردم، بار دیگر نشان داد که مردم متحد را با هیچ نیروئی نمی‌توان شکست داد.

۶ بهمن ۱۳۶۰ توطئه دیگری، که از سوی امپریالیسم امریکا تدارک شده بود، درهم شکست. در این روز اعضای جبهه متحد ضدانقلاب مرکب از سلطنت طلبان، ساواکی‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی، رنجبری‌ها، اتحادیه به‌ اصطلاح کمونیست‌ها، "اقلیت"، "مجاهدین"، که از حدود چندماه پیش در جنگل‌های آمل مستقر شده بودند به این شهر حمله کردند. ضدانقلابیون، که تعداد آنها بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر بود و در گروه‌های ۳ تا ۵ نفره سازمان یافته بودند و روی روبان‌هائی که به سر بسته بودند، نوشته شده بود "سربداران" ـ ساعت ۱۱/۵ شب پنجم بهمن ماه به آمل حمله کردند، به این امید که در روز ۶ بهمن در روز باصطلاح انقلاب سفید شاه ملعون آمل را آزاد کرده باشند!

ضدانقلابیون تصور میکردند که مردم به "استقبال" آنها خواهند رفت! در واقع هم مردم شهر یکپارچه به استقبال آنها رفتند، منتهی با فریاد "مرگ بر آمریکا" و بقصد سرکوب ضد ـ انقلابیون. هنوز ساعتی از حضور ضد ـ انقلاب در شهر نگذشته بود که زحمت ـ کشان شهر و روستای آمل، در کنار پاسداران، افراد بسیج و نیروهای مردمی مدافع انقلاب به مقابله آنها رفتند.

مردم آمل با شور و هیجانی انقلابی در کمتر از دو ساعت شهر را سنگربندی کردند. زنان و دختران، مانند روزهای پیروزی انقلاب، در جمع آوری گونی و پر کردن آنها باشن برای برپائی سنگر و نیز تهیه آذوقه و دارو نقش چشمگیری داشتند. چند شاهد عینی نقل میکنند که زنان روستائی، درحالیکه فرزندان خود را بر پشت حمل می‌کردند، کیسه‌های

بقیه در صفحه ۱۱

خروش مردم...

بقیه از صفحه ۳

توطئه‌ها دست بردارند که ایران دیگر جای تاخت و تاز آنان نیست و امید آن است که دولت‌های پیرو آمریکا که خزاین گرانمایه ملت‌ها را با روی گشاده در پای آمریکا نثار می‌کنند و در راه تقرب به آن چپاولگر با اسلام و جمهوری اسلامی به جنگ تسلیحاتی و تبلیغاتی برمی ـ خیزند از خواب گران بیدار شده و با ملت های خود همصدا شوند و از زیر ننگ وابستگی خارج شوند. این دولت‌های وابسته مگر ندیده‌اند که کاخ سفید با کمال بی اعتنایی اعلام کرد که به خاطر آنان و نفت آنان از منافع اسرائیل نمی‌گذرد. مگر متوجه نشدند که امریکا با اعمال وتو و تهدید سازمان‌ها، بی ـ اعتنایی خود را به آنان ثابت نمود. اکنون که کشور ما دهه فجر و سالروز استقلال و آزادی خود را از چنگال ابر ـ جنایتکاران جشن می‌گیرد و امید است به همین زودی جشن سقوط حکومت بعثی عراق را بگیریم، این جانب سالروز پیروزی اسلام و کشور و دهه مبارک فجر را به ملت محترم و خصوص شهدا و مجروحین و معلولین و بازماندگان و متعلقان آنان تبریک عرض می‌کنم. پیروزی‌ها و سرافرازی‌ها و افتخارات ملت مرهون فداکاری این عزیزان و هم رزمان آنان است. این فداکاران نشان‌های افتخار بر بازوی ملت بر جبین امت اند."

این مراسم بعد از سخنرانی حجت الاسلام کروبی، سرپرست بنیاد شهید درمیان شعارهای "مرگ بر آمریکا" پایان گرفت.

درحاشیه

با هوشیاری مردم و مسئولان، توطئه ضد انقلاب در روز ۲۲ بهمن خنثی شد

ضدانقلابیونی که نقاب دفاع از اسلام به چهره زده بودند، روز ۲۲ بهمن کوشیدند، با توطئه سازمان یافته‌ای، آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند و مردم را از دادن شعار "مرگ بر آمریکا" بازدارند. ضدانقلابیون که در گروه‌های چندنفری حرکت می‌کردند، از صبح روز "۲۲ بهمن"، ابتدا کلیه شعارهای ضد امریکائی و تصاویر امام خمینی را که به دیوارها چسبانده شده بود، پاره کردند. این باندهای سیاه در مسیر حرکت مردم به سوی میدان آزادی مراقب بودند و همین که مردم شعار "مرگ بر آمریکا" می دادند به آنها حمله می‌کردند و می‌گفتند:

ـ بگو مرگ بر شوروی. دشمن ما شوروی است.

درنزدیکی میدان انقلاب، ضد ـ انقلابیون به جوانی که مجسمه عموسام را، درحالیکه بدار کشیده بود، در دست داشت، حمله کردند و او را به شدت مضروب نمودند.

درنزدیکی خیابان نواب باند دیگری از ضدانقلابیون به کاروان کوچکی که با پرچم‌های "مرگ بر امریکا" مزین شده بود، حمله کردند و آنرا درهم شکستند.

در نزدیکی میدان آزادی ضد ـ انقلابیون به دو جوان، که پرچم آمریکا را روی زمین می‌کشیدند، حمله کردند و هنگامیکه قصد داشتند با چاقو آنها را مجروح کنند، پاسداران سررسیدند و ضدانقلابیون گریختند.

ضدانقلابیون هرجا با پاسداران و یا گروه‌های متشکل مردم روبرو می ـ شدند، می‌گریختند. آنها تقریبا همه جا به دسته‌های کوچک مردم حمله می‌کردند و مانع از دادن شعار "مرگ بر آمریکا" می شدند. وقتی مردم اعتراض می‌کردند که، به گفته امام خمینی، دشمن اصلی آمریکاست، ضدانقلابیون جواب می ـ دادند:

ـ ما امام را قبول نداریم. دشمن اصلی شوروی است. هرکس بگوید "مرگ بر آمریکا" توده ایست. ضدانقلابیون، که در دسته‌های چندنفری درمیان مردم جا گرفته بودند، چندین بار سعی کردند شعار مرگ بر شوروی را جانشین شعار "مرگ بر آمریکا" کنند، اما بلندگوی مرکزی از جایگاه پیاپی هشدار داد که: مردم مسلمان باید هشیاری انقلابی خود را حفظ کنند. شعار ما مرگ بر امریکاست.

مردم که آرام آرام متوجه توطئه سازمان یافته شده بودند، در طول مراسم با هشیاری شعار "مرگ بر امریکا" را با خروش بیشتری تکرار کردند و توطئه ضدانقلاب را برای خارج کردن امریکا از زیر ضربه، خنثی کردند.

تداوم «مرگ بر آمریکا» در جشن‌های انقلاب

نیروهای نظامی از روی پرچم آمریکا رژه رفتند

مردم قهرمان ایران، هفته گذشته، جشن‌های سومین سال پیروزی انقلاب را ازجمله با شرکت در نمایشگاه‌ها، تئاترها، سینماها و راه ـ پیمائی‌ها برگزار کردند.

پنجشنبه ۲۲ بهمن، همه شعارهای "مرگ بر امریکا"، که در مراسم مختلف تکرار شده بود، بهم پیوند خورد و در خروش خلق یگانه شد.

گزارش کوتاه زیر از مهم ترین مراسم "دهه فجر" در هفته گذشته تهیه شده است.

حمایت از قانون

روز ۱۸ بهمن گروهی از مردم برای حمایت از قانون در مقابل مجلس شورای اسلامی گرد آمدند. پیشاپیش مردم، جانبازان انقلاب دیده می‌شدند. مردم شعار می‌دادند:

ـ مرگ بر امریکا!

ـ اجرای قانون در وطن خواهیم کیفر هر قانون شکن خواهیم.

ـ از اجرای عدالت باید حمایت گردد، قانون این جمهوری باید رعایت گردد.

در این مراسم، حجت الاسلام محمد یزدی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، درباره لزوم اقدام به قانون و اجرای عملی آن سخن گفت.

در پایان مراسم، مردم بعد از آتش زدن پرچم آمریکا، با شعار "مرگ بر امریکا"، پراکنده شدند.

رژه از روی پرچم آمریکا

دوشنبه ۱۹ بهمن، جمع کثیری از نیروهای انتظامی، بعد از راه پیمائی باشکوهی به دانشگاه تهران رفتند و نماز وحدت خواندند. راهپیمایان، که از پرسنل همه نیروهای مسلح تشکیل شده بودند، با شعار:

ـ فرمانده کل قوا خمینی

از روی پرچم امریکا رژه رفتند و وارد دانشگاه تهران شدند. در این مراسم، بعد از اجرای سرود شهید، محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سخنرانی کرد. او طی سخنانی نقش امپریالیسم امریکا در تحریک کشورهای منطقه علیه انقلاب اسلامی ایران را برشمرد.

اقلیت‌های مذهبی:

مرگ بر آمریکا!

عصر روز ۱۸ بهمن، مراسمی از سوی اقلیت‌های مذهبی ایران در تالار وحدت برگزار شد. در این مراسم رهبران و پیروان اقلیت‌های مذهبی و همچنین حجت الاسلام معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی شرکت داشتند.

ابتدا پیام حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی قرائت شد. سپس حجت الاسلام معادیخواه سخن گفت و سخنان خود را چنین پایان داد:

"همه ادیان لااقل می توانند در شعار مرگ بر امریکا مشترک باشند."

بعد از سخنان وزیر ارشاد اسلامی موبد فرزانه رستم شهرزادی، ضمن تبریک سالگرد پیروزی انقلاب و درود بر رهبر انقلاب و مرزداران ایران گفت:

"ما ایرانیان زردشتی، کلیمی و مسیحی همواره با هموطنان مسلمان خود همراه بوده، و اینک شادمانیم که در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی شرکت می‌کنیم و برای برگزاری هرچه باشکوهتر آن می ـ کوشیم."

در ادامه مراسم، خاخام مولیر داوودی رهبر مذهبی کلیمیان ایران، درسخنان خود از جمله گفت؛

"ما با دشمنان ایران دشمن و با دوستان ایران دوست خواهیم بود و در مقابل طاغوت‌های زمان می‌ایستیم و می ـ جنگیم. اینست که تمام کسانی که قلب آنها برای ایران می‌طپد، برای دفاع از آن نیز آماده‌اند."

این مراسم، درحالیکه اقلیت‌های مذهبی حاضر در سالن، با مشت‌های گره کرده فریاد می‌زدند:

ـ درود بر خمینی!

ـ مرگ بر آمریکا!

ـ درود بر شهیدان!

پایان گرفت.

نمایشگاه سیر انقلاب

درهفته گذشته نمایشگاه "سیر انقلاب اسلامی" درموزه هنرهای معاصر افتتاح شد. در این نمایشگاه، که آثار ۷۵ عکاس حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای به تماشا گذاشته شده بود، سیر انقلاب از روزی که خلق علیه رژیم شاه بپا خاست، تا ادامه آن در جبهه‌های نبرد با متجاوزان صدامی تصویر شده است.



این یکی از عکس‌های نمایشگاه "سیر انقلاب" است. نوجوانی زاغه‌نشین با لباسی ژنده در مقابل چادری که سهم او و خانواده پرجمعیتش از "تمدن بزرگ!" بود، "شاه‌شاهان را به سخره گرفته است".

کودکان انقلابی ایران

در "دهه فجر" نمایشگاهی با عنوان "کودک، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی" برپا شد. این نمایشگاه اختصاص به نمایش نقاشی‌های کودکان و نوجوانان در ارتباط با حوادث و رویدادهای ۳ ساله انقلاب داشت. کودکان در نقاشی‌های خود با زیبائی معصومانه‌ای صحنه‌های نبرد خلق علیه عمال امپریالیسم امریکا را در روزهای قبل از پیروزی انقلاب و در دوران بعد، تا جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، بتصویر درآورده بودند. کودکان انقلابی ایران چهره کریه امریکای جنایتکار و ایادی او را در ایران با خطوطی ساده و رنگ‌هائی زیبا رسم کرده بودند.

در هفتهٔ...

بقیه از صفحه ۱۵

می پوشند: آن یکی همراه بنی صدر خائن باخلبان شاه به اعماق زباله‌دان تاریخ گریخت و به بختیار و اویسی پیوست. و این دیگران جان خود را در راه اهداف امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی از دست دادند.

ولی دریغ برجوانانی که فریب شعارهای توخالی را خوردند و بدام رهبری خائن "مجاهدین" افتادند. وافسوس بر آنان که هنوز در این دام پای‌فشاری می‌کنند. کشته شدن دوتن از رهبران اصلی "مجاهدین" فرصت دیگری است تا باز هم به هواداران و اعضای صادق "مجاهدین" هشدار داده شود که از راه تباه رفته بازگردند و به صف انقلاب بپیوندند.

مراکز قدرتی که به نفع پولدارها حرکت می‌کنند

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، امام جمعه موقت تهران، در خطبه‌های نماز جمعه گذشته، در بخشی از سخنانش در توضیح اینکه: چرا هنوز اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا نشده، ضمن برشماری دلایل مختلف، از جمله به **"مواضع نسبتا قدرتمندی که در جامعه ما وجود دارد"** اشاره کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به افراط کاریهائی که در جریان اجرای بعضی از قوانین مثل "قانون اراضی شهری" پیش آمد گفت:

"متاسفانه آن طرف هم مراکز قدرتی وجود دارد، که آنها هم فقط بنفع پولدارها همیشه حرکت می‌کنند. هستند در این کشور جاهای بسیار محترمی که از اول انقلاب تا بحال هر وقت بما مراجعه کرده‌اند، شکایت کرده‌اند که چرا مال فلانکس گرفته شد، چرا... و از این شکایت ها. و هنوز نشده یکبار بگویند چرا مثلا حق این فقرا را نداد‌ید، چرا آن روستا را برق نکشیدید، چرا به سراغ آن محرومان نرفته‌اید. چرا... یکبار از آن طرف نگفتند. البته وقتی ما با آنها صحبت می‌کنیم، می‌گویند چون آنقدر آتش داغ است که ما نیازی نمی بینیم از آنطرف حرف بزنیم. ولی این کافی نیست. به هرحال موانعی در این کشور هنوز وجود دارد که متاسفانه یک طرفه قضاوت میکنند و آن رنج و محنتی که اکثریت جامعه ما احساس می‌کنند، آنها احساس نمی‌کنند. چریدن بچه‌های سیستانی و هسته خرما خوردن بچهٔ بلوچ برای آنها مهم نیست. راه نداشتن مردم "بشاگرد" برای آنها مهم نیست و اصلا "بشاگرد" را نشنیده‌اند، ولی کارخانه‌دار سیستانی به خانه آنها راه پیدا می‌کند و شکایت می‌کند و شکایت او را به بنده و امثال بنده منعکس می‌کنند. من در این که جلوی افراط کاریها را باید گرفت، حرفی ندارم. بنده خودم هم همین جور معتقدم، اسلام باید حاکم بشود. اما اینکه مراکزی هم باشند که فقط و فقط آنطرف قضیه را ببینند، این با اسلام سازگار نیست".

در برابر این حقایق، که رئیس مجلس گفته است، آنچه می‌ماند اینست که با **"پولدارها"** و **"مراکز قدرتی که به نفع پولدارها حرکت می‌کنند"** وهر دو به زیان محرومان عمل می‌کنند، قاطعانه مقابله شود. این یکی از مهمترین اهداف انقلاب است این تنها شیوهٔ انقلابی است.

کنسرسیوم میتسوئی ژاپن سرانجام قرارداد مجتمع پتروشیمی را لغو کرد

کنسرسیوم میتسوئی ژاپن، که پیمانکار مجتمع بزرگ پتروشیمی بندر امام خمینی بود، سرانجام بعد از سه سال سردواندن ایران، قرار داد را یک طرفه لغو کرد.

در این باره **سخنگوی دولت در پاسخ به سئوال خبرنگاری دائر بر این که کمپانی میتسوئی قرارداد پتروشیمی ژاپن و ایران را ملغی اعلام کرده است، گفت: "این قرارداد یک طرفه لغو شده است".** (کیهان — ۲۱ بهمن ۱۳۶۰)

در همین باره **"آقای توکلی در رابطه با شرکت میتسوئی ژاپن گفت این الغای قرارداد یکطرفه انجام شده و در قرارداد منعکس است که وقتی یکی از طرفین قرارداد را باطل بکند، طرف دیگر چکار میتواند بکند... ولی اینطور نیست که اگر ما تعهد خودمان را اجرا می‌کنیم، انتظار داریم طرف قرار داد ما تعهد خودش را اجرا بکند، اگر نکرد باید تاوان آن را پس بدهد و طبق روش معمول در جهان طبق آنچه که در قرارداد منعکس است، عمل خواهیم کرد".** (صبح آزادگان — ۲۱ بهمن ۶۰)

سخنگوی دولت اضافه کرد: **"ما آستین‌ها را بالا زده‌ایم و کار این مجتمع را خودمان انجام خواهیم داد".** (همانجا)

و به این ترتیب امپریالیسم ژاپن بعد از اینکه سه سال تمام ایران را سر دواند، همانطور که نیروهای انقلابی بارها پیش‌بینی کرده بودند، حاضر به اتمام ۱۵ درصد باقیمانده طرح نشد و قرارداد را یک طرفه لغو کرد. امپریالیستهای ژاپنی در شرایطی این کار را کردند که ایران تمام پیشنهادهای آنها را پذیرفته و، بقول آقای غرضی ادامه کار برای ژاپنی‌ها بصورت **"معامله شیرینی"** درآمده بود. (برای آشنائی با مسئله به "اتحاد مردم" شماره ۱۱۳ مراجعه کنید.)

لغو قرارداد بار دیگر ماهیت امپریالیسم ژاپن و همکاری تنگاتنگ آن را با امپریالیسم امریکا نشان داد. این امر همچنین عمق توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران را بار دیگر فاش ساخت.

به نظر ما ایران نه تنها باید همانطور که سخنگوی دولت گفته است با طرح مسئله در محافل حقوقی جهان خسارت خود را از کنسرسیوم میتسوئی بگیرد، بلکه مهمتر از آن لازم است که ادامه کار را به کشوری بسپارد که حاضر باشد، بدون قید و شرط سیاسی و بر اساس منافع متقابل، کار را به اتمام رساند. این تنها راه حل است.

مسئولیتی به عظمت تاریخ!

در آغاز چهارمین سالگرد انقلاب بزرگ اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی میهن‌ما، اوضاع کشور ما بی‌نهایت حساس شده‌است. دامنه توطئهٔ امپریالیسم آمریکا از خارج و داخل گسترش می‌یابد و ابعاد تازه و خطرناکی بخود میگیرد. میهن انقلابی ما، که در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی پیروزی عظیمی بدست آورده، درمعرض تهدیدهای همه جانبهٔ امپریالیسم وارتجاع جهانی بسرکردگی آمریکا قرارگرفته‌است. دراین توطئهٔ وسیع، ازخارج قدرت‌های امپریالیستی باتوان سیاسی ونظامی واقتصادی و تبلیغاتی خود، و عمال منطقه‌ای آنها، بویژه حکام مرتجع و رژیم‌های دست‌نشانده ناحیه خاورمیانه و نزدیک، ازشیخ‌نشین‌ها و سلطان‌نشین‌های عربی تاترکیه وپاکستان، وازداخل تمامی تفاله‌های آمریکا وبقایای رژیم سرنگون شده وهمهٔ طاغوتیان وطاغوت‌زدگان وپایگاه‌های اجتماعی واقتصادی نو‌استعمار و در درجهٔ اول سرمایه‌داران کلان وبازاریان قدرتمند و واسطه های متنفذ ومالکان اراضی زراعی شرکت فعال دارند.

> موفقیت حتمی انقلاب ما و باز گشت ناپذیر شدن پیروزی‌هائی که به دست آورده، درگروی هشیاری وروشن‌بینی در تشخیص دوستان خارجی و شناخت متحدان داخلی است، درگروی اتحاد همه‌نیروهای انقلابی، صرف‌نظر از تفاوت درعقاید سیاسی، مسلکی ومذهبی، است که چون سد سکندر قادر به‌مقابله با هرتوطئه‌ای خواهند بود وهر یورشی را با ناکامی روبرو خواهند کرد.

نیروی این توطئهٔ مشترک شیطانی که‌برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بسیج شده‌است، نیروی کمی نیست و می‌تواند برای پیشرفت انقلاب وموجودیت جمهوری اسلامی ایران خطرات جدی ایجاد کند. نه آنکه انقلاب ما ضعیف باشد وجمهوری ما ناتوان. نه! پشتوانه عظیم مردمی واهداف جانبخش انقلاب، که‌به‌یک نیاز تاریخی وحکم عینی آن پاسخ میگوید، توان بیکرانی را برای انقلاب پرشکوه ما به‌ارمغان آورده‌است. انقلاب ما میتواند باموفقیت کامل بااین توطئه، علی‌رغم تمام گستردگی بی‌سابقه وابعاد متنوع داخلی وخارجی آن مقابله‌کند وبرآن بطورقطع پیروز شود. انقلاب ما قادراست بر همه‌دسایس و کیدهای امپریالیسم وعمال درونی و برونی آن فائق شود وظفرمندانه بسوی گسترش وتعمیق پیش رود. امااین امکان هنوز بمعنای واقعیت نیست. این توان هنوز به‌فعل درنیامده ومحمل‌های جدی و واقعی برای این تبدیل نیافته‌است. و ازهمینجاست که خطر ناشی میشود، نه از قدرت دشمن و تنوع کیدهای او.

انقلاب ما باید امکان واقعی غلبه بر توطئه‌های براندازی را به واقعیت بدل‌کند وبرای اینکار بایدآن قدرت وشهامت را درخود بیابد که از زنجیر اوهام بدرآید، برپیشداوری ها، غلبه‌کند، بررسوبات دیرینه‌ایکه‌بسیاری ازآنها از رژیم طاغوت وازتبلیغات امپریالیستی بجامانده، چیره شود. مسئولان کشورما باید بتوانند هشیارانه وروشن‌بینانه در جستجوی دوستان و متحدان انقلاب برآیند وباچشم باز و بیدار ببینند در عرصهٔ گیتی چه‌کسانی، چه‌نیروهائی، چه‌کشورهائی، چه نهضت‌هائی همسنگرو همراه‌ماهستند، و در پهنهٔ درون‌کشوری نیز چه‌نیروها و جریاناتی درکنار وهمراه انقلاب و جزئی ازانقلابند و یامیتوانند باشند. مسئولان کشورما موظفند که همهٔ اینها را جلب‌کنند، جذب‌کنند، با خود یگانه سازند، بیک‌جبههٔ واحد بکشانند و آنوقت است‌که نیروی دشمن، نیروی ضدانقلاب، هرقدر هم قوی ومکارباشد وازهرکجای داخل و خارج که بخواهد سربرآورد، مسلما درهم شکسته خواهد شد. این‌مسئولیت مسئولان‌بعدی به عظمت و حساسیت‌دوران‌تاریخی‌کنونی دارد. موفقیت‌حتمی انقلاب ما و بازگشت‌ناپذیر شدن‌پیروزی‌هائی که‌بدست آورده، در گروی این هشیاری و روشن‌بینی درتشخیص دوستان‌خارجی و شناخت متحدان‌داخلی‌است، درگروی تامین اتحاد همه‌نیروهای انقلابی، صرفنظر از تفاوت‌در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، است که چون سد سکندر قادر به‌مقابله با هر توطئه‌ای خواهند بود و هریورشی را با ناکامی روبرو خواهند کرد.

ولی هم اکنون اسفندیار روئین‌تن انقلاب ما نقطهٔ ضعفی داردکه دشمن نه‌تنها برآن آگاه‌است، بلکه‌می‌کوشد، هراندازه‌که‌بتواند، برآن تکیه کند، آنرا به‌آوردگاه‌قطعی‌خودباانقلاب مابدل‌نماید. واین چشم اسفندیار انقلاب، همین‌ناتوانی‌کنونی بخشی از مسئولان‌کشوردر تشخیص دوستان خارجی‌وشناخت‌متحدان‌داخلی‌انقلاب ومرزبندی واقعی بین‌آنها و تمامی خصمان پنهان وآشکار انقلاب‌است.

همزمان با تشدید تدارکات توطئه از خارج و داخل، هم زمان باحمله تبلیغاتی ویورش دیپلماتیک جبههٔ امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی‌ایران، همزمان باترورهای‌پیاپی شخصیت‌ها وخرابکاری‌های گوناگون وناراضی‌تراشی‌های‌متنوع در درون وایجاد جو بی‌ثباتی وبی‌اعتمادی، هفته‌هاست‌که کارزار بیسابقه‌ای باتمام وسایل تبلیغاتی براه‌افتاده‌است، تااز راه‌ارعاب یا شانتاژ، از راه ترساندن یابرچسب‌زدن، کاری‌کنند که‌دولتمردان ایرانی، هرقدر که‌ممکن‌شود، ازدوستان واقعی‌خود کناره‌جویند، نیروهای‌متحد راطردکنند، یکه وتنها باقی‌بمانند، تا درآنصورت ضدانقلاب بتواند ضربهٔ کاری را واردکندوتوطئهٔ خودرابه‌سرانجام‌رساند. هفته‌هاست که‌رادیوهای کشورهای‌امپریالیستی وشعب آنها، که بدست ضدانقلابیون باصطلاح ایرانی سپرده‌شده، مضمون اصلی تبلیغات دیوانه‌وار و بلاانقطاع خود را حمله به آن‌نیروهای انقلابی قرار داده‌اند که دوست ومتحد انقلاب ایرانند. این حمله تنهاافترای‌مستقیم نیست، بویژه شانتاژ نیز هست: اینکه "ایران وابسته به‌روسیه‌شده" "اینکه" توده‌ایها همهٔ دستگاه را قبضه کرده‌اند"، اینکه "کوپن‌همان‌کمونیسم‌است" و لایحهٔ ملی‌کردن‌بازرگانی خارجی را "چپی ها نوشته‌اند" "!اصلا "ایران دیگر در چنگ خرس‌روسیه و دردهان‌کمونیستهاست"!

حداقل نتیجه‌ای که‌گردانندگان این‌کارزارتبلیغاتی‌انتظار دارند — و متاسفانه بدست میآورند- اینست که، برخی‌از دولتمردان‌ایرانی، برای تبری جستن‌ازاین "اتهامات"، سیلی از تهمت وناسزا روانه دوستان ومتحدین خویش‌نمایند وبرای‌آنکه‌مباداکسی به ترهات‌ساخته وپرداختهٔ دشمن باور کند، مرتبا وبدون هیچگونه محمل و دستاویزی، بارانی ازهمان‌ساخته و و پرداخته‌هائی را، که بیست‌وپنجسال، بلکه شصت‌سال‌است دشمن میگوید وتکرارمیکند، بگویند و تکرار کنند. دشمن حساب‌میکند که دربرخی ازدولتمردان‌ایرانی آن شهامت مدنی وشجاعت‌اخلاقی رانخواهد یافت، تابا ارعاب وشانتاژ سازمان داده‌شده، سربلندانه‌مقابله‌کنندوهمچو یک‌انقلابی واقعی ملاک را، نه ترس از تبلیغات دشمن، بلکه منافع عالیهٔ انقلاب و حقیقت، که‌اینهمه ازآن‌صحبت میشود، قراردهند. دشمن حساب‌میکند که‌برخی ازدولتمرادان‌ایرانی چیزی از تجربهٔ انقلاب‌ایران را یاد نگرفته‌اندودرس‌های‌تاریخ‌را — نه‌تاریخ‌دور، بلکه همین حوادث اخیر را فراموش‌کرده‌اند وقادر نیستند ازآنهاعبرت بگیرند و درس بیاموزند. دشمن‌حساب‌میکند که نسل جوان‌مسئولان‌کشور بیاد ندارد ونمی‌داندکه‌امپریالیسم وعمالش عین همین روش‌را، در آستانه ۲۸ مرداد، به‌منظور درهم شکستن‌نهضت‌انقلابی ایران‌بکار بردندوزمینهٔ موفقیت خویش و شکست مردم‌را فراهم ساختند. دشمن‌حساب میکند که، تجربه ۲۸ مردادکه هیچ، برخی‌از دولتمردان‌ایرانی، حتی‌تجربه همین‌یکسال گذشته را هم از یادبرده‌اند وفراموش‌کرده‌اند که دارو دستهٔ لیبرال‌ها وگروه‌بنی‌صدر واعوان وانصار مشکوک‌آنها‌چگونه تمام هم خودرابرای جداکردن‌مسلمانان‌صدیق پیروخط‌امام وانقلابیون‌متعهدی، که‌پشتیبان‌وفادار خط‌امام‌هستند، ولی‌اندیشه و مسلک سیاسی متفاوتی دارند، بکار بردند. صفحات‌روزنامه "انقلاب اسلامی" و "میزان" هنوزازگذشت‌زمان‌زرد نشده است ونوار سخنان بنی‌صدرو بنی‌صدرها هنوز به‌بایگانی راکد نرفته است. شاید کمتر کسی است که‌آنهمه تمهید مکارانه وآنهمه شانتاژ را برای تفتین و دوبهم‌اندازی و ترساندن خط‌امامی ها از "خطرکمونیسم" وبرحذر داشتن انقلابیون‌دگراندیش‌از "فاشیسم‌آخوندی" ازیاد برده‌باشد. ولی آیابرخی‌دولت‌مردان فراموش‌کرده‌اندکه در گرماگرم توطئه‌های براندازی فزاینده و حلقهٔ تنگ‌شوندهٔ آن، دارند در همان دام می‌افتند ودارند حساس‌ترین نقطهٔ ضعف را به‌دشمن میدهند، تاآنراآماج تیرهای "ستاره‌درخشان" و "تریپ‌وایر" وسایر اسامی رمزی که در آرشیو "سیا" روی آنهاکارمیشود، بنمایند؟ اگرتوسط برخی‌از دولتمردان‌تجربهٔ تاریخی ۲۸ مرداد وتدارک خائنانه‌آن، که به‌دست بقائی‌ها وزیر پوشش یورش‌عظیم ضدشوروی وضد توده‌ای انجام گرفت، فراموش‌شده‌باشد، تجربهٔ همین چند ماه‌پیش‌که از یاد نرفته‌است. کدام مقام مسئولی است که شایستهٔ این صفت "مسئول" باشد و نخواهد یانتواند از این‌تجربه، لااقل‌از تجربه‌چندماه پیش بیاموزد؟ آیا باید آنقدر خودمحور‌بین وبخواب‌رفته باشیم که پس‌ازطرد برخی از لیبرال‌های "معتدل" و مورد قبول‌آمریکا، درهمان دامی بیفتیم که آنهاگسترده‌بودند و طعمه‌همان‌شیوه‌ای بشویم که‌وابستگان‌یا عمال یا محافل "معقول ومیانه‌رو" همین اخیرا اعمال میکردند، تاصف‌انقلاب راازهم‌بپاشندو مسئولان‌انقلابی را در تشخیص دوست ودشمن ودر شناخت دقیق دوستان داخلی وخارجی‌ناتوان و بنا بر این انقلاب‌راضعیف وشکست‌پذیرسازند.

دولتمردان‌ایرانی اینک تنها عنوان مسئولان‌حکومتی برخود ندارند، بلکه‌همراه‌آن‌مسئولیت‌بزرگ تاریخی؛ مسئولیت‌یک‌حکومت‌انقلابی، رابدوش می‌کشند. نامهادرتاریخ‌خواهدماند و ماهیت‌جریانهانیزهمینطور اماچگونه؟ باچه‌توصیفی؟ سزاواربوده‌ایم یا لیاقت نداشته‌ایم؟ باکوته‌بینی انقلاب رابباد داده‌ایم، یا باروشن‌بینی موجب نجات وتحکیم آن‌شده‌ایم؟

تمام مسئله‌اینجاست. اگردولت‌مردان‌ایرانی‌نخواهند یانتوانندامکان واقعی‌مقابله با ضد انقلاب و پیروزی قطعی بر دشمن را باسیاستی مدبرانه و روشی روشن‌بینانه به واقعیت‌بدل‌کنند وشکست‌ناپذیری انقلاب را ازقوه بفعل درآورند، در برابر تاریخ ومردم ما، در برابر نسل‌ها وسرنوشت کشور ما، مسئولیت‌خواهند داشت، مسئولیتی‌به عظمت تاریخ ما، مسئولیتی که حتی احساس جزئی آن باید وجدان‌ها را بیدارکند و جان‌ها را به‌خود آورد، چشم ها راباز و بیدار کند و زمینه‌ساز غلبه‌برپیشداوریها ودگم ها گردد.

> برمسئولان کشور است‌که به‌سنگینی بیسابقه‌مسئولیت‌خویش‌آگاه‌باشند وبدانندکه‌سرنوشت یکی‌از عظیم‌ترین انقلابات ضدامپریالیستی قرن، سرنوشت ملتی پس‌از سه‌هزارسال پادشاهی، سرنوشت آرزوهای بزرگ وامیدهای‌بیکران بدست‌آنها سپرده‌شده‌است. هشدارکه‌مسئولیتی است بعظمت تاریخ!

نمی‌گوئیم ازسایر جنبش های انقلابی‌ضدامپریالیستی بیاموزید نمیگوئیم از تجربه جنبش خود مادر ۲۸ مرداد بیاموزید. اما درس‌گرفتن ازهمین‌چند ماه‌اخیر، ازهمین سبک و روشی که دشمنان انقلاب در گرماگرم توطئهٔ بنی‌صدری‌بکار می‌بردند، از همین‌سبک‌وشیوه‌ای که‌اخیرا رادیوهای ضدانقلاب در پیش گرفته‌اند، که کار دشواری نیست. "زمانه را چو نکوبنگری همه‌پنداست."

بویژه در سالگرد سومین سال انقلاب پرشکوه‌ما، برهمهٔ انقلابیون است‌که، آنچه شرط بلاغ‌است، بگویندو دربرابر تاریخ ومردم سرافکنده‌نمانند، که‌نگفتند واشتباه‌کردند. برمسئولان کشور است‌که‌به‌سنگینی بیسابقه‌مسئولیت خویش‌آگاه‌باشند وبدانند که‌سرنوشت یکی‌ازعظیم‌ترین انقلابات ضدامپریالیستی قرن، سرنوشت‌ملتی پس‌از سه‌هزار سال پادشاهی، سرنوشت‌آرزوهای‌بزرگ وامیدهای‌بیکران‌بدست‌آنها سپرده‌شده‌است. **هشدار که‌مسئولیتی است به عظمت تاریخ!**

درهفته‌ای که گذشت:

رئیس جمهور:
عقیدهٔ ما براین نیست که پزشك بدلیل مکتبی نبودن کناربرود

حجت‌الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور ، هفته‌گذشته‌در دیدار با وزیربهداری و معاونین وزارت‌بهداری، ضمن تاکید براینکه‌ما باید جامعه‌پزشکی کنونی راحفظ کنیم ،گفت :

"برای‌معالجهٔ بیمار دو چیز مهم است : یکی تخصص ودیگری‌علاقه پزشک بدرمان بیمار" .

رئیس جمهورتاکیدکرد : "عقیده ما براین‌نیست که‌پزشک‌بدلیل‌مکتبی نبودن کناربرود .امروزدرایران‌داشتن این‌طرزتفکرغلط است . ما از پزشک تخصص وعلاقه به‌کارمی‌خواهیم ،که‌اگر طبیبی‌این دو را داشت ، ازاواستقبال می‌کنیم" . (کیهان ـ ۱۷ بهمن ۱۳۶۰)

ماامیدواریم وانتظارداریم که عقیدهٔ‌درست رئیس جمهور ، در عمل تحقق پذیرد ،زیرامتاسفانه‌در عمل نه فقط پزشکان ، بلکه کارشناسان و متخصصان بسیاری ،بااینکه وفادار به جمهوری‌ومدافع انقلاب‌اند ،ولی‌بدلیل دگراندیشی‌ازکاربرکنارشده‌اندومیشوند.

آمریکایی‌ها می‌خواهند جنگ ادامه پیدا کند

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای‌اسلامی‌ونمایندهٔ امام درشورای‌عالی دفاع ،هفتهٔ‌گذشته ، ازهستهٔ‌اصلی توطئهٔ‌آمریکادرمورد براه انداختن جنگ‌تحمیلی علیه‌جمهوری اسلامی ایران پرده برداشت . رئیس مجلس بعدازپایان جلسهٔ‌شورایعالی دفاع گفت :

"آمریکائی‌ها تمایل‌دارند این جنگ‌ادامه پیداکند ،هم‌بدلیل‌تضعیف دوکشور اسلامی و هم بدلیل مسائل اقتصادی‌وسیاسی‌وهم به دلیل راحت گذاشتن اسرائیل و هم بدلیل فروش تسلیحات وهم‌بدلیل‌باج‌گرفتن‌ازعراق ـ چون ایران‌که‌باج نمی‌دهدـ باج دادن عراق‌به‌بعضی‌ازکشورهای‌منطقه‌که درخدمت آمریکاهستندازطرف دیگر ، توان‌عراق برای ادامه‌جنگ‌کافی نیست . آمریکامیخواهدبهرترتیب عراق‌راسرپانگه دارد . . . طرح‌دقیقا طرحی آمریکائی است‌واردن‌هم بی‌جهت نیست که‌حاضر شد ،مجری‌آن‌باشد ،چون‌کسی‌که حاضر نباشدبوی‌آمریکائی بدهد ،حاضرنیست مجری‌چنین‌طرحی باشد" . (اطلاعات ـ ۱۸ بهمن ۱۳۶۰)

لزوم آمادگی برای مقابله با توطئه‌های دیگر آمریکا

آقای‌محسن رضائی ،فرمانده‌سپاه پاسداران‌انقلاب‌اسلامی ،هفتهٔ گذشته درمصاحبه‌ای بر آمادگی ایران انقلابی برای مقابله باتوطئه‌های‌جدیدامپریا- لیسم آمریکاتاکیدکرد .

فرماندهٔ‌سپاه‌پاسداران‌گفت :

"تاکنون‌آمریکادرابعادنظامی و اعمالی نظیرکودتا ،تروریسم و جنگ تحمیلی به‌مبارزه‌باانقلاب‌اسلامی دست زده ،که‌باشکست روبروگردیده‌است‌و برای اینکه‌بتوانیم دربرابرتوطئه های دیگرآمریکاآمادگی مقابله‌راداشته‌باشیم ابتداباید توطئه‌های‌کهنهٔ‌آمریکاراهرچه زودتر باپیروزی به پایان برسانیم و همچنین از نیروهای‌مردمی که‌درمقابله باگروهکهای ضدانقلاب محارب در کردستان وآمل وجنگ تحمیلی نقش موثری‌داشتند ،بیشتروبهتر استفاده نمائیم" (کیهان ـ ۱۸ بهمن ۱۳۶۰)

فرمانده‌سپاه‌پاسداران‌اضافه‌کرد :

"دراین‌جنگ‌امپریالیسم‌آمریکا دخالت‌مستقیم داردوما می بینیم‌که‌در حال حاضر آمریکا که شکست عراق را نزدیک می بیندعوامل و مزدوران خود درمنطقه راعلیه ایران‌بسیج‌میکند ." (همانجا)

آقای رضاعلوی طباطبائی ، سخنگوی‌وزارت امورخارجه ، نیز سفر کاسپاروا‌ین‌برگر وزیردفاع‌آمریکا‌به‌کشور های‌وابسته عرب راتلاشی دیگر در جهت تثبیت و ادامه‌حضور این ابر قدرت‌درمنطقه‌ومبارزه‌باانقلاب‌اسلامی ایران دانست‌وگفت این سفرنقشه جدیدی است که آمریکا برای‌این‌ناحیه جهان طراحی کرده و برای رسیدن به اهداف پلید خودبهانه‌های واهی را دستاویز قرارداده و ادعا می‌کندکه جمهوری‌اسلامی‌ایران درسایرکشورها‌به دخالت های مستقیم و غیر مستقیم می‌پردازد ." (کیهان ـ ۲۰ بهمن ۶۰)

سخنگوی وزارت‌امورخارجه‌اضافه کردکه‌سفرمقامات آمریکائی به‌اردن واز "سوی‌دیگربه‌عربستان‌وعمان‌این‌نکته‌را روشن می‌کندکه شورای همکاری خلیج (فارس) ازنظرنظامی‌وامنیتی به یک بلوک‌بندی‌کشیده‌شده‌وبه‌حربه‌بلااراده اجرای‌نیات رذیلانه‌امپریالیسم آمریکا تبدیل‌شده‌است" . (همانجا)

به نظر ماتوجه‌جدی به‌سخنان حجت‌الاسلام‌رفسنجانی ،فرمانده‌سپاه پاسداران و سخنگوی وزارت خارجه اهمیت‌حیاتی دارد .همچنانکه‌فرماندهٔ سپاه‌گفته‌است‌امپریالیسم آمریکاباتسلیح کشورهای دست‌نشانده خوددر منطقه ، که برخی‌ازآنهاهم‌اکنون رسما به کمک صدام‌جنایتکار آمده‌اند ،توطئهٔ‌وسیع دیگری راعلیه‌میهن ماتدارک می‌بیند . باید با همه نیرو برای مقابله با این توطئه دامنه‌دارآماده‌شد ،یعنی‌باید اتحاد همه‌نیروهای خلق رازیر رهبری امام‌خمینی‌در داخل کشورمستحکم‌کرد درخارج نیزایران بایدباکشورها ی انقلابی منطقه‌وقبل ازهمه‌کشورهای‌عضو "جبههٔ پایداری" نزدیک‌ونزدیک تر شودوزمینه یک‌اتحاد استراتژیک را فراهم سازد .

دوستان ایران از انقلاب پشتیبانی می‌کنند

درهمان‌حال که رهبران‌کشور ـ های وابسته‌بامپریالیسم منطقه ، که به اصطلاح مسلمان‌هم هستند ،زیررهبری امپریالیسم آمریکا به‌توطئه‌علیه انقلاب اسلامی‌ایران‌مشغولند ،دوستان واقعی انقلاب‌ایران‌ازآنسوی‌جهان بر حمایت خودازایران تاکید می‌ورزند .

هفته گذشته ،آقای‌احمد عزیزی قائم‌مقام وزارت‌امورخارجه ،که‌به کوبا رفته‌است ،بافیدل‌کاسترو رهبر کوبا ی انقلابی ملاقات‌کرد .دراین دیدار آقای‌عزیزی : "به‌مبارزه باامپریالیسم بین‌المللی به‌سرکردگی آمریکا‌به عنوان وجه‌اشتراک دوانقلاب‌ایران‌وکوبااشاره کرد ." (کیهان ـ ۲۰ بهمن ۶۰)

فیدل‌کاسترو در پاسخ از جمله گفت :

"جمهوری‌اسلامی‌ایران‌با نیروی مردمی‌ومذهبی‌قابلیت استقامت در مقابل همه‌توطئه‌ها رادارد و من هیچ نگرانی از ثبات کشور شما ندارم" . (همانجا)

رهبرکوبا : "بنابه‌همین گزارش ، مواضع‌انقلابی جمهوری‌اسلامی‌ایران‌را ستودوبرا‌عتقادقلبی‌خودبه حقانیت این‌مواضع تاکیدکردو از سوی خود و ملت‌کوبا به امام‌خمینی‌رهبر انقلاب درود فرستاد ." (همانجا)

امید بازگشایی دانشگاه‌ها در مهر آینده

حجت‌الاسلام دکتراحمداحمدی عضوجدیدستادانقلاب‌فرهنگی ،هفتهٔ گذشته درمصاحبه با روزنامه‌اطلاعات اعلام‌کرد :

"تمام‌سعی ستاداینست‌که زمینه ـ سازی دانشگاه‌ها ازلحاظ محیطی‌و منطقه‌بندی دانشگاه‌ها وشرایط مکانی درست شود ،تانوگشائی انجام‌شودو فعلا‌بدون‌آنکه بنده‌بتوانم‌قولی‌بدهم ، صحبت‌این‌است که‌برای مهرماه سال آینده‌دانشگاه‌هانوگشائی شوند وروال کار براین قرارگرفته‌است ." (۱۹ بهمن ۱۳۶۰)

حجت‌الاسلام احمدی درمورد ثبت‌نام دانشجویان گفت :

"ازآنهائیکه‌برای‌نظام جمهوری اسلامی شمشیرکشیده‌اندگذشته ، بقیه مساله‌ای ندارندو می‌توانند ثبت نام شوندوازنظر ستاد ،تا آنجائیکه در جریان‌هستم ،هیچ مشکلی‌ندارندوبعد هم‌گفتندکه‌یک‌چنین‌مواردی‌پیش‌آمده که‌انشاءاله‌درموردآنها اقدام خواهد شد و اگر تقصیر از ثبت نام‌کنندگان‌و مسئولین‌باشد ،انشاءاله رسیدگی و برطرف می‌شود .

بازگشائی‌هرچه سریعتر دانشگاه ـ هاوثبت‌نام مدافعان انقلاب‌و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌یکی‌ازدستاویز ـ های بزرگ سم‌پاشی‌وتبلیغات مسموم ضدانقلاب راازمیان خواهدبردومهمتر ازآن ،کشورقادرخواهدبود متخصصان‌و کارشناسان لازم‌برای رشدوتوسعه‌کشور را تربیت کند ،امید است که بر طبق رهنمودهای مکرروموکد رهبرانقلاب مبنی‌بربازگشائی‌هرچه‌سریعتر دانشگاه ـ ها ، "ستادانقلاب‌فرهنگی "تمام تلاش خودرابرای بازگشائی‌دانشگاه ها درمهرماه‌آینده بکاربرد .

توقف شوراها به انقلاب ضربه می‌زند

هفتهٔ‌گذشته چهارمین کنگرهٔ سراسری شوراهای اسلامی کارخانجات کشوربه‌کارخودپایان‌داد . دراین‌کنگره ، که‌باشرکت ۱۰۰۰ نفرازنمایندگان و اعضای‌شوراهای اسلامی کارکنان واحد ـ های تولیدی‌کشوربرگزارشدکارگران براهمیت ادامه فعالیت‌شوراها‌براساس قانون‌اساسی تاکیدکردند .

یکی‌ازنمایندگان شوراهای‌اسلامی کارگران شهرصنعتی‌البرزدرکنگره‌گفت :

"توقف‌شوراهابه‌انقلاب‌ضربه می‌زند و در بعضی ازجاهاسوءاستفاده می‌کنندازاین‌توقف‌ها ،باآنکه شوراها می‌رفت‌تاحال‌خویش را در جمهوری اسلامی پیدا کند و از دستاوردها ی انقلاب‌حراست‌کند ،به‌یک‌باره‌با توقف شوراها مقداری از قدرت‌اجرائی آن کاسته شد ." (جمهوری‌اسلامی ـ ۱۸ بهمن ۱۳۶۰)

آقای‌حسین‌کمالی نماینده‌مجلس شورای‌اسلامی‌نیزگفت :

"نه‌بنده‌ونه‌هیچکس دیگر حق ندارد‌شوراها رانفی کنند .طبق اصل ۲۷ قانون‌اساسی تاکید برتشکیل‌شورا- هادارد واصل ۱۰۴ قانون‌اساسی باز نوعیت همکاری درشوراها را مشخص می‌کند و شوراهای ما شوراهای ناظر نخواهندبودومیبایست‌درعمل‌همکاری کنند ." (همانجا)

تردیدی نیست‌که باید به‌این خواست بحق و قانونی‌کارگران جامهٔ عمل پوشاند .

۶۶٪ واردات ایران از کشورهای سرمایه‌داری است

دوهفته‌پیش معاون اموربین ـ المللی‌واقتصادوزارت‌امورخارجه‌اعلام کرد :

"مجموعه ترازپرداختهای‌ایران باکشورهای‌غربی‌از ۶۸درصد درسال ۵۶ به۶۷ درصددرنه‌ماهه‌اول‌سال‌جاری‌رسیده است .

هفته‌گذشته نیز آقای مجید هدایت‌زاده‌معاون‌بازرگانی خارجی وزارت‌بازرگانی درمصاحبه‌ای‌گفت .

"سهم کشورهای غربی درکل واردات به‌ایران ، ،طی‌سالهای ۵۶ تا ۵۹ ،ازلحاظ مقدار از ۸۱ % به ۶۶ % کاهش یافته‌است . . .با بررسی آمار واردات‌کشور ،طی سال ۵۹ و۶۰ ، به‌این نتیجه‌می‌رسیم که‌واردات‌کالادر۹ ماههٔ اول‌سال ۵۹ درحدود ۱۱میلیاردو ۷۰۰ میلیون دلاربوده‌است که‌این رقم در مدت مشابه سال ۶۰به ۱۰ میلیارد و ۱۰۰میلیون دلارکاهش یافته‌است . . ." (اطلاعات ـ ۱۹ بهمن ۱۳۶۰)

معاون بازرگانی وزارت خارجه اضافه‌کرد :

"باتوجه‌به‌تحریم اقتصادی ، میزان‌کالاهائی‌که‌ازبلوک‌شرق‌خریداری شده ،از۹/۵% تجاوز نکرده‌است" . (همانجا)

واقعیت‌فوق متاسفانه‌از سلامت و تعادل‌دربازرگانی‌خارجی‌ماحکایت‌نمی ـ کند .

مبارزهٔ تروریست‌های اقتصادی با انقلاب ادامه دارد

زمینهٔ‌آماده‌ای‌که وابستگی ۶۶% واردات‌ایران به‌کشورهای‌سرمایه داری فراهم‌کرده‌است ،همراه باتاخیر وتعلل درتصویب و اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی ، به تروریست‌ها ی اقتصادی‌اجازه‌می‌دهدکه‌بعنوان‌پایگاه ـ های داخلی‌امپریالیسم به‌غارت از راه قاچاق ،احتکار ،گرانفروشی و از بین‌بردن‌مواد غذائی ادامه دهند . معاون‌بازرگانی وزارت بازرگانی در مصاحبه‌پیش‌گفته‌دراین‌زمینه‌تائید می ـ کندکه :

"تروریست‌های‌اقتصادی‌داخلی‌از طریق‌قاچاق ،احتکاروگرانفروشی‌وازبین بردن‌داروهاومواد غذائی به‌مبارزه با جمهوری‌اسلامی‌پرداخته‌اند ."

احتکار سرنگ مورد نیاز مجروحان جنگ

هفته‌گذشته‌دراخبارجراید گوشه ـ های دیگری ازمبارزهٔ دامنه دار تروریست‌های‌اقتصادی باانقلاب فاش شد .

روز ۱۷ بهمن روزنامه‌اطلاعات خبردادکه :

"ماموران ستاد مبارزه باگران ـ فروشی درفلکه‌اول‌خزانه‌بخارائی تهران از چند بنگاه کالا مقدارزیادی کالای‌احتکارشده کشف‌کردند .قراربود این‌کالاهاپس ازترخیص برای‌توزیع به شرکت‌های‌تعاونی تحویل شود ، ولی صاحبان‌کالاهابرای‌اینکه آنهارا به‌چند برابرقیمت‌اصلی بفروش رسانند ،در انباربنگاه‌ها احتکارکردند ."

درمیان کالاهای‌احتکارشده انواع اجناس ،ازکابل برق‌گرفته‌تا شیشه خارجی‌وپتو و . . .دیده‌می‌شد .جالبتر ازهمه ،کشف ۱۰۰۰ کارتن سرنگ‌استریل از انواع مختلف‌بود .این‌سرنگ‌ها در حالی احتکارشده‌بودکه‌بیماران سراسر کشور و بویژه مجروحان‌جنگ نیاز حیاتی به‌سرنگ‌دارند .آنوقت‌سرمایه ـ داران غارتگربرای بردن‌سود‌بیشتر این‌سرنگ‌ها رااحتکار کرده‌اند و از رساندن آن‌به‌فرزندان دلاوراین آب‌و خاک ،که‌درسخت‌ترین‌شرایط در جبهه ـ هامی‌جنگند ،تا تجاوز دشمن‌را دفع کنند ،خودداری می‌کنند .آیابهتر از این‌می‌شودماهیت سرمایه‌داران‌غارتگر رادرواقعیت زندگی‌روزمره‌دید؟

روزنامه‌اطلاعات درروز ۱۹ بهمن خبردیگری چاپ کرد ،که‌بازهم‌نشان ـ دهنده‌ماهیت‌سرمایه‌داران‌غارتگربود :

"ماموران مبارزه باسدمعبر و احتکار ، روزگذشته از داخل انبار یک لوکس فروشی ۸ کارتن نعلبکی‌احتکار شده‌کشف‌کردند .نعلبکی‌های احتکار شده‌بابیش ازدوبرابرقیمت‌اصلی‌واقعی دراختیار دستفروشان قرارمی‌گرفت‌و آنهانیزباقیمت گزافی به‌مصرف کننده می‌فروختند ."

ریشه‌های توطئه در سرمایه‌دارهای بزرگ

براساس این‌قبیل‌تجربیات‌است که حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس شورای‌اسلامی ،درمصاحبه باشبکه "بی .بی .اس" آمریکابدرستی می‌گوید .

"کسانی‌هستندکه‌ازناحیه‌اقتصاد ضربه‌می‌زنند ،مثلااحتکارمی‌کنند ، بازارسیاه‌درست می‌کنند ،با جلوگیری ازپخش موادموردلزوم نارضایتی‌فراهم می‌آورند ،یاحتی‌ازموقعیت‌جنگی سوءـ استفاده کرده‌وبدنبال‌ثروت اندوز ی می‌روندوما به‌اینها بارهااخطار کرده‌ایم که‌جوایران رابشناسندوضربه‌نزنند به این ملت . بطورکلی الان مخالفان حکومت درایران ریشه‌شان بیشتر در سرمایه‌دارهای‌بزرگ‌است ویا وابستگان به‌امپریالیسم ،که‌حتی‌تروریست ها ی چپ (آمریکائی) راهم آنها هدایت می‌کنند . وماالان‌حرکت‌های‌ضدنظام در شکل‌نظامی ،واقتصادی را یک ماهیت میدانیم ." (کیهان ـ ۱۸ بهمن ۱۳۶۰)

وبازهم مردم در انتظار تصویب و اجرای لوایح محوری

درهفته‌گذشته همچنان‌بحث و اظهار نظر درباره لوایح محوری ، که تصویب‌آنهاقدم‌اول‌در راه برون رفت ازمشکلات‌اقتصادی‌وخنثی‌کردن‌توطئه ـ های دشمن‌است ،ادامه‌داشت .

آیت‌اله‌مشکینی‌درخطبه‌های‌نماز جمعه قم باردیگر : "ازدولت‌خواست با برنامه‌ریزی صحیح محدودیت ها ی مالکیت رامعین کند" . (جمهوری اسلامی ـ ۱۷ بهمن ۱۳۶۰)

رئیس‌مجلس شورای‌اسلامی‌نیز درمصاحبه‌پیش گفته‌وهمچنین در‌دیدار بارهبرانقلاب ،باردیگروعده داد که لوایح محوری‌ازقبیل اصلاحات ارضی ، بازرگانی خارجی . . . در مجلس تصویب خواهد شد .

وزیرکشاورزی نیزباردیگر گفت :

"مساله تعیین‌مالکیت زمین را درجهٔ اول اهمیت قرارداده‌ایم" (جمهوری‌اسلامی ـ ۱۹بهمن ۱۳۶۰)

امادرحالیکه‌برهمگان‌روشن‌است که‌داردخیلی دیرمی شود ،هفته گذشته هم متاسفانه‌مردم درانتظارتبدیل‌بحث و وعده وشعار به عمل ،بسربردند .

کورهٔ ذوب آهن اصفهان براه افتاد

آقای‌احمدتوکلی سخنگوی‌دولت‌و وزیرکارواموراجتماعی هفته‌گذشتهاعلام کرد :

"قراربوددرخردادماه سال جاری کوره‌دوم ذوب‌آهن رسما شروع بکار کند ، ولی به‌کوشش مهندسین وکارگران قراراست از روز۲۲بهمن این کوره راه‌اندازی شود ،که‌بااین‌کارتولید آهن‌ما به سه‌برابرخواهدرسیدو نیاز مملکت مابه‌آهن‌درخودکشور تامین می‌شود" (کیهان ـ ۲۰بهمن ۶۰)

سخنگوی‌دولت درمصاحبهٔ مطبوعاتی بعدی خوداعلام کردکه‌کوره دوم ذوب‌آهن براه‌افتاده‌است .

تردیدی‌نیست که تقویت ذوب آهن اصفهان گام جدی درجهت‌ر شد وتقویت صنایع سنگین ودرنهایت‌نیل به‌استقلال اقتصادی‌کشوراست . موفقیت بازهم بیشترمهندسان‌وکارگران ذوب آهن‌اصفهان را آرزومندیم .

سرانجام انحراف و خیانت

هفته‌گذشته در یک درگیری مسلحانه‌درشمال‌تهران ،موسی‌خیابانی و اشرف ربیعی (همسرمسعود رجوی) ازرهبران‌اصلی "سازمان‌مجاهدین" کشته شدند . بر اساس گزارش روابط عمومی سپاه‌پاسداران انقلاب‌اسلامی ، نزدیک‌به‌ده‌نفردیگرازکادرهای مرکزی "سازمان مجاهدین "هم دراین در ـ گیری‌کشته‌شدندویک‌پاسدار نیز به شهادت رسید .

سرانجام‌خیابانی و ربیعی ، سرانجام همه‌کسانی است‌که‌ابتدابراثر اشتباه وسپس براثرلجاج در ادامهٔ اشتباه‌خود ،به بهانه نجات خلق در برابراومی‌ایستندوردای‌خیانت‌به خلق

بقیه‌درصفحه ۱۴

بودجهٔ جنگی آمریکا :

۲۶۳٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ دلار

برای‌نخستین‌بار درتاریخ آمریکا بودجه‌زمان صلح "پنتاگون" از مرز۲۶۳ **هزارمیلیون‌دلار فراترخواهدرفت**. این‌بودجه به‌تولید جنگ‌افزارهای‌پیشرفته، ازجمله بمب‌افکن‌های "بی ـ ۱"، موشک‌های میان‌قاره‌ای بالیستیک‌"ام .اکس."، زیردریایی‌های "ترایدنت" و سلاح‌های شیمیایی، اختصاص داده خواهد شد. بدین‌سان، بودجه‌نظامی سال مالی‌آیندهٔ ۴۴هزار میلیون دلار افزایش خواهد یافت.

ازسوی‌دیگر، بودجه‌مصارف اجتماعی به‌میزان ۲۷هزارمیلیون‌دلار کاهش خواهد یافت.

بودجه‌جدید باردیگرثابت می‌کندکه، هدف‌سیاست‌نظامی‌گری "واشنگتن" شتاب‌بخشیدن به‌مسابقه‌تسلیحاتی وکشانیدن‌بشریت به‌ورطه‌فاجعه‌هسته‌ایست.

رژیم نظامی ترکیه قصد اعدام ۵۲ رهبر جنبش کارگری را دارد

در استانبول محاکمه ۵۲ تن از رهبران و فعالان **"کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی کارگران ترکیه"** از سرگرفته شد. دادستان تقاضای مجازات‌اعدام را برای همه آن‌ها کرده است. رژیم نظامی ترکیه آنان را به "فعالیت‌های ضد دولتی" متهم ساخته‌است. اما این‌کنفدراسیون که‌دارای ۶۰۰،۰۰۰ عضواست، همواره در چارچوب قانون اساسی ترکیه عمل کرده‌است.

دانشگاههای لهستان بازشد

هیئت سیاسی کمیتهٔ مرکزی **"حزب متحد کارگری لهستان"** در اجلاس خود در ورشو به بررسی اوضاع سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور پرداخت. هیئت سیاسی بویژه به مسائل اصلاحات اقتصادی توجه و به‌ضرورت حل مسائل مشخص در زمینهٔ‌تولید اشاره کرد. هیئت سیاسی کمیتهٔ مرکزی **"حزب متحد کارگری‌لهستان"** سپاسگزاری حزب را از معدنچیان بخاطر افزایش تولید ذغال سنگ ابرازداشت.

دراین میان، اوضاع لهستان به حالت عادی بازمی‌گردد. درمعادن که یکی از رشته‌های کلیدی لهستان بشمارمی‌رود، فعالیت بارآوری در جریان بوده است. برنامه‌های تولیدی با موفقیت حتی بیش ازصد درصد ایفا گشت. قرار است‌در ماه‌های فوریه و مارس ۷۰۰ هزارتن غلات از دهقانان خریداری شود، که به مراتب بیش از میزان ژانویه خواهد بود. بااینکه هنوز درزمینه آذوقه رسانی کمبودهایی هست، ولی مردم درک می‌کنند که یکشبه نمی‌توان به همهٔ دشواری‌ها پایان بخشید.

به گفتهٔ **نیکلای بایباکوف**، معاون نخست‌وزیرشوروی، کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" تصمیم‌گرفته‌اند که برای کمک به تثبیت اقتصاد لهستان کمک‌های هنگفتی دراختیار آن کشور بگذارند. این کشورها در آخرین اجلاس "کمیتهٔ همکاری و برنامه‌ریزی" سازمان نامبرده درکوبا، به‌توافق دراین زمینه دست‌یافتند. دراین گستره به واگذاری مواد خام به واحدهای تولیدی وساختمانی توجه خاص مبذول خواهد شد.

دولت لهستان از "کمیسیون‌برنامه ریزی" کشورخواست، تا به تدوین برنامهٔ ویژه‌ای برای بازسازی‌اقتصاد ملی بپردازد. کابینهٔ لهستان در جلسه‌ای فوق‌العاده به این نتیجه رسید که، گام نامبرده **"برای‌استقرار استقلال اقتصادی لهستان ضرورت دارد"**. تدابیردولت کاهش‌وابستگی تولیدلهستان را به خارج دربرمیگیرد دولت همچنین توصیه کرده است که همکاری با دیگر کشورهای‌سوسیالیستی گسترش یابد. ازسوی دیگر، قرار است، "کمیتهٔ اجتماعی‌وسیاسی" دولت پیشنهادهایی دربارهٔ ازسرگیری فعالیت‌های سندیکایی ارائه دارد.

دانشگاه‌های لهستان نیز هفتهٔ گذشته بازگشایی شد. دولت کمیسیونی برای بررسی مسائل‌جوانان بپاکرد. نمایندگان سازمان‌های سیاسی، اجتماعی وجوانان درکار این کمیسیون شرکت‌خواهندجست.

"تریبونالودو" درتفسیری در روز جمعه۲۳ بهمن ۶۰ (۱۲ فوریه۱۹۸۲) ارزیابی رهبری "حزب کمونیست ایتالیا" را دربارهٔ اوضاع لهستان **"یکسویه"** خواند. بنوشتهٔ‌این‌روزنامه "**آنهانمی‌خواهند واقعیات‌رابشناسند وبه‌استدلالات‌مقامات لهستانی در بارهٔ ضرورت استقرار حکومت‌نظامی گوش فرادهند. این اقدام نقشهٔ نیروهای ضدسوسیالیستی را برای کشانیدن لهستان به رویارویی‌خونین عقیم گذاشت**".

رئیس مجلس...

بقیه‌ازصفحه۱

سیاست خارجی‌ما، که اخیرا می‌بینند دارد شکل‌می‌گیرد. مثلا به‌سفیرآلمان غربی حمله‌کرده‌بودند یامزاحم خانهٔ سفیرزئیر شده‌بودند و یا درمراسم‌رژه به‌یکی دو سه کشور همسایهٔ ما یک نوع اهانت‌هایی‌کرده‌بودند، مثلا به‌پرچم شوروی‌ها، یا به‌پاکستان، که‌بعضی از عوامل‌شان‌شناخته‌شده‌اند. ماخواستیم ازمسئولان‌که به‌شدت تعقیب کنندو به طورکلی جلوی این‌گونه حرکت‌های‌ناـ صحیح را بگیرند."

(مصاحبهٔ‌رادیویی، ساعت ۸صبح ۲۵ بهمن ۶۰)

بدین‌سان، یکی‌دیگرازتوطئه‌های عوامل‌امپریالیسم‌آمریکاو پیروان **"خط برژینسکی"**، که به ویژه برای تیره ساختن‌مناسبات جمهوری‌اسلامی‌ایران با بزرگ‌ترین و پی‌گیرترین دوستان و پشتیبانانش، یعنی اتحاد شوروی، به اجرا درمی‌آید، با هشیاری و احساس مسئولیت مسئولین درجه‌اول جمهوری اسلامی‌ایران، افشاشد.

امیدواریم که‌این‌هشیاری واحساس مسئولیت‌جدی، به‌جلوگیری قاطع از اعمال خرابکارانه ضدانقلاب چهره پنهان‌کرده، که‌درتلاش تب‌آلود برای پیاده‌کردن‌خط برژینسکی است، منجر شود.

وقایع مهم جهان در یک هفته

دروغهای آمریکا دربارهٔ سوریه فاش شد

روزچهارشنبه ۲۱ بهمن ۶۰ (۱۰ فوریه ۸۲)، نیروهای امنیتی سوریه درشهر **حما** بکمک مردم عملیات گسترده‌ای را علیه مسلمان‌نمایان "اخوان‌المسلمین" بانجام رساندند. بگفتهٔ یک سخنگوی دولت دردمشق، ده‌هانفرازاعضای جنایتکار این‌سازمان تروریستی دستگیرشدند، که درماههای گذشته به‌کشتار بسیاری از مردم بیگناه و دیگر اقدامات تخریبی‌دست زده بودند. مقادیر زیادی اسلحه نزد افراطیون پیداشد. دولت‌سوریه ادعای دولت آمریکا را دربارهٔ "تظاهرات گستردهٔ ضددولتی" در **حما** تکذیب کرد. سخنگوی دولت سوریه گفت:

"این جعلیات رابایدچونان مداخلهٔ خشونت‌بار در اموزداخلی سوریه و پیوند جنایت‌بارمیان "اخوان المسلمین" و امپریالیسم بشمارآورد"

دراین میان، دولت سوریه‌ازطریق سفیرآمریکا در دمشق یادداشت اعتراضیه‌ای تسلیم دولت ایالات متحده کرد.

احداسکندر احد، وزیراطلاعات سوریه، گزارش‌های وزارت‌خارجه را دربارهٔ باصطلاح "تظاهرات ضدـ دولتی" درحما **"دروغین"** خواند.

"کنفرانس مادرید" باکوششهای مداخله‌طلبانه دولت‌های غربی آغاز شد

پس از دو ماه تنفس، ۳۵کشور شرکت‌کننده در "کنفرانس اروپایی‌امنیت" اجلاس خود را در مادرید از سرگرفتند.

یوزف‌ویاچ، رئیس هیئت نمایندگی لهستان، در سخنرانی گشایشی‌خود ازشرکت‌کنندگان خواست، تا "**سازنده کارکنند و توجه خود را به‌مبانی‌اشتراک میان‌کشورها مبذول دارند.**"

اما سخنرانی برخی‌ازنمایندگان کشورهای‌غربی آکنده از روح رویاروییجویی بود.

لئونیدایل‌یی‌چوف، رئیس‌هیئت‌نمایندگی‌شوروی، درکنفرانس‌مطبوعاتی "**کوشش‌های "واشنگتن" را برای تبدیل "کنفرانس مادرید" به‌نهاد دنباله‌رو بلوک "ناتو" وتحمیل مقاصدآمریکا را براین گردهمآیی‌کشورهای‌مستقل**" محکوم ساخت. وی در این‌زمینه، به‌تلاش آمریکا برای‌تحمیل بررسی مسئله‌لهستان‌در "کنفرانس مادرید" اشاره‌کرد، که‌چیزی جزمسئله‌داخلی مردم‌لهستان‌نیست.

لئونیدایل‌یی‌چوف ایالات‌متحده‌آمریکا و برخی از دیگر کشورهای "ناتو" را به "مداخله در امور داخلی لهستان وتشویق محرکان هرج و مرج و خونریزی در آن‌کشور" متهم‌ساخت. وی یادآور شد که "**اتحادشوروی همه کوشش‌خود را برای تضمین روند عادی "کنفرانس مادرید" ودست‌یابی به‌نتایج مثبت به کار خواهدبرد.**"

یوزف‌ویاچ درسخنرانی دیگر از کوشش دولت ایالات‌متحده و برخی‌دیگر از کشورهای "ناتو" برای تحمیل بررسی اوضاع لهستان در "کنفرانس مادرید" ابرازتاسف‌کرد. وی درکنفرانس مطبوعاتی‌درپایتخت‌اسپانیا گفت‌که، رویدادـ های‌لهستان مسئله‌داخلی این‌کشور استو تاکیدکردکه، حکومت‌نظامی تدبیری موقت‌است و تاآخر ماه فوریه بیشتر محدودیت‌های کنونی پایان خواهدیافت. **به‌گفته یوزف‌ویاچ** اکنون روزانه۳۰ـ ۲۰تن از بازداشت‌شدگان آزادمی‌شوند.

خلبانهای آمریکایی مردم السالوادور را بمباران می‌کنند

درالسالوادورهواپیماهای "خونتا" وابسته به آمریکا بمباران شهرها و روستاها را باردیگر ازسرگرفتند. به گزارش رادیوهای "فارابوندومارتی" و "ون سرموس"، چندین شهر استانهای چائوته نانگو و اوسوروتان بمباران شد. بعقیدهٔ ناظران، تشدید حملات هوایی نیروهای "خونتا" را باید در پیوند باواگذاری هواپیماها و هلیکوپترهای جدید به رژیم السالوادور ازسوی آمریکا دید.

یادآور می‌شویم که، چندی پیش رزمندگان انقلابی السالوادور با یک حمله موفقیت‌آمیز به یکی ازپایگاه‌های هوایی "خونتا" ۷۰ درصد نیروی هوایی آنرا نابود ساختند. ریگان۵۵ میلیون دلار اعتبار برای خریدجنگ افزار دراختیار رژیم سرسپردهٔ خود درسان سالوادور گذاشت. بیش‌از۳۰ درصد سلاح‌هایی، که "واشینگتن" به کشورهای آمریکای لاتین می‌دهد، در اختیار "خونتا"ی السالوادورقرار می‌گیرد.

به گزارش کمیسارعالی سازمان ملل متحد برای آوارگان، تاکنون۳۰۰هزار السالوادوری مجبورشده‌اند، از کشور بگریزند. اما برپایهٔ گزارش‌های سازمان‌های انقلابی السالوادور، این شماره هم‌اکنون از ۷۰۰ هزار فرارفته است. **کوئیار**، دبیرکل سازمان ملل متحد، "نگرانی عمیق **خود را درباره افزایش خشونت‌در السالوادور**" ابراز داشت.

از زمان به روی کارآمدن رژیم وابسته به آمریکای السالوادور تاکنون ۴۰ هزارنفر به علل سیاسی به قتل رسیده‌اند.

دراستان‌های اوسوتان و سان‌میگل درگیری‌های سختی میان انقلابیون و مزدوران "خونتا" صورت گرفت.

برپایهٔ برخی گزارش‌ها، ریگان تصمیم‌گرفته است چندین خلبان آمریکایی را دراختیار رژیم وابسته السالوادور بگذارد.

درسان سالوادور یک سخنگوی وزارت دفاع خاطرنشان ساخت که "خونتا"یَ فرمانروا "عملیات تنبیهی" بزرگی را علیه مردم تدارک می‌بیند. دراین عملیات ازسلاح‌های جدید آمریکایی‌استفاده خواهدشد.

آنکر یورگنسون، نخست وزیر دانمارک، گفت که سیاست دولت ریگان دربرابر السالوادور، لهستان و اتحادشوروی به‌همکاری ایالات متحده بااروپا صدمه می‌زند. وی درگفتگویی با خبرنگاران خارجی افزود که، مشی "واشینگتن" دربرابر رویدادهای السالوادور "**خطرناک و بی‌باکانه**" است.

بگفتهٔ یک سخنگوی دولت آمریکا، این کشور در سال مالی آینده، که در اکتبر آغاز خواهدشد، ۵۲ میلیون‌دلار کمک نظامی جدید به "خونتا" خواهد سد.

درکنگرهٔ "فدراسیون سندیکایی جهانی" درکوبا نمایندگان سندیکاهای بیش از ۱۵۰ کشور کار خود را آغازکردند

کنگرهٔ **"فدراسیون سندیکایی جهانی"** روزچهارشنبه ۲۱ بهمن ۶۰ (۱۰ فوریه۸۱) درهاوانا، پایتخت کوبا، گشایش یافت. نمایندگان زحمتکشان بیش از ۱۵۰ کشورجهان دراین کنگره شرکت‌داشتند. آنهابه بررسی مسائل تقویت پیکار خود برای بهبود شرایط کار خویش وعلیه بیکاری و در راه پیشبردسلاح زدائی و صلح پرداختند.

لئونید برژنف، دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست و صدرهیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی پیام شادباشی به کنگره فرستاد. در پیام او آمده است:

"**پیروزی درپیکار علیه جنگ ودر راه منافع حیاتی زحمتکشان بستگی فراوانی به اتحاد عمل سندیکاهای دارای سمت‌گیری‌های گوناگون دارد اکنون مهم‌ترین حق بشر، یعنی‌حق زندگی درصلح، به علت سیاست محافل تجاوزکار امپریالیسم درخطر است**".

رهبر شوروی اعتقاد عمیق خودرا بیان داشت که:

"**اکنون ضروراست، گام‌های‌مشخص وعملی برای تحدید مسابقه‌تسلیحاتی برداریم. سندیکاها میتوانند نقش بزرگی دراین گستره بازی کنند**".

کنگره "فدراسیون سندیکایی‌جهانی" به بررسی "برنامهٔ عمل" خود برای سال‌های ۸۰ پرداخت.

فیدل کاسترو، رهبرکوبا، در سخنرانی خود درکنگره گفت:

"**امروز هیچ وظیفه‌ای مهم‌تر از نجات جهان‌از خطر جنگ‌نیست**".

کاسترو خاطرنشان ساخت، که:

"**دولت آمریکا، که مسابقهٔ تسلیحاتی بیسابقه‌ای را آغازکرده است، مسئول افزایش‌تنش‌بین‌المللی است**".

ابراهیم زکریا، کفیل دبیرکل "فدراسیون"، درگزارش خودگفت، که "**اتحادشوروی برنامه‌ای را برای پیشبرد صلح و همکاری بین‌المللی پیشنهاد کرده است، که اختلاف آن با سیاست خطرناک ایالات متحده چشمگیراست**".

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیازومدیرمسئول:
محموداعتمادزاده (م .ا. بهآذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷